

سوالاتی کہ باعث ہدایت جوانان .. شد

تہیہ و تنظیم:

سلیمان بن صالح الخراشی

ترجمہ:

اسحاق بن عبداللہ العوضی

چاپ چہارم 1386/1429ھ

شناسنامه كتاب

-
- نام كتاب : سؤالاتى كه باعث هدايت جوانان .. شد.
ترجمه : إسحاق بن عبدالله دبيري العوضى.
نويسنده : سليمان بن صالح الخراشي
ناشر : المكتب التعاوني للدعوة والإرشاد وتوعية الجاليات في الربوة
تيراژ : 45.000.
سال چاپ : 1386 هـ. ش برابر با محرم الحرام 1429 ق.
نوبت چاپ : چهارم.
آدرس ايميل : yad631@yahoo.com
سايته اي مفيد اسلامي :

www.aqeedeh.com
www.ahlesonnat.net
www.isl.org.uk
www.islamtape.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش خداوندی را سزااست که می‌گوید: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ). (الأنعام: 153).

«این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید ! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید».

و درود خدا بر خاتم پیامبران محمد صل که فرموده است: «بنی اسرائیل به هفتاد و یک گروه تقسیم شدند، و امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهد شد؛ که جز یک گروه همه به دوزخ می‌روند، گفته شد ای پیامبر خدا آن یک گروه کدام است؟ فرمود: آن که بر آنچه باشد که امروز من و اصحاب من بر آن هستیم!»¹.

اما بعد: اراده - تکوینی و تقدیری - خداوند بر آن بوده

1 - صحیح الترمذی البانی (2129) برای آگاهی بیشتر از آنچه درباره این حدیث گفته شده است به کتاب شیخ سلیم الهلالی درء الإرتیاب عن حدیث ما أنا علیه والأصحاب مراجعه کنید

است تا مسلمان ها به گروه ها و احزاب و مذاهب مختلفي كه با يكديگر دشمني مي ورزند و عليه همدیگر توطئه مي نمایند تقسیم شوند، آری دچار تفرقه گشته و با فرمان خداوند كه آنان را امر نموده كه به هنگام اختلاف به كتاب خدا و سنت پیامبرش مراجعه كنند مخالفت ورزیدند، خداوند متعال مي فرماید: (فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا). (النساء: 59).

«و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیامبر (با رجوع به سنت صحیح نبوی) بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»

بنابراین باید همه کسانی كه خیرخواه امت خویش هستند و دوستدار یکپارچگی و وحدت آن می باشند، تا آن جا كه می توانند برای متحد نمودن امت زیر بپوچم حق، و باز گرداندن آن از نظر عقیده و شریعت و اخلاق به دوران پیامبر ص بکوشند؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا). (آل عمران: 103).

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

5

وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید».

و از مهمترین گام هایی که در این راستا باید برداشته شود، آگاه کردن پیروان فرقه های مخالف دعوت قرآن و سنت از عقاید انحرافی اشان است، انحرافاتى که آنها را از هدایت و از پیوستن به جماعت مسلمین باز داشته است .

بنابراین به فکر آن افتادم تا این پرسش ها را جمع آوری کنم، پرسش هایی که از جوانان شیعه می شود تا شاید عقلای آنان وقتی به این پرسش ها فکر کنند به حق باز گردند، پرسش هایی که پاسخ درستی برای آن جز پذیرفتن دعوت قرآن و سنت که از چنین تناقضاتی عاری و به دور است وجود ندارد

و آنچه یکی از برادران شیعه که به حق هدایت شده است اقدام به آن نموده واقعاً مورد پسند اینجانب قرار گرفت، او تجربه جدایی خود از گمراهی و روی آوردنش به هدایت را در قالب کتابی ارائه داده است و اسم مناسبی برای کتابش انتخاب نموده و آن را «ریح الصالحات. ولم أخسر آل البيت»¹ نامیده است

انتخاب او بسیار زیبا و درست است؛ چون مسلمان در اینکه

1- او برادر عزیز: أبو خلیفة القصبی، از کشور بحرین است، که به دیدار ایشان در ریاض نائل شدم. و ناگفته نماند که این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است.

هم اهل بيت را دوست بدارد و هم اصحاب ن را دوست بدارد اشکالی نمی بیند. و او با این کارش مرا به یاد نصرانی می اندازد که مسلمان شد و کتابی با این عنوان تالیف کرد:

«ربحت محمداً ... ولم أخسر عیسی» !.

از خداوند می خواهیم که این کتاب را برای جوانان توفیق یافته شیعه سودمند بگرداند، و آن را بر ایشان رهگذری به سوی خیر و خوبی بگرداند، و در پایان به آنان یادآوری می کنم که بازگشت به حق از ادامه دادن راه باطل بهتر است، و یکی از آنها اگر هدایت شود و به سنت عامل و پایبند باشد جایگاه و پاداش او از هزاران سنتی بیکار و تنبلی که از دینشان روی گردان هستند و عمر خود را در شهوت ها تلف می نمایند یا گرفتار شبهات هستند بالاتر و بیشتر است، و خداوند می فرماید: (مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ، وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ). (الروم: 44).

«هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می سازند»

و خداوند آگاه تر است.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم.

پرسش‌ها

[1] شیعه معتقدند که علی علیه السلام امامی معصوم است سپس - چنان که خود شیعیان قبول دارند - علی را می بینیم که دخترش ام کلثوم «خواهر حسن و حسین م» را به ازدواج عمر بن خطاب رضی الله عنه در می آورد! شیعه باید از دو چیز یکی را بپذیرند که هر یک برایشان ناخوشایند و تلخ است : اول اینکه باید قبول کنند که علی علیه السلام معصوم نیست؛ چون که دخترش را به ازدواج مرد کافری در آورده است! و چنین سخنی با پایه‌های اساسی مذهب شیعه متضاد است، و بلکه از آن لازم می شود که بگویند دیگر ائمه به طریق اولی معصوم نیستند

دوم اینکه: بپذیرند که عمر رضی الله عنه مسلمان است! و علی دوست داشته او دامادش شود. و این دو پاسخ حجت آور هستند.

[2] شیعه می گویند ابوبکر و عمر م کافر بوده اند، سپس

1- افراد ذیل از علمای شیعه این ازدواج را ذکر کنند: الکلبینی فی الکافی فی الفروع (115/6)، والطوسی فی تهذیب الأحکام (باب عدد النساء 148/8) و فی (380/2)، و فی کتابه الاستبصار (3/356)، و المازندارانی فی مناقب آل أبي طالب (3/162)، و العاملي فی مسالك الأفهام، (1/ کتاب النکاح)، و مرتضی علم الهدی فی الشافی (ص 116)، و ابن أبي الحديد فی شرح نهج البلاغة (124/1)، و الأردبیلی فی حدیقة الشیعة (ص 277)، و الشوشتری فی مجالس المؤمنین . (ص 76، 82)، و المجلسی فی بحار الأنوار، (ص 621). و برای اطلاع بیشتر بوساله: «زواج عمر بن الخطاب من أم كلثوم بنت علي بن أبي طالب - حقيقة لا افتراء لأبي معاذ الإسماعيلي مراجعه کنید

می بینیم که علی علیه السلام که از دیدگاه شیعه اما م معصوم است خلافت آنها را می پسندد و با هر یک پس از دیگری بیعت کرده و علیه آن قیام ننموده است.

از این لازم می شود که علی معصوم نیست چون او با دو کافر ناصبی ستمگر بیعت کرده است، و او با بیعت خود آنها را تایید نمود، و این نقصی در عصمت و کمک کردن به ظالم در ظلمش می باشد، و هرگز امام معصومی این کار را نمی کند، و یا اینکه شیعه باید قبول کنند که کار امام علی کاملاً درست بوده است!! چون ابوبکر و عمر دو خلیفه م ؤمن و صادق و عادل بوده اند، و شیعه وقتی آنها را کافر قرار می دهند و به آنها ناسزا می گویند و خلافت آنها را قبول ندارند، با این کار، با امام خود مخالفت کرده اند! ما دچار حیرت می شویم: آیا راه ابا الحسن علیه السلام را در پیش بگیریم، یا راه شیعیان که از فرمان او سر پی چی کرده اند را در پیش بگیریم!؟

[3] امام علی علیه السلام بعد از وفات فاطمه ك با چند زن ازدواج

نمود و از آنها صاحب چند فرزند شد، که برخی از فرزندان عبارتند از: عباس بن علی بن ابی طالب، عبدالله بن علی بن ابی طالب، جعفر بن علی بن ابی طالب، عثمان بن علی بن ابی طالب

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

مادر این فرزندان امام، ام البنین بنت حزام بن دارم^۱ است. و همچنین امام علی با لیلی بنت مسعود الدارمیه^۲ ازدواج کرد و از او صاحب فرزندانی شد به نام های: عبیدالله بن علی بن ابی طالب و ابوبکر بن علی بن ابی طالب و همچنین یحیی بن علی بن ابی طالب، محمد اصغر بن علی بن ابی طالب، عون بن علی بن ابی طالب، فرزندان او هستند که مادرشان «اسماء بنت عمیس»^۳ است. و همچنین رقیه بنت علی بن ابی طالب و عمر بن علی بن ابی طالب که در سی و پنج سالگی وفات یافت فرزندان او هستند و مادرشان ام حبیب بنت ربیع است.^۴ و همچنین با «ام مسعود بنت عروه بن مسعود ثقفی»^۵ ازدواج کرد و از او صاحب فرزندانی شد به نام های: ام الحسن بنت علی بن ابی طالب، رمله الکبری بنت علی بن ابی طالب، سؤال اینجاست که آیا پدری حاضر است فرزند اش را به نام سرسخت ترین

1- «کشف الغمة في معرفة الأئمة»؛ لعلي الأربلي (66/2).

2- منبع سابق، و«الإرشاد»، ص 167، «معجم الخوئي» (66/21).

3- منبع سابق.

4- منبع سابق، و«الإرشاد»، ص 167، «معجم الخوئي» (45/13).

5- «کشف الغمة في معرفة الأئمة»؛ لعلي الأربلي (66/2). ونگا: «الإمامة والنص» للأستاذ فيصل

نور، ص 683-686.

دشمنان خود نامگذاری کند؟ آن هم وقتی آن پدر، علی بن ابی طالب عليه السلام باشد.

پس چگونه علی اسم کسانی را بر فرزندانش می گذارد که شما می گوئید آنها سر سخت ترین دشمن او بوده اند؟! و آیا انسان عاقلی اسم دشمنانش را بر دوستانش می گذارد؟! و آیا می داند که علی اولین قریشی بود که فرزندانش را ابوبکر و عمر و عثمان نامید؟

[4] صاحب کتاب نهج البلاغه - کتاب معتبر شیعه - روایت می کند که علی از پذیرفتن خلافت کناره گیری کرد و گفت: «دعوني والتمسوا غيري». «مرا رها کنید و کسی دیگر غیر از من را بجوئید»!

و این بر باطل بودن مذهب شیعه دلالت می کند؛ چون شما شیعه ها می گوئید که علی از سوی خدا به خلافت و امامت منصوب گردیده است و خلیفه شدن او فریضه ای بوده است که به گفته شما ابوبکر به خاطر غصب این حق او مورد بازخواست قرار می گیرد پس اگر چنین است چگونه از پذیرفتن آن امتناع می کند؟!

1- نهج البلاغه (ص 136) ونگا: (ص 366-367) و (ص 322).

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

11

[5] شیعه می گویند فاطمه پاره تن محمد ص در زمان خلافت ابوبکر مورد اهانت قرار گرفته است، و پهلوی او را شکستند، و خواستند خانه اش را آتش بزنند، و او را زدند که بر اثر آن فرزندش محسن را سقط کرد!

سؤال این است که علی کجا بود؟ ! چرا حق فاطمه را نگرفت در صورتی که او شجاع و دلیر بود؟!

[6] بسیاری از بزرگان اصحاب ن از اهل بیت پیامبر ص زن گرفته اند و اهل بیت از آنها زن گرفته اند، به خصوص شیخین (ابوبکر و عمر) چنان که همه مورخان و ناقلان اخبار، سنی و شیعه بر این اتفاق نظر دارند.

- پیامبر ص با عایشه دختر ابوبکر م، و حفصه دختر عمر م ازدواج نمود.

- رسول الله دو دخترش رقیه و ام کلثوم م را یکی پس از دیگری به ازدواج خلیفه سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه در آورد، و به این دلیل عثمان به ذی النورین ملقب شده است.

- و پسرش ابان بن عثمان با ام کلثوم دختر عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد.

- و مروان بن ابان بن عثمان با ام قاسم دختر حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب ازدواج کرده بود.

- و زيد بن عمرو بن عثمان با سکينه دختر حسين ازدواج نموده بود.

- و عبدالله بن عمرو بن عثمان با فاطمه دختر حسين بن علي ازدواج کرده بود.

و از ديگر اصحاب که نيز با اهل بيت فاميل بودند و از آنها زن گرفته بودند نام نمی بریم و فقط در اين مورد به ذکر خلفای ثلاثه اکتفا می کنیم، تا بيان کنیم که اهل بيت با آنها محبت و دوستی داشتند و به خاطر آن اين ازدواج ها و پيوندها صورت گرفته است¹.

و همچنين می بينيم که اهل بيت نام های اصحاب پيامبر ص را بر فرزندان شان می گذاشتند، و مؤرخين و ناقلان اخبار همه شيعه و سنی بر اين امر اتفاق نظر دارند چنان که در منابع شریعہ آمده است علی یکی از پسرانش که از لیلی بنت مسعود حنظلی بود را ابوبکر نامید، و در بنی هاشم علی اوّلین کسی است که اسم پسرش را ابوبکر گذاشت².

1- برای اطلاع بیشتر از مصاهرت های اصحاب با اهل بيت به کتاب (الدر المشور من تراث اهل البيت) اثر فقيه شيعه علاء الدين مدرس مراجعه کنید.

2- نگا: الإرشاد للمفيد (ص 354)، ومقاتل الطالبين لأبي الفرج الأصبهاني الشيعي، (ص 91)، وتاريخ يعقوبي الشيعي (2/213).

و همچنین حسن بن علی فرزنداناش را به این نام ها نامگذاری کرد: ابوبکر، عبدالرحمن، طلحه و عبیدالله^۱ و همچنین حسن بن حسن بن علی چنین نام هایی بر فرزنداناش گذاشته بود.^۲ و موسی کاظم دخترش را عایشه نامید.^۳

و کفیه بعضی از اهل بیت ابوبکر بود، مانند زین العابدین علی بن حسین^۴، و علی بن موسی الرضا که یقه‌شان ابوبکر بود.^۵ و هیچ نین بعضی از اهل بیت اسم پسرانشان را عمر می‌گذاشتند، که از جمله آنان می‌توان به علی رضی الله عنه اشاره کرد که اسم پسرش را عمر اکبر نامید، مادر این پسر ام حبیب بنت ربیعہ بود، و عمر بن علی در کنار برادرش حسین به شهادت رسید، و علی فرزندی دیگر به نام عمر اصغر داشت که مادرش الصهباء التغلبی بود که عمر طولانی کرد و از برادرانش ارث برد.^۶ و

1- التنبیه والإشراف للمسعودی الشیعی، (ص 263).

2- مقاتل الطالبین أبی الفرج الإصفهانی الشیعی (ص 188) چاپ دارالمعرفه.

3- كشف الغمة للأربلي (3/26).

4- كشف الغمة للأربلي (2/317).

5- مقاتل الطالبین لأبی الفرج الأصبهانی الشیعی، (ص 561-562) چاپ دارالمعرفه.

6- نگا: الإرشاد للمفید ص 354، معجم رجال الحدیث للخواججه 51/13، مقاتل الطالبین لأبی

الفرج الأصبهانی ص 84 چاپ بیروت، عمدة الطالب : ص 361 چاپ النجف. جلاء العیون

ص 570.

همچنين حسن بن علي فرزنداناش را ابوبكر و عمر ناميد¹.
 و همچنين علي بن حسين² بن علي، و علي زين العابدين، و
 موسى كاظم، و الحسين بن زيد بن علي، و اسحاق بن حسن بن
 علي بن حسين، و نيز حسن بن علي بن ح سن بن حسين بن
 حسن فرزندانشان را ابوبكر و عمر ناميده اند. و افراد زياد
 ديگري از اهل بيت فرزندانشان را ابوبكر و عمر ناميده اند ولي
 ما به همين مقدار اكتفا مي كنيم تا بحث طولاني نشود³. و موسى
 كاظم⁴ و علي هادي⁵ دخترانشان را عايشه ناميده اند.

[7] كليني در كتاب الكافي مي گويد: «أن الأئمة يعلمون متى
 يموتون، وأنهم لا يموتون إلا باختيار منهم». «ائمه مي دانند كه چه
 زماني مي ميرند، و آنها جز با اختيار خودشان نمي ميرند»⁶، و
 مجلسي در كتابش (بحار الانوار) حديثي را ذكر مي كند كه

-
- 1- الإرشاد للمفيد ص 194، منتهى الآمال 1/240، عمدة الطالب ص 81، جلاء العيون للمجلسي
 ص 582، معجم رجال الحديث للخوئي 1/29. رقم (8716)، كشف الغمة (2/201).
- 2- «الإرشاد للمفيد» (2/155)، و«كشف الغمة» (2/294).
- 3- اين موضوع در مقال الطالبين و ديگر منابع شيعه به تفصيل بيان شده است به عنوان مثال نگاه
 كنيد به (الدرالمثور) علاء الدين المدرس ص (65-69).
- 4- الارشاد ص (302)، و الفصول المهمة (242) و كشف الغمة 3/26.
- 5- الارشاد، مفيد 2/312.
- 6- نگاه: أصول الكافي الكليني 1/258 و كتاب الفصول المهمة الحر العاملي ص 155.
-

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

15

می گوید: «لم یکن إماماً إلا مات مقتولاً أ و مسموماً». «هیچ امامی نبوده مگر آن که او را کشته اند یا مسمومش کرده اند»؛ اگر آن گونه که کلینی و حر عاملی گفته اند امام غیب می داند، پس امام آب و غذایی را که به او داده می شود می داند و اگر مسموم باشد می داند که مسموم است، و از خوردن آن پرهیز می کند، اگر پرهیز نکند و آن را بخورد و بمیرد خودکشی کرده است؛ چون او می داند که غذا سم دارد ! بنابراین پس او خودکشی کرده است، و پیامبر ص می فرماید هر کس خودکشی کند به دوزخ می رود! آیا شیعه چنین چیزی را برای ائمه می پسندند؟!.

[8] حسن بن علی م با اینکه یاوران و لشکریانی داشت و

می توانست جنگ را ادامه دهد اما با معاویه صلح کرد، و در مقابل برادرش حسین علیه السلام با اینکه افرادش کم بودند و می توانست صلح کند و جنگ را رها کند علیه یزید قیام کرد پس یکی از دو برادر کارش درست بوده و دیگری کارش اشتباه بوده است؛ زیرا اگر دست کشیدن حسن و صلح کردن او با اینکه توانایی جنگیدن را داشت به جا بوده است؛ قیام حسین بدون آن که قدرتی داشته باشد، با اینکه می توانست صلح کند اشتباه است، و

اگر قيام حسين با اينكه توانايي نداشت به حق و به جا بوده است، صلح كردن حسن و دست كشيدن او از جنگ با اينكه قدرت داشت اشبهه بوده است!

و اين امر شيعه را در وضعيت دشواري قرار مي دهد؛ چون اگر بگويند هر دو بر حق بوده و كارشان به جا بوده است دو چيز متضاد را جمع کرده و تايبند نمودند، و جمع كردن دو چيز ضد و نقيض برخلاف اصولشان است، و اگر بگويند كه كار الحسن نادرست و باطل بوده است بايد امامت او را هم باطل و نادرست قرار دهند، و اگر امامت او نادرست و باطل باشد امامت و عصمت پدرش باطل مي شود؛ چون پدرش او را جانشين خود قرار داد و طبق مذهب شيعه امام معصوم جز امام معصومي همانند خودش كسي ديگر را جانشين خود قرار نميهد.

و اگر بگويند كار حسين نادرست و بي جا بوده است، بايد بگويند كه امامت او باطل و معصوم نيست، و نيز امامت و عصمت همه فرزندان او را بايد باطل قرار دهند، چون امامت و عصمت از طريق حسين به فرزندان او رسيده است و وقتي امامت و عصمت او باطل گردد امامت و عصمت همه باطل ميشود!

[9] كليني د ر كتابش الكافي¹ مي گويد: «حدثنا عِدَّةٌ مِنْ

1- نگا: أصول الكافي» الكليني (1/239).

أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَجَّالِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ؛ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ هَاهُنَا أَحَدٌ يَسْمَعُ كَلَامِي ، قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (؛ سِتْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ بَيْتِ آخَرَ فَاطَّلَعَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ سَلْ عَمَّا بَدَأَ لَكَ ، قَالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ... ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ : وَإِنَّ عِنْدَنَا لُمُصْحَفَ فَاطِمَةَ ' وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ ' ، قَالَ : قُلْتُ : وَمَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ ؟ قَالَ : مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، وَاللَّهُ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ ، قَالَ : قُلْتُ : هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ ، قَالَ : إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَمَا هُوَ بِذَلِكَ . انتهى .

«شماری از اصحاب ما از احمد بن محمد، از عبدالله بن حجال، از احمد بن عمر حلبی، از ابی بصیر روایت می کند که گفت: پیش ابو عبدالله؛ آمدم و به او گفتم فدایت شوم! می خواهم از تو مسئله‌ای بپرسم و آیا کسی اینجا هست که صدایم را بشنود؟ می گوید: آنگاه ابو عبدالله پرده‌ی را بین دو خانه کنار زد و نگاهی کرد و گفت: هر چه می خواهی بپرس، می گوید: گفتم: فدایت شوم آنگاه او لحظه‌ای سکوت کرد و سپس گفت: مصحف فاطمه پیش ماست، مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست! می گوید: گفتم: مصحف فاطمه چیست؟ گفت: مصحفی است سه برابر

قرآنی که در دست شماست، به خدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست، می‌گویید: گفتیم: به خدا علم کامل این است، فرمود این هم علم است، ولی علم کامل نیست»

آیا پیامبر ص و اصحاب او قرآن فاطمه را می‌دانستند و از آن خبر داشتند؟! اگر پیامبر آن را نمی‌دانست و از آن خبر نداشت چگونه اهل بیت از آن با خبر بودند؟! در حالیکه او پیامبر بود، و اگر آن را می‌دانست و از آن خبر داشت چرا آن را از امت پنهان کرد؟! و حال آن که خداوند متعال می‌فرماید:

(يَتَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ^ط وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ). (المائدة: 67).

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نده!».

[10] در جلد اول کتاب الکافی کلینی اسم کسانی ذکر شده است که برای شیعیان احادیث پیامبر و گفته های اهل بیت را روایت کرده‌اند، برخی از این افراد عبارتند از: مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ، عُمَرَ بْنِ أَبَانَ، عُمَرَ ابْنِ أُذَيْنَةَ، عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، إِبْرَاهِيمَ بْنَ عُمَرَ، عُمَرَ بْنَ حَنْظَلَةَ، مُوسَى بْنَ عُمَرَ، الْعَبَّاسِ بْنَ عُمَرَ، می‌بینید که همه این روایان اسم خودشان یا اسم پدرشان عمر

است. سؤال اینجاست که چرا اینها عمر نامیده شده‌اند؟!

[11] خداوند متعال می‌فرماید (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ). (البقره: 155-157).

«و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم ؛ و به سوی او باز می‌گردیم! اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت‌یافتگان».

و می‌فرماید: (وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ). (البقره: 177). «و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند».

و در نهج البلاغه آمده است: «وقال علي عليه السلام بعد وفاة النبي ص مخاطبا إياه ص: لولا أنك نهيت عن الجزع وأمرت بالصبر لأنفدنا عليك ماء الشؤون». «علی بعد از وفات پیامبر ص خطاب به پیامبر فرمود: اگر از بی‌قراری و بی‌تابی نهی نمی‌کردی و به بردباری فرمان نمی‌دادی چنان برایت اشک می‌ریختیم که اشک چشمانمان تمام می‌شد»¹.

1- نهج البلاغه ص 576 و نگا: مستدرک الوسائل 2/445.

و همچنين در نهج البلاغه آمده است كه على ؛ گفت: «أن علياً؛ قال: من ضرب يده عند مصيبة علي فخذته فقد حبط عمله». هر كسى به هنگام مصيبت و بلايى دستش را بر رانش بزند و تأسف بخورد، عمل او نابود گردیده است.¹

و حسين در كربلاء چنان كه صاحب منتهى الامال نقل کرده به خواهرش زينب گفت²: «يا أختي، أحلفك بالله عليك أن تحافظي على هذا الحلف، إذا قتلت فلا تشقي عليّ الجيب، ولا تخمسي وجهك بأظفارك، ولا تنادي بالويل والثبور على شهادتي».

«خواهرم تو را به خدا سوگند مى دهم كه وقتى من كشته شدم گريبانى را پاره مكن، و چهره ات را با ناخن هايت خونين مكن، و به خاطر شهادت من فرياد واويلا سر مده».

و از ابو جعفر قمى نقل شده است كه اميرالمؤمنين به يارانش گفت: «لا تلبسوا سواداً فإنه لباس فرعون». «لباس سياه نپوشيد زيرا لباس سياه لباس فرعون است»³.

و در تفسير الصافى در تفسير آيه: (وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ).

1- نگا: الخصال صدوق ص (621). وسائل الشيعة (3/270).

2- 248/1.

3- من لا يحضر، الفقيه، أبو جعفر محمد بن بابويه القمى 1/232، و الحر العاملى در وسائل الشيعة 2/916 آن را روايت کرده است.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

21

(الممتحنة: 12). آمده است که پیامبر با زنان بیعت کرد مبنی بر اینکه (به هنگام مصیبت) سیاه نبوشند و گریبانشان را پاره نکنند و فریاد و اوایلا سر ندهند.

و در فروع الکافی الکلینی آمده است: که پیامبر ص فاطمه را وصیت نمود و به او گفت: «إذا أنا مت فلا تخمشی وجهاً ولا ترخي عليّ شعراً ولا تنادي بالويل ولا تقيمي عليّ نائحة».

«وقتی من مُردم چهرهات را خونین مکن، موهایت را ژولیده و آویزان مکن، و فریاد و اوایلا سر مده، و زنِ نوحه‌سرایی را مامور نوحه‌سرایی برای من مکن»^۱.

و شیخ شیعه محمد بن حسین بن بابویه قمی که نزد آنها ملقب به صدوق است می‌گوید: (از جمله گفته‌های پیامبر ص که پیش از او کسری آن را نگفته است این است می گوید: «النياحة من عمل الجاهلية»). «نوحه‌سرایی از اعمال جاهلیت است»^۲.

و همچنین علمای شیعه مجلسی و نوری و بروجردی از

1- فروع الکافی 5/ 527.

2- صدوق در من لا یحضره الفقیه (4/ 271-272)، و حر عاملی در وسائل الشیعة (2/ 915) و یوسف البحرانی در الحدائق الناضرة (4/ 149) و حاج حسین البروجردی در جامع أحادیث الشیعة (3/ 488) و محمد باقر المجلسی با عبارت «نوحه‌سرایی از اعمال جاهلیت است». در بحار الانوار 82/ 103 روایت کرده است.

پیامبر خدا ص حدیثی را نقل کرده اند که فرموده است: «صوتان ملعونان یبغضهما الله : إعوالم عند مصیبة، وصوت عند نغم ة؛ یعنی النوح والغناء». «دو صدای نفرین شده هستند که خداوند آنها را دوست ندارد: شیون و فریاد به هنگام مصیبت، و صدای آهنگ و ترانه - یعنی نوحه سرایی و موسیقی -»^۱.

بعد از همه این روایت ها سوال اینجاست که چرا شیعه با حقیقتی که در این روایات ذکر شده است مخالفت می ورزند؟! و ما چه کسی را تصدیق کنیم، آیا سخن پیامبر و اهل بیت را باور کنیم، یا گفته روحانیون شیعه را بپذیریم؟!

[12] اگر چنان که شیعیان ادعا می کنند قمه زنی^۲ و خونین کردن سر و نوحه سرایی و زدن به سر و سینه پاداش بزرگی دارد پس چرا علمای شیعه قمه^۳ نمی زنند و سر و صورت خود را خونین نمی نمایند؟

[13] شیعه می گویند که هزاران صحابی در غدیر خم حضور داشتند، و همه شنیدند که پیامبر ص علی را به عنوان

1- بحار الانوار 103/82 و مستدرک الوسائل 143/1-144 و جامع الأحادیث الشیعة 488/3 و من لا یحضره الفقیه 2/271).

2- نگا: «صراط النجاة» للتبریزی (1/432).

3- نگا: «إرشاد السائل» (ص 184).

جانشین خود بعد از وفاتش تعیین کرد؛ اگر چنین است پس چرا از هزاران صحابه یکی نیامد و به خاطر غضب شدن حق علی اعتراض نکرد، حتی عمار بن یاسر و مقداد بن عمرو و سلمان فارسی ن چیزی نگفتند و یکی از اینها نیامد و نگفت: ای ابوبکر چرا خلافت را از علی غضب می کنی و حال آن که می دانی پیامبر ص در غدیر خم چه گفت؟!.

[14] چرا وقتی پیامبر ص قبل از وفاتش خواست که برای اصحاب چیزی بنویسد که هرگز بعد از او گمراه نشوند، علی چیزی نگفت، با اینکه او آن مرد شجاعی است که از هیچ کس جز خدا هراسی ندارد؟! و همچنین می دانست که هر کس حق را نگوید مانند یک شیطان لال است!!

[15] شیعه می گویند بیشتر روایت های کتاب الکافی ضعیف هستند و کتاب صحیحی جز قرآن نداریم . پس بعد از چنین سخنی چرا به دروغ می گویند که الکافی شرح و تفسیر قرآن است، همان الکافی که به اعتراف خودشان بیشتر روایت های آن ضعیف است؟!.

[16] انسان فقط می تواند بنده خدا باشد؛ خداوند متعال می فرماید: (بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ). (الزمر: 66). «فقط خدا را بندگی کن».

پس چرا شیعیان اسمهای خودشان را عبدالحسین (بنده حسین) و عبدالعلی (بنده علی)، و عبدالزهرا و عبدالامام می گذارند؟
 چرا ائمه فرزندان را عبدالعلی و عبدالزهرا نامگذاری نکردند؟
 و آیا درست است بعد از آن که امام حسین به شهادت رسیده است بگوییم عبدالحسین یعنی خادم حسین؟ خادم کسی است که آب و غذا را تهیه می کند و خدمت می نماید آیا معقول است که کسی آب و غذا برای حسین ببرد و در قبرش آب وضویش را آماده کند تا بگوییم که خادم حسین است؟!

[17] وقتی علی علیه السلام می دانست که خداوند او را خلیفه کرده

پس چرا با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کرد؟!
 اگر بگویید قدرت و توانایی نداشت، پس کسی که قدرت ندارد صلاحیت امامت را ندارد، چون فقط کسی می تواند امام باشد که توانایی به دوش گرفتن بار امامت را داشته باشد و اگر بگویید امام توانایی داشت اما او خودش از توانایی اش استفاده نکرد، پس این خیانت است و خائن نمی تواند امام باشد! و برای رهبری مردم نمی توان به او اعتماد کرد . و امام علی از خیانت و ... پاک است حاشا بر او که خائن باشد
 پس پاسخ شما اگر پاسخ درستی دارید چیست؟

[18] وقتی علی علیه السلام زمام امور را به دست گرفت با خلفای راشدین پیش از خود ابراز مخالفت نکرد ، و برای مردم قرآنی دیگر نیاورد، و هیچ اعتراضی بر آنها ننمود بلکه به تواتر از او ثابت است که بالای منبر می گفت: «خیر هذه الأمة بعد نبیها أبو بکر و عمر». «بهترین این امت بعد از پیامبر ابوبکر و عمر هستند»، و همچنین امام علی وقتی به حکومت رسید ازدواج موقت را رواج نداد، و فدک را باز نگرداند، و حج تمتع را واجب نگرداند، و «حي علی خیر العمل» را به اذان اضافه نکرد و «الصلاة خیر من النوم» را از اذان حذف نکرد.

پس اگر ابوبکر و عمر م چنان که شما می گوید کافر بودند، چرا امام علی وقتی قدرت داشت، کافر بودن آنها را اعلام نکرد؟ و نگفت که اینها خلافت را غصب کرده اند؟! بلکه برعکس او ابوبکر و عمر م را ستود و تمجید کرد.

پس شما باید همان کاری را بکنید که امام علی کرده است، یا اینکه باید بگویند که علی به امت خیانت کرد و قضیه را برای امت بیان ننمود. و علی از چنین چیزی پاک است!

[19] شیعیان می گویند که خلفای راشدین کافر بوده اند، پس چگونه خداوند آنها را یاری کرد و کشورها را به دست آنها فتح

نمود، و اسلام در زمان آنها با قدرت بود، و در هيچ زماني اسلام به اندازهاي كه در دوران آنها قدرتمند بوده است، قدرت نداشته است
آيا چنين چيزي با سنت الهي كه كفار و منافقين را شكست
مي دهد تطابق دارد؟!

و در مقابل مي بينيم كه در دوران كسي كه شيعه او را
معصوم مي دانند و ولايت و حكومت او را مرحمتي براي مردم
قرار مي دهد، امت اسلام دچار تفرقه گرديد و مسلمين با
يكديگر به نزاع پرداختند، تا جايي كه دشمنان به اسلام و
مسلمين چشم طمع دوختند، پس ولايت و حكومت معصوم
كدام رحمت را براي امت به ارمغان آورد؟!

[20] شيعه مي گویند كه معاويه رضي الله عنه كافر بوده است، سپس
مي بينيم حسن بن علي م - كه به گفته شيعه امام معصوم است - با
معاويه صلح كرد و از خلافت دست كشيد، پس شيعه بايد
بگویند كه حسن به نفع يك كافر از خلافت كناره گيري کرده
است، و اين با عصمت او متضاد است ! و يا اينكه بايد پذيرند
كه معاويه مسلمان بوده است!

[21] آيا پيامبر صل بر خاك حسيني كه امروز شيعه بر آن
سجده مي كند سجده کرده است؟!

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

27

اگر بگویند: آری، ما می‌گوییم: به پروردگار کعبه سوگند می‌خوریم که این دروغ است!

و اگر بگویند که بر تربت حسینی سجده نکرده است، ما می‌گوییم: اگر چنین است پس آیا شما از پیامبرص راه یافته‌ترید؟ و باید دانست که روایت هایشان می‌گوید که جبرئیل؛ یک مشت از خاک کربلاء را برای پیامبر آورد.

[22] شیعه ادعا می‌کنند که اصحاب پیامبر ص بعد از وفات او مرتد شده‌اند و برگشتند، پرسش این است که آیا اصحاب پیامبر ص قبل از وفات پیامبر «شیعه اثنا عشری بودند» سپس بعد از مرگ پیامبر ص سنی شدند؟ یا اینکه قبل وفات پیامبر سنی بودند سپس شیعه شدند؟ چون منقلب شدن و برگشتن یعنی منتقل شدن از یک حالت به حالتی دیگر.....؟!

[23] معلوم و مشخص است که حسن بن علی م فرزند فاطمه ك است، و از آل عبا¹ و نزد شیعه از ائمه معصومین است،

1 - اشاره به حدیثی است که پیامبر در حالی که چادری بافته شده از موی سیاه بر تن داشت علی و فاطمه و حسن و حسین ن را فراخواند و داخل آن چادر نمود و : «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». (الأحزاب: 33). «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». را تلاوت کرد. به روایت مسلم در فضائل الصحابة.

و در این مورد او با برادرش حسین عليه السلام فرقی ندارد، پس چرا امامت به فرزندان حسن نرسید و در فرزندان حسین ادامه یافت؟!؟!!

پس و مادرشان یکی است، هر دو سید هستند، و حسن یک امتیاز بر حسین دارد و آن اینکه از او بزرگتر است.

آیا پاسخ قانع کننده‌ای در این مورد هست؟!!

[24] شما می‌گویید که علی بعد از پیامبر امام بر حق بوده

است پس چرا در مدتی که پیامبر بیمار بود حتی در یک نماز

علی عليه السلام پیش نماز مردم نشد؟!!

زیرا امامت صغری دلیلی برای امامت کبری است؟

[25] شما می‌گویید علت پنهان شدن امام دو ازدهم در غار

ترس از ستمگران است، پس وقتی این خطر با به قدرت رسیدن

حکومت‌های شیعه مانند عبیدی‌ها و آل بویه و صفوی‌ها و اینک

دولت فعلی ایران رفع شد، او ظهور نکرد؟!!

و چرا الآن او بیرون نمی‌آید در صورتی که حکومت شیعی

ایران می‌تواند او را حمایت کند؟! و میلیون‌ها شیعه شب و روز

خود را فدای او می‌نمایند و منتظر او هستند!!!

[26] پیامبر ص وقتی از مکه به مدینه هجرت کرد ابوبکر را

همراه با خودش برد و او را نجات داد ، و از طرفی علی را در

معرض خطر و نابودی قرار داد و از او خواست در جایش بخواهد ... پس اگر علی امام و وصی و خلیفه منصوب از سوی خدا بوده است آیا چنین کسی در معرض مرگ قرار داده می شود و جان ابوبکر که اگر بمیرد برای امامت ضرری نیست نجات داده می شود و سوال اینجاست که کدام یک سزاوارتر است که خاری به پایش نخورد و در معرض مرگ قرار نگیرد؟ و اگر بگویید که علی غیب می دانست، پس خوابیدن او بر بستر پیامبر چه فضیلت و شاهکار می تواند باشد؟!

[27] علت تقيه فقط ترس است و ترس و هراس بر دو نوع است: اول اینکه انسان از این بترسد که جانش را از دست بدهد. و دوم اینکه از شکنجه شدن و اذیت و آزار و توهین و ناسزا و هتک حرمت بترسد.

اما در مورد ترس از اینکه جان از دست برود باید گفت که ائمه به دو دلیل چنین هراسی نداشتند. یکی اینکه طبق گفته شما ائمه با اختیار و اجازه خودشان می میرند.

و دوم اینکه طبق گفته شما ائمه آنچه را که می شود و آنچه را که نمی شود می دانند، و آنها زمان و چگونگی مرگشان را می دانند، بنابراین قبل از فرارسیدن زمان مردنشان ترس و هراسی ندارند، از این رو نیازی ندارند که در دین خود منافقانه

رفتار نمايند و مردم مؤمن را فريب دهند.

اما نوع دوم ترس يعنى ترس از شكنجه شدن و در معرض توهين و فحش قرار گرفتن چيزى است كه بدون ترديد تحمل چنين چيزى وظيفه علماست، و اهل بيت پيامبر ص در تحمل چنين سختى هاى در راه حمايت و يارى دين جدشان از ديگران سزاوارترند. پس چرا تقيه مى كردند؟!

[28] از ديدگاه شيعه تعيين امام معصوم به خاطر آن واجب است كه ظلم و شرآز بين برود و در همه جا عدالت برقرار شود سوال اينجاست كه آيا شما مى گوييد كه در هر شهر و آبادى كه خدا آفريده معصومى بوده است كه ظلم را از مردم دور مى كرده است يا نه؟!

اگر بگوييد در هر شهر و آبادى معصومى بوده است. به شما گفته مى شود: اين گزاره گويى آشكارى است، آيا در شهرهاى كفار و مشركين و اهل كتاب هم معصومى هست؟ و آيا در شام پيش معاويه رضي الله عنه معصومى بوده است؟ و اگر بگوييد: ما مى گوييم معصوم يكي است، اما در ساير شهرها و آبادى ها جانشينانى دارد، به شما گفته مى شود در همه آبادى ها و شهرها نايب دارد يا در بعضى شهرها؟ اگر بگوييد در همه شهرها جانشين و نايب دارد اين

گزاره‌گویی و سخن بی‌جایی است!
و اگر بگویید فقط در بعضی جاها جانشین دارد. به شما گفته می‌شود: همه آبادی‌ها به صورت یکسان به معصوم نیاز دارند پس چرا شما بین آبادی‌ها فرق می‌گذارید؟!
[29] کلینی در الکافی باب مستقلی به این عنوان آورده است (زنان از زمین ارث نمی‌برند)، و در این مورد از ابی جعفر ؛ روایت کرده است که گفت: «النساء لا يرثن من الأرض ولا من العقار شيئاً». «زنان از زمین سهمیه ارث ندارند».
و طوسی در تهذیب از مسیر نقل کرده که گفت: «سألت أبا عبد الله ؛ عن النساء ما لهن من الميراث؟ فقال: لهن قيمة الطوب والبناء والخشب والقصب فأما الأرض والعقار فلا ميراث لهن فيهما». «از ابا عبدالله ؛ در مورد حق ارث زنان پرسیدم؟ او گفت: قیمت خشت و بنا و چوب و نی به زنان داده می‌شود ولی از زمین ارث نمی‌برند»، و محمد بن مسلم از ابی جعفر ؛ روایت است که گفت: «النساء لا يرثن من الأرض ولا من العقار شيئاً». «زنان از زمین ارث نمی‌برند»، و عبدالمملک بن اعین از ابو جعفر یا از ابو عبدالله ؛ روایت می‌کند که گفت: «ليس للنساء من الدور والعقار

شيئا». «زنان از خانه، ملک، و زمین سهمیه ارث ندارند»¹ در این روایت فاطمه یا کسی دیگر استثناء نشده است. پس بنابراین طبق روایات مذهب شیعه فاطمه حق ندارد که خواهان ارث از پیامبر ص باشد.

و همچنین همه دارایی های پیامبر از آن امام است، محمد بن یحیی از احمد بن محمد و از عمرو بن شمر، از جابر از ابی جعفر؛ روایت می کند که گفت: پیامبر خدا ص فرمود: «خلق الله آدم وأقطعہ الدنيا قطیعة، فما کان لآدم؛ فلرسول الله ص وما کان لرسول الله فهو للأئمة من آل محمد». «خداوند آدم را آفرید و دنیا را به عنوان ملک به او داد، پس آنچه از آدم؛ بوده است به پیامبر خدا تعلق دارد و آنچه از آن پیامبر خدا است به ائمه ال محمد تعلق دارد»².

و طبق عقیده شیعه اولین امام بعد از پیامبر خدا علی علیه السلام می باشد، بنابراین علی به مطالبه زمین فدک مستحق تر است نه فاطمه، و علی چنین نکرد، بلکه او گفت: اگر بخواهم راه رسیدن به غسل ناب و گندم و پارچه های ابریشمی را می دانم،

1- تهذیب الاحکام 9/254.

2- اصول الکافی کلینی - کتاب الحجة باب أن الأرض کلها للإمام 1/476.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

33

ولی هرگز چنین نیست که هوای نفس من بر من غالب آید و آز و طمع مرا به انتخاب خوراکی ها بکشاند، در حالی که شاید در حجاز و یمامه افرادی هستند که یک تکه نان گیرشان نمی آید و هرگز سیر نشده‌اند^۱.

[30] ابوبکر با مرتدین جنگید و گفت: اگر از دادن زانوبند شتری که در زمان پیامبر آن را به ایشان ص می دادند ابا و ورزند، با آنها خواهم جنگید. و شیعه می گویند علی از ترس اینکه مردم مرتد می شوند قرآنی را که پیامبر به او املاء کرده بود و او آن را نوشتقبود بیرون نیاورد!!

در حالی که او خلیفه بود و طبق ادعای شیعه از سوی خدا کمک می شده است و دارای صفاتی آن چنانی بوده است، اما با وجود این از ترس اینکه مردم مرتد می شوند قرآن را بیرون نمی آورد و راضی می شود که مردم در گمراهی بمانند، و ابوبکر، با مرتدان به خاطر یک زانوبند می جنگد!!

[31] شیعه و اهل سنت بر این مسئله اجماع دارند که علی رضی الله عنه فرد بسیار شجاع و دلیری بوده است که کسی به گرد پای او نمی رسیده است، و او در راه خدا، از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای

1- هیچ البلاغة / 1 / 211.

نمی ترسید، و از آغاز زندگی اش تا وقتی که به دست ابن ملجم کشته شد یک لحظه این شجاعت از او جدا نگردید، و شیعه اعلام می کند که علی جانشین بلا فصل پیامبر است

آیا بعد از وفات پیامبر ص شجاعت علی تمام شد و به خاطر این با ابوبکر رضی الله عنه بیعت کرد؟ و سپس بعد از او با عمر فاروق رضی الله عنه بیعت نمود؟!

و سپس بعد از عمر بلافاصله با عثمان بن رضی الله عنه بیعت کرد؟ و آیا نمی توانست که حتی برای یک بار بالای منبر پیامبر ص برود و با صدای بلند اعلام کند که خلافت از او غصب شده است؟! و او از دیگران به آن سزاوارتر است چون او وصی پیامبر است؟!

چرا علی با اینکه فردی شجاع و دلیر بود و یاوران و دوستان زیاد هم داشت چنین نکرد؟!

[32] حدیث کساء شامل چهار نفر از خانواده علی می شود که تطهیر شامل آنها می گردد¹.

پس دلیل شامل کردن دیگران در تطهیر و عصمت چیست؟! [33] شیعه از امام جعفر صادق - که به پندار آنها مؤسس

1- آن چهار نفر چنانکه گذشت: علی و فاطمه و حسن و حسین هستند.

مذهب جعفری است - روایت می کنند که او با افتخار می گفت: (ابوبکر دو بار مرا زاده است)¹ چون نسب جعفر صادق از دو طریق به ابوبکر می رسد: اول از طریق مادرش فاطمه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

و دوّم از طریق مادر بزرگش اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر، که اسما مادر فاطمه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر است. سپس می بینیم که شیعه روایت های دروغینی از امام صادق ارائه می دهند که او جدّش ابوبکر رضی الله عنه را مذمت می نماید! سوال اینجاست که چگونه امام صادق از یک طرف به جدّ خود افتخار می کند، و از طرفی به او طعنه می زند؟! و ممکن است چنین سخنی از یک بازاری جاهل سرزند، نه از امامی که شیعه او را فقیه ترین و پرهیزگارترین فرد دورانش می شمارند، و هرگز کسی او را مجبور نکرده که کسی را ستایش کند یا مذمت نماید [34] مسجد الاقصی در زمان عمر رضی الله عنه آزاد شد، سپس در

زمان رهبر سنّی مذهب صلاح الدین ایوبی: آزاد گردید. شیعه چه دستاوردهایی در طول تاریخ داشته اند؟! آیا یک وجب از زمین را فتح کرده اند، و آیا دشمنی از دشمنان اسلام و

1- كشف الغمة الأربلی 2/373.

مسلمين را عقب رانده‌اند؟

[35] شيعه ادعا مي‌کنند که عمر رضي الله عنه با علي رضي الله عنه دشمن بوده است، اما مي‌بينيم که عمر وقتی برای تحويل گرفتن کليدهای بيت المقدس می‌رود علي را به عنوان جانشين خود در مدينه مقرر می‌نماید! با اینکه اگر کوچکترین مشکلی برای عمر پيش بيايد علي خليفه خواهد شد! پس اين دشمني کجاست؟!

[36] علمای شيعه معتقدند اعضاء سجده در نماز (8) عضو است (پيشانی، بينی، کف دو دست، زانوها، پاها) و اين اعضاء بايد در هنگام سجده با زمين در تماس باشند. و همچنين معتقدند واجب است سجده بر چیزی غير خوراکی و پوشيدنی باشد و به اين دليل پيشانيشان را بر خاک (مهر) می‌گذارند. پس چرا تمام زير تمام اعضاء سجده کمی خاک قرار نمی‌دهند؟!

[37] شيعه می‌گویند مهديشان وقتی ظهور می‌کند طبق حکم آل داود فرمانروایی می‌نماید! پس شريعت محمد ص که نسخ‌کننده همه شريعت‌هاست کجاست؟! که در شريعت محمد

صص نص بر این است که باید با دلایل و براهین قضاوت کرد
[38] چرا وقتی مهدی ظهور میکند با یهودیان و مسیحیان اور

صلح و آشتی در می‌آید و اعراب و قریش را به قتل می‌ساند؟!
آیا محمد از قریش و عرب رب نیست و همچنین طبق گفته
خودتان آیا ائمه چنین نیستند؟! یعنی از عرب نیستند؟!

[39] شیعه معتقدند که ائمه در پهلوی مادرانشان هستند و
از ران راست متولد می‌شوند!! آیا محمد صص که برترین پیامبران
و والاترین انسانها بود، در شکم مادرش نبود و از رحم او بیرون
نیامد؟!

[40] شیعه از امام جعفر صادق روایت می‌کند که گفت:
«صاحب هذا الأمر رجل لا یسمیه باسمه إلا کافر..».

«صاحب این امر مردی است که کسی جز کافر او را به نام
صدا نمی‌زند.....»^۲.

و از ابی محمد حسن عسکری روایت می‌کنند که به مادر
مهدی گفت: «ستحملین ذکرًا واسمه محمد وهو القائم من بعدی...».
«بچه‌دار خواهی شد و بچه ات پسری است که اسم او محمد

1- اثبات الوصیة المسعودی ص 196.

2- الانوار النعمانیة 2/ 53.

است و بعد از من امام قائم اوست...^۱.

آيا اين تناقض نيست؟! يك مرتبه مي گوييد هر كس مهدي را به نام او صدا بزند كافر است، و بار ديگر مي گوييد كه حسن عسكري او را محمد ناميده است؟!

[41] عبدالله بن جعفر صادق، برادر تني اسماعيل بن جعفر صادق بود. مادر آن دو فاطمه بنت حسين بن علي بن حسين بن علي بن ابى طالب است. پس به اعتقاد شيعة هر دو نفر از پدر و مادر سيّد حسيني هستند.

پس چرا عبدالله پس از مرگ برادرش اسماعيل در حيات امام جعفر صادق، از امامت منع شد؟

[42] كليني در الكافي از احمد بن محمد از ابى عبدالله ؛ روايت مي كند كه گفت : «يكره السواد إلاّ في ثلاث الخف والعمامة والكساء». «سياه پوشيدن مكروه است مگر در سه چيز : موزه و عمامه و عبا»^۲. و همچنين در كتاب الزى از او روايت شده كه او گفت: «كان رسول الله ص يكره السواد إلاّ في ثلاثة الخف والكساء

1- الانوار النعمانية 2/ 55.

2- صاحب الوسائل در 3/ 278 حديث آن را روايت کرده است و نگاه كنيد فروع الكافي كليني

.449/6

والعمامة». «پیامبر ص سیاه پوشیدن را نمی پسندید مگر در سه چیز موزه و عبا و عمامه»^۱. و حر عاملی در وسائل از صدوق و او از محمد بن سلیمان و او از ابی عبدالله؛ روایت می کند که به او گفت: «أصلي في القلنسوة السوداء؟ قال: لا تصل فيها فإِنَّها لباس أهل النار». «آیا با کلاه سیاه نماز بخوانم؟» گفت: «با کلاه سیاه نماز نخوان؛ چون لباس سیاه لباس اهل جهنم است»^۲. و صدوق در من لا يحضره الفقيه از امیر المؤمنین روایت می کند که به یارانش گفت: «لا تلبسوا السواد فإنه لباس فرعون». «لباس سیاه نپوشید؛ چون لباس سیاه لباس فرعون است». و از حذیفه بن منصور روایت می کند که گفت: در شهر حیره پیش ابی عبدالله؛ بودم، که فرستاده خلیفه ابی العباس آمد و به او گفت که خلیفه تو را فرا خوانده است، او بارانی پوشید که یک روی آن سیاه و روی دیگر آن سفیج بود، سپس گفت: با اینکه می دانم که این لباس

1- الکافی 2/205 باب لبس السواد، چاپ تهران 1315 هـ، اما در این روایت عمامه قبل از عبا ذکر شده است.

2- الوسائل 3/281 باب (20) حدیث (3) ابواب لباس المصلی، و صدوق در من لا يحضره الفقيه 2/232 آن را روایت کرده است، و می گوید: امام صادق را در مورد نماز خواندن با کلاه سیاه پرسیدند گفت: در آن نماز نخوان زیرا لباس سیاه لباس اهل جهنم است. نگا: وسائل الشیعة 3/281.

اهل جهنم است آن را می پوشم»^۱. و در بعضی روایت های شیعه آمده است که لباس سیاه لباس بنی عباس دشمنان آنها می باشد. چنان که صدوق در من لا یحضره الفقیه روایت می کند: «روایت شده است که جبرئیل؛ نزد پیامبر ص آمد در حالی که قبای سیاه بر تن داشت و کمربندی داشت که خنجری در آن بود، پیامبر ص فرمود: جبرئیل این چه لباسی است؟ جبرئیل گفت لباس فرزندان عمویت عباس است، آنگاه پیامبر ص نزد عباس رفت و گفت: عمو جان! فرزندان تو برای فرزندان من بلا خواهند بود، گفتای پیامبر خدا آیا خوم را اخته کنم؟ پیامبر فرمود: همه چیز مقدر شده است». به ظاهر منظور از اهل جهنم در روایت هایی که گذشت کسانی هستند که روز قیامت به جهنم می روند و در آن جاودانه می مانند، و آنها فرعون و گروه های سرکشی امثال خلفای عباسی و کفار این امت و کفار امت های گذشته هستند که لباس سیاه می پوشیدند^۲.

و صدوق در من لا یحضره الفقیه به روایت از اسماعیل بن

1- من لا یحضره الفقیه 251/1 و صاحب الوسائل آن را از او در 278/3 ابواب لباس المصلی نقل کرده است. و روایت دوم در الوسائل 279/3 حدیث (7) ابواب لباس المصلی، و من لا یحضره الفقیه 252/2 و الکافی 205/2 روایت شده است.

2- و همان گونه که در الوسائل آمده، در العلل والحضال هم آمده است، و من لا یحضره الفقیه 253/2.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

41

مسلم و او از امام صادق روایت می‌کند که گفت: «خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به مؤمنان بگو لباس دشمنان مرا نپوشید، و خوراک دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنانم را نروید، چون اگر این کارها را بکنید همانند دشمنانم دشمن من خواهید شد و در کتاب عیون الأخبار بعد از نقل روایت با سندی دیگر که علی بن ابی طالب س از پیامبر ص روایت می‌کند می‌گوید: «لباس دشمنان، لباس سیاه است، و غذای دشمنان نبیذ (شراب خرما و انگور) و چیزهای سکر آور اسرت، و قارچ سفید نرم و ماهی شناور و مار ماهی آب‌نوس و ماهی مرده و قرار گرفته روی سطح آب و ماهی‌هایی که پولک ندارند خوراک آنها هستند، تا اینکه گفت: و جایی که دشمنان می‌روند جاهایی است که هر کس برود متهم می‌شود، و مجالشان مجلس شرابخواری و سرگرمی بیهوده است، و مجالی است که شرکت در آن برای ائمه و مؤمنان عیب است و مجالس گناهکاران و ستمگران و تباهکاران است.^۲»

بعد از بیان این همه روایات از ائمه که در مذمت لباس سیاه

1- الفقیه 1/252، و نگا: وسائل الشیعة 4/384، و بحار الانوار 2/291، 28/48.

2- عیون الاخبار 1/26.

بيان شده و مي گویند که لباس سیاه لباس دشمنان است، سوال این است که چرا شیعه سیاه می پوشند و لباس سیاه را لباس سادات قرار داده اند ...؟!.

[43] اگر کسی بخواهد شیعه شود، باید از میان مذاهب مختلف و زیاد شیعه، کدام را انتخاب کند؟! امامیه و اسماعیلیه و نصیرییه و زیدیه و دروز الخ همه مدعی هستند که مذهبشان مذهب اهل بیت است، و همه با صحابه دشمن هستند، و همه به امامت علی بن ابی طالب عليه السلام معتقدند و بر این باورند که او خلیفه بلا فصل پیامبر است، پس کدام یک را باید انتخاب کرد؟! [44] شیعه معتقد است از شروط امامت تکلیف است (بلوغ و عقل)، و امام غائب شیعه (محمد بن حسن عسکری) در سن (3) یا (5) سالگی به امامت رسیده است، چگونه این شرط در مورد او رعایت نشده است؟!.

[45] آیا غیر از قرآن کتاب های دیگری بر پیامبر نازل شده است و فقط علی از آن آگاه بوده است؟! اگر بگویید نه پس به روایت های خود که ذیلاً ذکر می شوند چه پاسخی می دهید:

(1) الجامعه: ابو بصیر از ابی عبدالله روایت می کند که گفت:

«و جامعه نزد ما است» و مردم چه می‌دانند جامعه چیست؟!

می‌گوید: گفتم: فدایت شوم جامعه چیست؟

گفت: صحیفه ایست که طول آن هفتاد گز پیامبر است و او آن را املاء نموده و علی با دستش آن را نوشته است، حلال و حرام و همه چیزهایی که مردم به آن نیاز دارند حتی دیه زخم در آن بیان شده است.^۱

دقت کنید: "و در آن همه چیزهایی که مردم به آن نیاز دارند بیان شده است."

پس چرا پنهان شده و ما از آن و از آنچه در آن است محروم شده‌ایم؟! و آیا این کتمان و پوشاندن علم نیست؟!

(2) - صحیفه ناموس: از رضا س در حدیث علامت های

امام روایت شده که گفت: «و امام صحیفه ای دارد که در آن اسامی شیعیانش تا روز قیامت، و دشمنانشان که تا روز قیامت می‌آیند ذکر شده است».^۲

ما می‌گوییم این چگونه صحیفه ایست که همه نام های شیعیان که تا قیامت به دنیا می‌آیند در آن جا می‌گیرد؟! اگر فقط اسامی شیعیان ایران در آن یادداشت شود حداقل

1- نگا: الکافی 1/239.

2- نگا: «بحار الأنوار» 25/117.

باید صد جلد کتاب باشد!!

(3) - صحیفه عبیطه: از امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که گفت: «سوگند به خدا که صحیفه های زیادی پیش من هست، زمین های پیامبر خدا و اهل بیتش در آن مشخص شده اند، و صحیفه های نزد من هست که به آن عبیطه گفته می شود، و سخت ترین چیز علیه عرب هاست و در آن بیان شده است که شصت قبیله از قبایل عرب از دین بهره ای ندارند»¹.

ما می گوئیم این روایت معقول نیست و نمی تواند قابل قبول باشد، اگر این تعداد از قبایل عرب از دین بهره ای نداشته باشند، پس معنی اش این است که یک مسلمان که از دین بهره ای داشته باشد وجود ندارد!

سپس ملاحظه کنید که چگونه در مورد عرب ها ستمگرانه حکم شده است طوری که از این حکم بوی نژادپرستی به مشام می رسد.

(4) - صحیفه ذؤابه السیف: ابو بصیر از ابو عبدالله روایت می کند که گفت: در دستة شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله صحیفه کوچکی بود که در آن حرفها و کلمات هست که هر کلمه و حرفی هزار

1- بحار الانوار 37/26.

کلمه و حرف می‌گشاید.

ابوبصیر گفت: ابو عبدالله ؛ گفت: و فقط حتی الآن دو حرف از آن بیرون آمده است!

ما می‌گوییم: حرفها و کلمات دیگر کجا هستند؟! آیا نباید بیرون می‌آمدند تا شیعیان اهل بیت از آن استفاده کنند؟!!

یا اینکه تا وقتی که مهدی ظهور می‌کند پوشیده هستند؟؟؟ و نسلها یکی پس از دیگری هلاک می‌شوند و دین در سردابی زندانی است؟!!

(5) - صحیفه علی: این صحیفه دیگری است که در دسته شمشیر پیامبر ص پیدا شده است از ابو عبدالله علیه السلام روایت است که گفت: در دسته شمشیر پیامبر ص صحیفه‌ای طافت شد که در آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم، سرکش ترین مردم در روز قیامت کسی است که کسی دیگر غیر از قاتلش را به قتل رسانده است، و کسی است که غیر از کسی که او را زده، زده است، و کسی است که غیر از مولاهایش ولایت کسانی دیگر را پذیرفته است، چنین فردی به آنچه بر محمد ص نازل شده کفر

ورزیده است، و هر کس بدعتی ایجاد کند یا بدعت گذاری را پناه دهد خداوند روز قیامت هیچ عملی از اعمال او را نمی پذیرد^۱.

(6) - الجفر: جفر بر دو نوع است یکی جفر سفید و یکی جفر قرمز، از ابی علاء روایت است که گفت: از ابا عبدالله رضی الله عنه شنیدم که می گفت: جفر سفید پیش من است . می گوید: گفتم: چه چیز در آن هست؟ گفت: زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحیفه های ابراهیم و حلال و حرام همه در آن هستند.

و جفر قرمز هم پیش من است . می گوید: گفتم: در جفر قرمز چه هست؟

گفت: سلاح در آن است، و آن برای خون باز می شود، و صاحب شمشیر برای کشتن آن را باز می کند.
عبدالله بن ابی الیعفور به او گفت: خداوند تو را اصلاح نماید!

آیا فرزندان حسن از این خبر دارند؟
گفت: بله سوگند به خدا آنها آن را می دانند چنان که شب را

1- بحار الانوار 27/65.

می‌دانند که شب است، و روز را می‌دانند که روز است، ولی حسادت و طلب دنیا آنان را وادار به انکار کرده است، و اگر آنها حق را به وسیله حق طلب می‌نمودند بر ایشان بهتر بود.^۱ می‌گوییم بیندیشید و فکر کنید، زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحیفه‌های ابراهیم و حلال و حرام همه در این جفر هستند! پس چرا شما آن را پنهان می‌کنید؟!

(7) - مصحف فاطمه: أ - علی بن سعید از ابی عبدالله علیه السلام

روایت می‌کند که گفت: «سوگند به خدا که مصحف فاطمه پیش ماست، و در آن حتی یک آیه از قرآن نیست، پیامبر آن را دیکته نموده و علی با دست خودش آن را نوشته است»^۲.

و محمد بن مسلم از یکی از ائمه روایت می‌کند که گفت: «فاطمه از خود مصحفی به جا گذاشت که قرآنی نیست، ولی کلامی از کلام خداست که خداوند آن را بر او نازل کرده است، پیامبر آن را دیکته نمود و علی علیه السلام آن را نوشت»^۳.

ج - علی بن ابی حمزه از ابی عبدالله ؛ روایت می‌کند که گفت: مصحف فاطمه پیش ماست، سوگند به خدا که یک کلمه

1- اصول الکافی 1/24.

2- بحار الانوار 26/41.

3- البحار 26/41.

از قرآن در آن نیست ولی پیامبر آن را املاء نموده و علی آن را نوشته است»^۱.

پس اگر این کتاب را پیامبر دیکته نموده و علی نوشته است، چرا پیامبر آن را از امت پنهان کرد؟ ! و حال آن که خداوند به پیامبرش فرمان می دهد که همه آنچه را که بر او نازل شده به مردم برساند، خداوند می فرماید: (يَتَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ). (المائدة: 67).

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام ندادهای!».

پس چگونه ممکن است که پیامبر همه این مصحف را از مسلمانها پنهان کند؟ ! و چگونه شایسته علی و ائمه بعد از اوست که آن را از شیعیان خود پنهان کنند؟! آیا این خیانت در امانت نیست؟!

(8) - تورات و انجیل و زبور : از ابی ع بدالله روایت است

که انجیل و تورات و زبور را به زبان سریانی می خوانند^۲.

1- البحار 26 / 48.

2- نگا: «أصول الكافي» (1/227).

می‌گوییم: امیر المؤمنین و ائمه بعد از او، به زبور و تورات و انجیل چه می‌کنند که آن را در میان همدیگر دست به دست می‌گردانند، و به صورت پنهانی آن را می‌خوانند، و نصوص شیعه ادعا می‌کنند که علی خودش قرآن را کاملاً از حفظ داشت، و همه این کتابها و صحیفه‌های دیگر را از برداشت، پس چه نیازی به تورات و زبور و انجیل داشته است؟! به خصوص وقتی که این کتابها با نزول قرآن منسوخ شده‌اند؟ بعد از همه اینها می‌گوییم که ما می‌دانیم که اسلام فقط یک کتاب دارد و آن قرآن کریم است، و تعداد کتابها از ویژگی‌های یهودیان و نصاری است چنان که در کتاب های متعدد آنها این قضیه واضح و مسلم است

[46] چرا پیامبر ص وقتی که فرزندش ابراهیم ؛ وفات یافت به سر و صورتش نزد؟! و چرا وقتی فاطمه ك وفات یافت علی به سر و صورتش نزد؟!!

[47] بسیاری از علمای شیعه به خصوص در ایران زبان عربی را بلد نیستند، پس چگونه احکام را از کتاب خدا و سنت پیامبرش استنباط می‌کنند؟! با اینکه دانستن زبان عربی یکی از ضرورت‌های علما است.

[48] شیعه معتقدند که اغلب صحابه به جز تعداد بسیار اندکی منافق و کافر بوده‌اند، اگر چنین است پس چرا این کافران آن تعداد اندکی را که با پیامبر بودند نابود نکردند؟ ! اگر شیعه بگویند: اصحاب بعد از وفات پیامبر همه مرتد شدند و فقط هفت نفر بر اسلام باقی ماندند، می پرسیم پس چرا آنها این تعداد اندک را از بین نبردند و وضعیت را به دوران پدران و نیاکانشان بر نگرداندند؟!

[49] ابو جعفر محمد بن حسن طوسی شیخ شیعه در مقدمه کتابش تهذیب^۱ الاحکام (یکی از کتب اربعه شیعه) می گوید: ستایش خداوندی را سزااست که صاحب حق و مستحق آن است، و درود خدا بر بنده برگزیده اش محمد ص باد، یکی از دوستان در مورد تباین و تضاد و تناقضی که در احادیث اصحاب ماست که هیچ روایتی نیست مگر آن که در مقابل آن روایتی مخالف با آن نباشد، با من مذاکره کرد، و چنان این احادیث مخالف همدیگرند که از بزرگترین اعتراضات مخالفان ما بر مذهب ما همین تضاد اخبار و روایات است...»^۲ و سید دلدار علی^۱ للکنوی شیعه مذهب در کتاب اساس^۲

.45/1-1

2- ص 51 چاپ لکهنو، هند.

الاصول می گوید: احادیثی که از ائمه روایت شده اند به شدت مختلف و متضادند، چنانکه تقریباً هیچ حدیثی نیست مگر آن که در مقابل آن حدیثی مخالف با آن هست، و هیچ روایتی نیست مگر آن روایتی دیگر با آن مخالف است، تا جایی که سبب شده تا بعضی افراد ناقص از مذهب بر گردند....

عالم و پژوهشگر و محقق و حکیم و شیخ شیعیان حسین بن شهاب الدین الکرکی در کتابش، «هدایه الأبرار إلى طریق ائمه الأطهار»^۱ می گوید: «چنان که در اول کتاب بیان کرده هدفش دفع تناقض در میان روایات ماست که سبب شده به خاطر آن بعضی از شیعه از مذهب بر گردند». ما می گوئیم علمای شیعه به تناقضات موجود در مذهبشان اعتراف کرده اند.^۲

خداوند می فرماید: (وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا). (النساء: 82). «اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند».

[50] شیعیان می گویند: گریه بر حسین مستحب است. آیا

1- ص 164 چاپ اول 1396 هـ.ق.

2- نگا: أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية، الففاري، (1/ 418 و بعد از آن).

این استحباب مبتنی بر دلیل است یا هوا و هوس؟ اگر مبتنی بر دلیل است، دلیلش کجاست؟
چرا اهل بیت که شما مدعی تبعیت از آنها هستید چنین نکرده اند؟

[51] شیعیان معتقدند که علی بن ابی طالب س از فرزندش حسین علیه السلام افضل و برتر است، پس وقتی چنین است چرا در سالروز شهادت علی چنان گریه نمی کنید که برای حسین گریه می نمایید؟! و آیا پیامبر ص از علی و حسین م افضل و برتر نبوده است؟! اگر افضل و برتر است پس چرا شما برای او گریه نمی کنید؟!

[52] اگر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و ولایت فرزندانش بعد از او رکنی از ارکان ایمان است که ایمان بدون آن تحقق نمی یابد، و هر کس به ولایت علی و فرزندانش ایمان نداشته باشد طبق عقیده شیعه کفر ورزیده و سزاوار دوزخ است گرچه به یگانگی خدا و رسالت محمد ص گواهی بدهد، و نماز بخواند، و زکات بدهد، و روزه بگیرد و به حج برود؛ اگر چنین است چرا این رکن بزرگ ایمان در قرآن به صراحت بیان نشده است؟!
قرآن را می بینیم که دیگر ارکان و واجبات را که از ولایت

پایین تر هستند مانند نماز و زکات و روزه و حج به صراحت بیان داشته است، بلکه قرآن بعضی از چیزهای مباح و جایز مانند شکار را توضیح داده است پس چرا بزرگترین رکن و اصل دین در ثقل اکبر (قرآن) ذکر نشده است؟!

[53] اگر آن گونه که شی عه می گویند اصحاب دشمن

یکدیگر بودند، و هر یک برای رسیدن به خلافت تلاش می کردند و جامعه آنها جامعه‌ای فاقد همدلی و محبت می بود، و جامعه‌ای بود که جز تعداد اندکی از آنها همه کافر شدند؛ هزاران انسان در زمان اصحاب مسلمان نمی شدند، و آنها مناطق زیادی از جهان را فتح نمی کردند.

[54] چرا بسیاری از شیعیان نماز جمعه نمی خوانند با اینکه

به صراحت در سوره جمعه به اقامه نماز جمعه امر شده است، و خداوند متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ). (الجمعه: 9).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا (خطبه و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است

اگر می دانستید».

اگر بگویند نماز جمعه تا وقتی مهدی ظهور کند تعطیل است! می گوییم آیا انتظار برای مهدی می تواند تعطیل کردن این امر عظیم را توجیه نماید؟! که هزاران شیعه در حالی مرده اند که این آیین بزرگ اسلامی را انجام نمی داده اند.

[55] شیعیان معتقدند که آیاتی از قرآن حذف شده اند. و

آیاتی را ابوبکر و عمر م تغییر داده اند!

و از ابی جعفر ؛ روایت می کنند که از او پرسیدند که چرا علی امیر المؤمنین نامیده شده است؟ او گفت : خدا به او این لقب داده و در کتابش چنین فرموده: «وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم وأن محمداً رسولی وأنّ علیاً أمير المؤمنین»!.

چون پروردگارت از پسران آدم، از پشتهایشان، نژادشان را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه کرد که مگر نه این است که من پروردگار شما هستم، و محمد فرستاده من، و علی امیر المؤمنین است؟

و کلینی در تفسیر: (فالدین آمنوا به) می گوید: یعنی کسانی که

به امام ایمان آوردند.

(وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ). (الأعراف: 157).

«یعنی کسانی از جبت و طاغوت دوری کردند».

(و جبت و طاغوت فلانی و فلانی هستند)!

مجلسی می‌گوید (منظور از فلانی و فلانی ابوبکر و عمر هستند

بنابراین شیعیان ابوبکر و عمر را دو شیطان می‌دانند -

والعیاذ بالله - و (لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ). (النور: 21).

«و از گام‌های شیطان پیروزی نکنید».

شیعه این گفته الهی را چنین تفسیر می‌کنند و می‌گویند

سوگند به خدا که گام‌های شیطان ولایت فلانی و فلانی است!^۳

و از ابی عبدالله روایت می‌کنند که گفت: (ومن يطع الله

ورسوله في ولاية علي وولاية الأئمة من بعده فقد فاز فوزاً عظيماً) و

گفت که آیه در اصل همین طور نازل شده است^۴.

و از ابی جعفر روایت است که گفت : «این آیه اینگونه بر

1- اصول الكافي 1/ 429.

2- بحار الانوار 23/ 306.

3- تفسير العياشي 1/ 214، و تفسير الصافي 1/ 242.

4- نگا: كتاب اصول الكافي 1/ 414.

محمد نازل شده است : (بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل الله في علي بغياً)^۱.

«از جابر الجعفی روایت است که گفت : این آیه را جبرئیل اینگونه بر محمد نازل فرموده است: (وإن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا في علي فأتوا بسورة من مثله)^۲.

(اگر در آنچه در مورد علی بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید یک سوره همانند آن بیاورید.

و از انبی عبدالله ؛ روایت است که گفت: «این آیه را اینگونه جبرئیل بر محمد ص نازل کرد: (يا أيها الذين أوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا في علي نوراً مبيناً)^۳.

ای اهل کتاب به نور آشکاری که در مورد علی نازل کرده ایم ایمان بیاورید.

و محمد بن سنان از رضا ؛ روایت است که گفت: (كبر على المشركين بولاية علي ما تدعوهم إليه يا محمد من ولاية علي). اینگونه در کتاب نوشته شده است^۴.

1- حواله گذشته 417 / 1.

2- شرح اصول الكافي 66 / 7.

3- حواله گذشته.

4- حواله گذشته 301 / 5.

ای محمد ولایت علی که مشرکان را بدان فرا می خوانی بر آنان گران می آید.

و از ابی عبدالله روایت است که گفت : (سأل سائل بعذاب واقع للكافرين بولاية علي ليس له دافع) گفت سوگند به خدا که آیه اینگونه بر محمد ص نازل شده است^۱.

و از ابی جعفر روایت است که گفت : «جبرئیل این آیه را این گونه بر محمد نازل کرده است : (فبدل الذين ظلموا آل محمد حقهم قولاً غير الذي قيل لهم فأنزلنا على الذين ظلموا آل محمد حقهم رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون)^۲.

کسانی که بر آل محمد ستم کردند و حقشان را خوردند به جای آنچه به آنان گفته شده بود سخن دیگری را قرار دادند پس بر کسانی که بر آل محمد ستم کردند و حقشان را پایمال نمودند به سبب فساد و نافرمانی‌شان عذابی از آسمان فرود آوردیم ای مردم پیامبر حق را در مورد ولایت علی از سوی پروردگارتان برایتان آورده است، ایمان بیاورید برایتان بهتر است و اگر به ولایت علی کفر بورزید بدانید که آنچه در آسمان ها و

1- نگا: کتاب اصول الکافی 1/422.

2- حواله گذشته 1/423.

زمین است از آن خداست.

و از ابی جعفر روایت است که گفت جبرئیل ؛ این آیه را این گونه نازل کرده است (إن الذين ظلموا آل محمد حقهم لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا إلا طريق جهنم). ثم قال (يا أيها الناس قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم في ولاية علي فآمنوا خيرا لكم وإن تكفروا بولاية علي فإن الله ما في السماوات وما في الأرض).

همانا کسانی که (نسبت به آل محمد) سقا کردند، خدا در معرض آمرزش ایشان نیست، و به راهی هدایتشان نکند، جز راه دوزخ که همیشه در آن جاودانند، و این برای خدا آسان است - سپس فرمود - : ای مردم! پیامبر از جانب پروردگارتان به حق سوی شما آمده (درباره ولایت علی) ایمان آورید که مایه خیر شماست، و اگر کافر شوید (به ولایت علی) آنچه در آسمانها و در زمین است متعلق به خداست (یعنی به او زیانی نرسد). شیعه می گویند این آیه ها به صراحت بر امامت علی عليه السلام دلالت می کنند، ولی ابوبکر و عمر م این آیات را تحریف کرده اند.

در اینجا دو سؤال باید از شیعیان پرسید:

اول اینکه وقتی ابوبکر و عمر این آیات را تحریف کرده بودند، پس چرا زمانی که علی خلیفه مسلمین شد این چیز را بیان نکرد و توضیح نداد؟! و یا اینکه حداقل آیات را همانگونه که نازل شده بودند به قرآن باز نگردانند؟!

اما می بینیم که علی علیه السلام چنین کاری نکرد، و قرآن به همان صورتی که در زمان خلفای پیش از او و در زمان پیامبر بود به همان گونه باقی ماند، چون قرآن را خداوند محفوظ قرار داده است و می فرماید: **(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)**. (الحجر: 9).
«ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم».

ولی شیعه نمی دانند و نمی فهمند!

دوم آیاتی که شیعیان آن را تحریف کرده اند تا از آن ولایت و امامت و خلافت علی را ثابت کنند، به صراحت به ما می گوید که چنین چیزی نخواهد شد !! در آیه ای که از یهودیان سخن می گوید و شیعیان آن را تحریف کرده و به مسلمین نسبت می دهند فکر کنید!

(فبدل الذين ظلموا آل محمد حقهم قولاً غير الذي قيل لهم فأنزلنا على

الذين ظلموا آل محمد حقهم رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون)

طبق صورت تحریف شده آیه، این آیه از چیزی خبر می دهد

که به زودی در آینده رخ خواهد داد و می گوید که علی آن را می داند.

علی و اهل بیت کدام حق خود را مطالبه کنند در صورتی که قرآن خبر می دهد که حقشان از آنها به زور گرفته می شود؟ و مسلمانان ولایت و وصایت علی را قبول نخواهند کرد و هرگز علی بعد از پیامبر خلیفه نخواهد شد؟! سپس کجا بر کسانی که حق خلافت آل محمد را غصب کردند عذابی از آسمان نازل شده است؟! همه می دانند که هرگز چنین چیزی رخ نداده است، ولی این یک تحریف ساده و ابلهانه و هویدا است.

[56] شیعه در مورد فرموده الهی که می فرماید: (يُرِيدُونَ

لِيُظْفِعُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ). (الصف: 8).

«آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند». از ابو الحسن روایت می کنند که در تفسیر این آیه گفت : «یعنی می خواهند ولایت امیر المؤمنین را سرکوب و خاموش کنند»، (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ). (الصف: 8). «و می گوید: یعنی خداوند امامت را کامل می گرداند و نور امامت است».

چنان که خداوند متعال می فرماید: (فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا). (التغابن: 8).

«به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید».
و می‌گوید: سوگند به خدا که نور روز قیامت ائمه آل محمد
می‌باشند!

سوال اینجاست که آیا خداوند نور خویش را با نشر و
گسترش اسلام کامل گرداند، یا با دادن ولایت و خلافت به اهل
بیت؟!

[57] فقط دو نفر از ائمه زمان خلافت را به دست گرفته‌اند
علی و فرزندش الحسن م پس کامل گرداندن نور بوسیله ده امام
دیگر کجاست؟!

و نص حدیث رسول الله ص را تکرار می‌کنند و به احتجاج
می‌ورزند به اینکه ائمه دوازده ائمه که آنان «خلفاء» یا «ولاه امر»
یا «أمرء» ؛ پس خلافت و فرمانروایی ده نفر بقیه کجاست؟

[58] بعضی از کتاب های شیعه از جعفر صادق روایت
می‌کنند، که زنی از او پرسید که آیا ابوبکر و عمر را دوست بدارم؟
جعفر صادق گفت آنها را دوست بدار آن زن گفت: وقتی به لقای
پروردگرم بروم به او می‌گویم: که تو مرا به دوست داشتن آنها

فرمان داده‌ای؟! جعفر صادق به او گفت بله»^۱.

و روایت کرده اند که مردی از یاران امام باقر وقتی دید که امام باقر ابوبکر را صدیق می نامد تعجب کرد و گفت آیا او را صدیق می گویی؟! باقر گفت: بله. صدیق! هر کس به او صدیق نگوید خداوند هیچ سخنی از سخنان او را در قیامت راست نگرداند»^۲.

از شیعیان می پرسیم که نظر شما درباره ابوبکر چیست؟

[59] ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبی بنی^۳ و الأربلی در کشف الغمّه^۴ و مجلسی در جلاء العیون^۵ گفته است ابوبکر بن علی بن ابی طالب با برادرش حسین علیه السلام در کربلا کشته شد، و همچنین یکی از فرزندان حسین که اسمش ابوبکر بود در کربلا به شهادت رسید! (و محمد اصغر که کنیه اش ابوبکر بود). پس چرا شیعه این قضیه را پنهان می کنند؟! و فقط بر کشته شدن حسین تاکید می نمایند؟!

1- روضة الكافي 8/237.

2- كشف الغمة 2/360.

3- صفحه 88، 142، 188 چاپ بیروت.

4- 66/2.

5- ص 582.

علت این است که اسم برادر و فرزند حسین ابوبکر است!!
به این خاطر از آنها یاد نمی شود. و این چیزی است که شیعیان
نمی خواهند که مسلمین و پیروان غافلشان آن را بدانند، چون
اگر پیروانشان از این مسئله آگاه شدند می دانند که شیعه در
اینکه ادعا می کنند که بین اهل بیت و بزرگان اصحاب و در
رأس آنها ابوبکر دشمنی و عداوت بوده است دروغ می گویند.
چون اگر آن گونه که شیعه می گویند ابوبکر رضی الله عنه کافر و
مرتدی می بود که حق علی و خاندانش را غصب کرده بود، اهل
بیت اسم او را بر فرزندانشان نمی گذاشتند!
و هر کس در این فکر کند این خودش دلیلی است بر اینکه
آنها با هم دیگر محبت و دوستی داشته اند.
و چرا شیعیان از علی و حسین پیروی نمی کنند و اسم
فرزندانشان را ابوبکر نمی گذارند!؟

[60] ایمان داشتن به اینکه پیامبر خدا **ص** آخرین پیامبر
است، یعنی اینکه پیامبر در دوران حیات و پس از مرگش امام و
پیشوای مردم است، پس هر کس ایمان داشته باشد که محمد
ص رسول خداست و اطاعت از او واجب است و تا آنجا که
می تواند از او اطاعت نماید، اگر گفته شود که چنین فردی به

بهشت می رود پس نیازی به مسئله امامت ندارد و چیزی جز اطاعت از پیامبر بر او لازم نیست، و اگر گفته شود به بهشت نمی رود مگر آن که از امام پیروی کند، چنین سخنی بر خلاف نصوص قرآن است.

چون که خداوند در چندین جا از قرآن بیان فرموده که هر کس از خدا و پیامبر اطاعت نماید به بهشت می رود، و هیچ گاه وارد شدن به بهشت را منوط به اطاعت از امام یا به ایمان داشتن به او نکرده است؛ مانند اینکه می فرماید: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا). (النساء: 69).

«و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند».

و می فرماید: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ). (النساء: 13).

«و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد

می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است».

پس اگر امامت اساس ایمان و کفر می‌بود، یا چنان که شیعیان می‌گویند بزرگترین رکن دین می‌بود که خداوند جز با آن عمل بنده را نمی‌پذیرد؛ خداوند امامت را در این آیات ذکر می‌کرد و بر آن تاکید می‌نمود؛ چون خداوند می‌دانست که بعداً در مورد آن اختلاف می‌شود، و فکر نمی‌کنم کسی بیاید و بگوید که امامت به صورت ضمنی در تحت اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر مذکور است، چون چنین چیزی یعنی تفسیری بی‌جا و خودسرانه قرآن، و برای باطل بودن این نظریه همین کافی است که بگوییم که اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست، اما با وجود این خداوند تنها به ذکر اطاعت خ ویش اکتفا نکرد، و بلکه اطاعت از پیامبر را ذیل اطاعت از خودش بیان نمود، بلکه آن را جداگانه بیان نمود تا بر دو رکن مهم در اسلام یعنی (اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر) تاکید نماید.

بعد از اطاعت از خدا، اطاعت از پیامبر ذکر شده و یکی از شرایط ورود به بهشت است، چون که پیامبر پیام و وحی الهی را می‌رساند، و اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست، و بعد از پیامبر هیچ کس در مقام رساندن وحی الهی قرار ندارد، از این رو

خداوند رستگاری و ورود به بهشت را منوط به اطاعت از پیامبر و التزام به فرمان پیامبر، نه فرمان دیگران قرار داده است.

[61] در دوران پیامبر ص افرادی نزد ایشان می آمدند و

فقط یک بار او را می دیدند و به مناطق و شهرهای خود باز

می گشتند، و بدون تردید آنها چیزی درباره ولایت علی و

فرزندانشان نشنیده بودند . بخصوص که شیعه ادعا دارد که

موضوع ولایت علی و فرزندانش در اوایل دعوت رسول الله

ص در مکه رخ داده است، پس آیا اسلام آنها ناقص است؟!

اگر بگویید: بله اسلام آنها ناقص است. می گوئیم: اگر چنین

می بود قطعاً پیامبر ص باید اسلام آنها را درست می نمود و امر

امامت را بر ایشان بیان می کرد، اما می بینیم که پیامبر ص چنین

نکرده است . و اگر بگویید: نه، می گوئیم: پس شما باید قبول

کنید که امامت از ارکان دین نیست.

[62] در نهج البلاغه آمده است : (و امام ؛ در نامه ای به

معاویه گفت: «با من کسانی بیعت کرده اند که با ابوبکر و عمر و

عثمان بیعت نموده اند. و آنها بر آنچه با آنها بیعت کرده اند با من

هم براساس آن چیز بیعت کرده اند، پس فردی که در بیعت

حاضر بوده است حق ندارد که انتخابی دیگر نماید، و کسی که

حضور نداشته است حق ندارد که انتخاب را قبول نکند، و شورا از آن مهاجرین و انصار است، پس اگر مهاجرین و انصار کسی را انتخاب کردند و امام نامیدند خداوند این را پسندیده است، و اگر کسی از اعتراض کند و یا با ایجاد بدعتی از فرمان آنها بیرون رود او را دوباره باز گردانند، و اگر نپذیرفت با او بجنگند، چون راهی غیر از راه مؤمنان را پیروی کرده است. و به جانم سوگند^۱ ای معاویه اگر با عقل خودت بنگری نه با هوا و هوس خود، خواهی دید که در مورد خون عثمان پاک‌ترین و بی‌گناه‌ترین فرد هستم، و خواهی دانست که دخالتی در آن نداشته‌ام، مگر آن که به ناحق مرا متهم کنی؛ پس به هر چه می‌خواهی مرا متهم کن. والسلام»^۲.

این سخنان امام علی دلیلی برای امور ذیل می‌باشند:

- 1 - امام را مهاجرین و انصار انتخاب می‌کنند، پس انتخاب امام هیچ ربطی با اصل امامت که شیعه می‌گویند ندارد!
- 2 - به همان صورتی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت شد به همان گونه با علی علیه السلام بیعت شد.
- 3 - شورا از آن مهاجرین و انصار است، و این نشانگر

1- درباره قسم خوردن به جان خود بین علما اختلاف است که قول صحیح جایز نیست

2- نگا: کتاب صفوة شروح نهج البلاغة ص 593.

فضيلت و مقام والای آنها نزد خداوند است و این بر خلاف صورتی است که شیعه از آنها ارائه می‌نمایند.

4 - اگر کسی را مهاجرین و انصار قبول کنند و با او بیعت نمایند خداوند این را پسندیده است، پس حق امامت آن گونه که شیعه ادعا می‌کنند غصب نشده است، واگر نه چگونه خداوند از این کار راضی می‌شود؟!

5 - شیعیان معاویه رضی الله عنه را لعنت می‌کنند اما علی رضی الله عنه در نامه‌هایش او را لعنت نمی‌کند!

[63] شیعه نمی‌توانند بیعت کردن ابوبکر و عمر و عثمان ن در زیر درخت (بیعه الرضوان) با پیامبر ص را انکار کنند، و خداوند خبر داده است که او تعالی از کسانی که زیر درخت با پیامبر بیعت نموده‌اند¹ راضی است و می‌دانسته که در دلهایشان چه هست، پس چگونه شیعه بعد از این به خبر الهی کفر می‌ورزند و خلاف آن را می‌گویند؟! و گویا شیعیان می‌گویند (پروردگارا تو درباره آنها چیزی را که ما می‌دانیم نمی‌دانی!) والعیاذ بالله.

[64] شیعه ناسزا گفتن به بزرگان اصحاب به خصوص

1 - خداوند چنین فرمودند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا». (الفتح: 18).

خلفای راشدین ابوبکر و عمر و عثمان ن را عبادت می‌دانند و با این کار به خدا تقرب می‌جویند؛ در حالی که هیچ سنی به کسی از اهل بیت ناسزا نمی‌گوید! بلکه اهل سنت با دوست داشتن اهل بیت به خدا تقرب می‌جویند.

و شیعه این واقعیت را نمی‌توانند انکار نمایند.

[65] شیعیان همواره در کتاب های خود و در داستان هایی که در مورد حسین می گویند تکرار می کنند که حسین تشنه در میدان جنگ به شهادت رسیده است، بنابراین روی مخزفهای آب این عبارت را می نویسند (به نوش با یاد حسین)! سوال اینجاست که طبق آنچه شیعه می گویند ائمه غیب می دانند، پس آیا حسین نمی دانست که در اثنای جنگ به آب نیاز پیدا خواهد کرد و تشنه خواهد مرد، و نباید مقدار کافی آب برای خود تهیه می کرد؟! سپس آیا فراهم نمودن آب در جنگ از ضروریاتی نیست که باید از آن استفاده کرد؟! و خداوند متعال می فرماید: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ). (الأنفال: 60).

«هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا

به وسيله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

[66] دین در دوران پیامبر ص کامل گردید؛ زیرا خداوند

می فرماید: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ). (المائدة: 3).

«امروز، دین شما را کامل کردم».

و مذهب شیعه بعد از وفات پیامبر ص پدید آمده است؟!

[67] خداوند متعال در مورد پاکدامنی و بی گناهی عایشه ك

در قصه معروف افک آیه نازل فرموده است و او را از این زشتی

پاک دانسته است، اما می بینیم که بعضی از شیعیان هنوز هم او را

متهم به خیانت¹ می نمایند! و این کار آنها همان طور که طعنه

زدن به پیامبر خداست همچنین آنها با این کار به خداوندی که

غیب می داند طعنه می زنند، آیا خداوند پیامبرش را آگاه نکرده

که همسر او خیانتکار است؟!

چه بد مذهبی است آن مذهب که به همسران بهترین انسان

و به امهات المؤمنین طعنه می زند!!

[68] اگر علی و دو فرزندش ن دارای این قدرت خارق

العادهای هستند که کتاب های شیعه آن را روایت می کنند، و

معتقدند که علی و حسن و حسین ن به آنها هم اینک که مردانند

1- نگا: تفسیر القمی 2/377، والبرهان، البحرانی 4/358.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

71

باز هم فایده و سود می‌رسانند، پس چرا آنها وقتی که زنده بودند برای خودشان کاری نکردند و به خودشان سودی نرسانند؟
علی را می‌بینیم که در خلافت و حکومت با دشواری‌هایی مواجه بود و سپس کشته شد، و حسن به ناچار با معاویه صلح کرد و از خلافت دست کشید و حسین در سختی قرار گرفت و سپس کشته شد و به هدفش و آنچه می‌خواست نرسید و همچنین ائمه بعد از آنها! پس قدرت‌های، خارق‌العاده‌ای که داشتند کجا بود؟!

[69] شیعه می‌گویند فضائل علی و همچنین نص دال بر امامت او به تواتر ثابت شده است، باید گفت؛ آن شیعیانی که از اصحاب نبوده‌اند آنها پیامبر ص را ندیده‌اند و سخن او را نشنیده‌اند، و اگر آنها روایت خود را به صحابه نسبت ندهند نقل آنها مرسل و منقطع است و صحیح نیست، و آن تعدادی از اصحاب که شیعه آنها را قبول دارند تعداد کمی هستند که ده نفر و اندی می‌باشند، و اگر این تعداد خبری را نقل کنند نقل آنها را نمی‌توان تواتر گفت: و توده بزرگ اصحاب که فضائل علی را نقل کرده‌اند شیعه آنها را عیب‌جویی می‌نمایند و آنان را به کفر متهم می‌کنند!

و وقتی آنها توده بزرگی را که قرآن آنها را می ستاید متهم به دروغ گویی و کتمان حقیقت می کنند، اقدام افراد اندکی به دروغ گویی و کتمان بیشتر محتمل است!

[70] شیعه ادعا می کنند که هدف ابوبکر و عمر و عثمان ن پادشاهی و ریاست بود بنابراین با گرفتن حق خلافت بر دیگران ستم کردند، به شیعه می گوئیم که اینها بلهیچ مسلمانی به خاطر حکومت و قدرت ن جنگیدند، و بلکه آنها با مرتدین و کفار جنگیدند، و آنها بودند که قدرت کسری و قیصر را در هم شکنند و شهرهای فارس را فتح کردند و اسلام را بر پا داشتند، و به ایمان و مؤمنان قدرت دادند و کافران را خوار نمودند، و عثمان که از ابو بکر و عمر مقامش پایین تر است . با اینکه شورشیان او را محاصره کرده بودند تا او را به قتل برسانند، اما او با مسلمین ن جنگید و به خاطر خلافت و حکومت خود حتی یک مسلمان را نکشت، پس وقتی شیعه به خود اجازه می دهند تا اینها را ستمگر و دشمنان پیامبر قرار دهند، باید چ نین چیزی را درباره علی علیه السلام هم بگویند!!

[71] فرقه قادیانی به خاطر ادعای نبوت برای رهبرشان کافر هستند، پس آنها با شیعه که می گویند ائمه اشان دارای

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

73

ویژگی های پیامبران و حتی بیشتر از آن هستند چه فرقی دارند؟! آیا چنین ادعایی کفر نیست؟! و یا اینکه باید شیعه برای ما فرق های اساسی امام و پیامبر را بیان کند؟! و آیا پیامبر ص آمده است تا ما را به آمدن دوازده امام مژده دهد؟، امامانی که گفته هایشان همانند گفته های اوست و کارهایشان همانند کارهای اوست، و کاملاً مانند او معصوم اند....؟

[72] چگونه پیامبر ص در حجره عایشه ك دفن می شود! و حال آن که شما شیعه ها عایشه ك را به کفر و نفاق متهم می کنید؟! آیا دفن شدن پیامبر ك در حجره او دلیلی نیست بر اینکه پیامبر او را دوست داشته و از او راضی بوده است؟!

[73] و چگونه ابوبکر و عمر در کنار پیامبر ص دفن می شوند، و حال آن که از دیدگاه شما آنها کافرند؟! و مسلمان را نباید در کنار کفار دفن کرد، چه برسد به پیامبر ص؟! و چرا خداوند او را از قرار گرفتن در جوار کفار محافظت نکرد.

و علی کجا بود؟! چرا با این امر خطرناک و مهم مخالفت نکرد؟ پس باید شما بپذیرید که ابوبکر و عمر م مسلمان بوده اند و به خاطر جایگاهی که نزد خدا و پیامبرش داشته اند خداوند

افتخار دفن شدن در کنار پیامبر را نصیب آنها کرده است، و یا اینکه بگویید که علی در دین و ایمانش راه سازش را در پیش گرفته است!! و علی از چنین چیزی پاک است.

[74] شیعیان ادعا می کنند که در قرآن به صراحت امامت علی علیه السلام و مستحق بودنش به خلافت بیان شده، ولی اصحاب آن را پنهان کردند. این ادعایی باطلی است؛ چون اصحاب ن را می بینیم که احادیثی که شیعه از آن بر امامت علی استدلال می کنند را پنهان نکرده اند، مثل حدیث منزلت: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى» و احادیثی دیگر که مانند این هستند، پس چرا آنها این احادیث را پنهان نکردند؟!

[75] خلیفه بر حق بعد از پیامبر صل ابوبکر الصدیق بود و دلیل آن امور ذیل است:

- 1 - اصحاب همه بر اطاعت از او اجماع کردند و با او مخالفت ننمودند، و اگر او خلیفه بر حق نمی بود قطعاً با او مخالفت می کردند و از او پیروی نمی کردند، زیرا پرهیزگاری و تدین و زهد والایی داشتند و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای هراسی نداشتند.
- 2 - علی با ابوبکر م مخالفت نکرد و با او نجنگید، پس علی

یا به خاطر ترس از فتنه و شرّ، و یا به علت ضعف و ناتوانی، و یا به سبب آن که حق با ابوبکر بود با او نجنگید . و نمی توان گفت که علی به خاطر ترس از فتنه و شرّ با ابوبکر نجنگیده است؛ چون علی با معاویه جنگید و افراد زیادی در آن جنگ کشته شدند، و علی با طلحه و زبیر و عایشه جنگید، چون در همه این موارد می دانست که حق با اوست بنابراین از ترس فتنه آن را رها نکرد ! و نمی توان گفت که علی به علت ضعف و ناتوانی با ابوبکر نجنگید؛ چون کسانی که در زمان معاویه علی را یاری کردند در روز سقیفه و روزی که عمر جانشین ابوبکر شد و روزی که شورا برای تعیین خلیفه بعد از عمر تشکیل شد همه بودند، و اگر آنها می دانستند که حق از آن علی است او را در برابر ابوبکر یاری می کردند؛ چون او با غصب کردن حق خلافت از معاویه سزاوارتر به جنگ بود. پس ثابت شد که علی چون می دانست که حق با ابوبکر است با او نجنگید.

[76] شیعیان ادّعا می کنند که معاویه رضی الله عنه کافر و مرتد بوده

است!، اما آنها با چنین ادّعایی در واقع به علی و فرزندش الحسن م توهین می کنند، چون علی وقتی در برابر معاویه شکست خورد یعنی اینکه مرتدان او را شکست داده اند، و حسن وقتی امر زمامداری مسلمین را به معاویه سپرد پس او امر

خلافت را به مرتدان سپرده است؛ و می بینیم که خالد بن الولید در زمان ابوبکر با مرتدان جنگید و آنها را شکست داد، پس خداوند خالد را در برابر مرتدان بیش از علی یاری کرده است! و حال آن که خداوند بر هیچ کس ستم نمی کند، و لشکریان ابوبکر و عمر و عثمان و نماینده هایشان در برابر کفار پیروز می شدند، در حالی که علی توان مقاومت را در برابر مرتدان نداشت! و همچنین خداوند می گوید: (وَلَا تَهْنُؤْا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). (آل عمران: 139).

«و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید».

و می فرماید: (فَلَا تَهْنُؤْا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَلَكُمْ). (محمد: 35).

«پس هرگز (از جنگ با کفار و مقابله با دشمنان) سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند».

اما علی وقتی نتوانست معاویه را از ورود به قلمرو و

شهرهایش جلوگیری کند او را به صلح فرا خواند و از او خواست که هر یک بر آنچه هست باشد، اگر آنگونه که شیعه می‌گویند یاران علی مؤمن بوده اند، و آنها مرتد بوده اند باید یاران علی برتر قرار می‌گرفتند و این خلافت واقعیت است.

[77] شیعیان نمی‌توانند ایمان و عدالت علی را ثابت کنند

مگر آن که سنی شوند؛ چون وقتی خوارج و کسانی که علی علیه السلام را کافر یا فاسق می‌دانند به آنها بگویند که ما قبول نداریم که علی مؤمن بوده است، بلکه او کافر و ظالم بوده است - چنان که شیعه در مورد ابوبکر و عمر می‌گویند - شیعه هر دلیلی برای مؤمن بودن علی ارائه دهند، آن دلیل بر مؤمن بودن ابوبکر و عمر و عثمان نیز دلالت می‌کند. اگر دلیل بیاورند که اسلام و هجرت و جهاد علی به تواتر ثابت است، همانطور اسلام و هجرت و جهاد ابوبکر و عمر و عثمان نیز به تواتر نقل شده است و بلکه مسلمان بودن معاویه و خلفای بنی امیه و بنی عباس و نماز خواندن و روزه گرفتنشان و جهادشان علیه کفار به تواتر ثابت است!

اگر شیعه یکی از اینها را به نفاق متهم کنند، خارجی می‌تواند علی را به نفاق متهم نماید، و اگر شبهه‌ای ارائه بدهند،

خارجى شعبة بزرگترى ارائه مى دهد.

و اگر بگویند که ابوبکر و عمر منافق و دشمن پیامبر بودند و تا آن جا که توانستند دینش را خراب کردند، خارجى همین سخن و ادعا را در مورد علی هم مى تواند بگوید، و سخنش را چنین توجیه مى کند و مى گوید: علی نسبت به پسر ع مویش حسادت مى ورزید - و دشمنی و حسادت در خاندان بیشتر است - بنابراین مى خواست دین او را فاسد نماید و وقتی در دوران حیات پیامبر و در زمان خلفای ثلاثه به این کار موفق نشد، برای کشتن خلیفه سوم تلاش کرد و آتش فتنه را روشن نمود، تا اینکه توانست اصحاب و یاران مح مد را به قتل برساند و این کار را به خاطر آن کرد که نسبت به پیامبر کینه مى ورزید، و او پشت پرده با منافقانی که او را خدا و پیامبر قرار دادند هماهنگ بود و برخلاف آنچه در دل داشت اظهار مى کرد چون دین او تقیه است، بنابراین باطنی ها از پیروان او هستند و راز او نزد آنهاست و مذهب باطنی را از او نقل مى کنند.

و اگر شیعه بخواهند ایمان و عدالت علی را با نص قرآن ثابت کنند به آنها گفته مى شود، قرآن عام است و همان طور که شامل علی مى شود شامل دیگران نیز مى شود، و هر آیه که شما مى گویند

به او اختصاص دارد می‌توان گفت که به کسی دیگر همانند او یا بزرگتر از او چون ابوبکر و عمر اختصاص دارد، و می‌توان بدون دلیل ادعا کرد و ادعای فضیلت شیخین راحتتر است.

و اگر بگویند با نقل و روایت ایمان و عدالت علی ثابت است، گفته می‌شود که اخبار و روایت بیشتری در مورد ایمان و عدالت ابوبکر و عمر و اصحاب آمده است، و اگر ادعای تواتر کنند، تواتر در مورد آنها صحیح‌تر است، و اگر به آنچه اصحاب نقل کرده‌اند استناد می‌کنند، پس اصحاب برای ابوبکر و عمر فضائل بیشتری روایت کرده‌اند!

[78] شیعه می‌گویند علی از همه مردم به امامت سزاوارتر بوده است؛ چون از همه اصحاب برتر بوده و دارای فضائل بیشتری بوده است، می‌گوییم: قبول داریم شما فضایل مشخص برای علی مانند پیشگام بودن در پذیرفتن اسلام و جهاد همراه پیامبر و دانش فراوان و زهد را یافته‌اید، آیا می‌توانید چنین فضایی برای حسن و حسین م در مقابل سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن عمر و دیگر مهاجرین و انصار ارجح دهید؟!

کسی نمی‌تواند ادعا کند که در این زمینه‌ها حسن و حسین م

از ديگر اصحاب برتر بودند، پس چيزی جز اينکه شيعه ادعا کنند که نصوص قرآن و حديث آنها را برتر قرار داده است باقی نمی ماند، اما بايد گفت هر کس می تواند چنین ادعایی بکند، مثلاً اموی ها هم می توانند به دروغ بگویند که نص قرآنی معاويه را تاييد می کند زیرا خداوند می فرماید: (وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا). (الإسراء: 33).

«و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ویش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است».

از این رو اموی ها خواهند گفت: مظلوم عثمان بن عفان است و خداوند معاويه را به خاطر گرفتن خون عثمان ادا می کرد!

[79] شيعه می گویند ابوبکر و عمر خلافت را از علی غصب کردند، و عليه او توطئه نمودند تا او را از رسیدن به خلافت بلو دارند و ...

می گوئیم اگر آنچه شما می گوئید درست است پس چرا عمر علی جزو افراد شورا قرار داد؟ اگر او را از شورا بیرون می کرد چنان که سعید بن زید را بیرون کرد یا کسی دیگر غیر از او را تعیین می کرد هیچ کس اعتراض نمی کرد؟!

پس آنها او را در جایگاهش قرار دادند و نه در مورد او غلو کردند و نه کوتاهی ورزیدند ، و آنان شایسته ترین و برترین را مقدم نمودند و علی را با کسانی که در سطح او بودند برابر کردند. و بعد از کشته شدن عثمان رضی الله عنه مهاجرین و انصار بلافاصله با او بیعت کردند، و آیا کسی گفته است که یکی از مهاجرین و انصار به خاطر بیعت گذشته‌اش با ابوبکر و عثمان از علی معذرت خواهی نموده است؟! و آیا کسی از آنها گفت که از اینکه نص است امامت او را انکار کرده توبه می کند؟! و یا کسری از آنها گفت که هم اینک نصی را که در مورد علی وارد شده و من آن را فراموش کرده بودم به یاد آوردم؟! همه اینها آنچه را که گفتیم تایید می‌کند.

- [80] انصار ن با ابوبکر رضی الله عنه مخالفت کردند و به بیعت با سعد بن عبادہ رضی الله عنه فرا خواندند و علی در خانه اش نشست نه با آنها بود و نه با اینها، و سپس انصار همه با ابوبکر بیعت کردند که بیعت آنها به دلیل یکی از اسباب ذیل بود:
- 1 - به زور از آنها بیعت گرفته شد.
 - 2 - برایشان مشخص شد که ابوبکر برای خلافت محق است بنابراین به بیعت با او تن در دادند.
 - 3 - و یا اینکه بدون هدف این کار را کردند، و توجیه

چهارمی برای کارشان وجود ندارد.

اگر شیعه بگویند که به زور از انصار بیعت گرفته شده است، این دروغ است؛ چون برای بیعت گرفتن هیچ جنگ و درگیری و تهدیدی صورت نگرفت و کسی اسلحه نکشید؛ و امکان ندارد که انصار ترسانده شده باشند چون که آنها بیش از دو هزار قهرمان اسب سوار بودند، و همه یک قبیله بودند و شجاعت بی نظیری داشتند، آنها هشت سال پی در پی با همه عرب ها جنگیدند و در معرض مرگ قرار گرفته بودند، و اینک به جنگ با قیصر روم در مؤته و دیگر جاه ها برخاسته بودند؛ بنابراین امکان ندارد که آنها از ابوبکر و دون فر که همراهش بودند بترسند ابوبکری که آن جا نه قبیله زیادی دارد و نه ثروت فراوانی، تا انصار مجبور شوند با اینکه او بر حق نیست با او بیعت نمایند! بلکه انصار بدون هراس و شک و تردید و بدون درنگ با او بیعت کردند.

و همچنین اگر آنها می دانستند که حق با ابوبکر نیست هرگز پسر عمویشان را رها نمی کردند و با مردی که نه قبیله بزرگی آن جا داشت و نه ثروت و مال فراوانی داشت و نه کاخ و نگهبان داشت، بیعت نمی کردند، چون آنها نه ترسی داشتند که مجبور به بیعت شوند و نه چشم طمع به مال و مقامی دوخته

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

83

بودند، بنابراین اتفاق چنان تعداد بزرگی بر بیعت کردن با ابوبکر با آن که می دانستند که او بر حق نیست و حق به انصار تعلق دارد محال و غیر ممکن است.

پس تنها دلیل بیعت آنها با ابوبکر رضی الله عنه این بود که آنها دلیل درستی از پیامبرشان ص داشتند که نشانگر آن بود که خلافت حق ابوبکر است. و وقتی که ثابت شد که خلافت به انصار تعلق نمی گیرد پس چه چیزی آنها را بر آن داشت تا همه اشان نص و تصریح پیامبر را بر خلافت علی انکار کنند؟ ! محال است که همه به اتفاق ، کسی را یاری نمایند که بر آنها ستم کرده و حَقشان را غصب کرده است!!

[81] شیعه می گویند که ابوبکر و عمر م در کنار زدن علی از خلافت موفق شدند؛ از آنها می پرسیم خوب وقتی آنها علی رضی الله عنه را کنار زدند خلافت چه دستاوردهایی برای خودشان داشت؟
چرا ابوبکر یکی از پسرانش را جانشین خود نکرد، چنان که طبق گفته شیعیان علی فرزند حسین را جانشین خود قرار داد! و چرا عمر یکی از فرزندان علی را به عنوان جانشین خود تعیین نکرد؟

[82] مادر محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان رضی الله عنه فاطمه بنت حسین بن علی بن ابی طالب ن است، پس مادر بزرگ محمد فاطمه ك و پدر بزرگش عثمان رضی الله عنه است!

از شيعه مي پرسيم آيا از نظر شما درست است که فاطمه نوه‌اي ملعون داشته باشد؟! چون بني اميه که محمد از آنهاست از دیدگاه شيعه ملعون هستند، و منظور از شجره ملعونه در قرآن بني اميه است!^۱

[83] شيعيان مي گویند که ائمه معصومند ، و از طرفي مي گویند آنها تقیه مي کنند، و اين دو چیز با هم تناقض دارند، پس وقتی شما صحت آنچه را که امامانتان مي گویند و انجام مي دهند نمی دانید، معصوم بودنشان چه فايده‌اي دارد؟! شما مي گوید پاداش و اجر تقیه به اندازه پاداش نماز است، طوري که کسی که تقیه نمی کند مانند کسی است که نماز نمی خواند^۲، و مي گویند که «نه دهم دين تقیه است»^۳؛ تردیدی نیست که ائمه شما به اين نه دهم عمل کرده‌اند و این با عصمت خيالی آنها تضاد دارد!

[84] شيعه وقتی از حدیث^۴ ثقلین بر امامت ائمه خود

1- الکافی 7/5 و کتاب سلیم بن قیس ص 362.

2- بحار الانوار 421/75 و مستدرک الوسائل 254/12.

3- اصول الکافی 217/2 و بحار الانوار 423/75.

4- پلمبر ص فرمود: (دو چیز مه م را در میان شما می گذارم کتاب خدا و عترت، اهل بیت)

الترمذی 5/328-329.

استدلال می‌کنند دچار یک تناقض می‌شوند، چون آنها هر کس را که ثقل اصغر (أهل البيت) را عیب جویی کند و به آن طعنه بزند کافر قرار می‌دهند، اما هر کس به ثقل اکبر که قرآن است طعنه بزند می‌گویند او مجتهد بود و اشتباه کرده است و او را کافر نمی‌شمارند.

[85] شیعه می‌گویند که همه اصحاب به جز تعداد اندکی که از هفت نفر بیشتر نیستند مرتد شده‌اند.

سوال اینجاست که بقیه اهل بیت مانند فرزندان جعفر و فرزندان علی ... و غیره کجا هستند، آیا آنها هم مرتد شدند؟! [86] در حدیث مهدی آمده است: «لو لم یبق من الدنيا إلاّ یوم لطوّل الله ذلك الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی واسم أبیه اسم أبي».

«اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آن که در آن روز مردی از اهل بیت من بر می‌خیزد که اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است»، مشخص است که اسم پیامبر صل محمد بن عبدالله

1- ابو داود 106/4 و آلبانی در صحیح الجامع این حدیث را صحیح دانسته است. (5180) و شیعه به این روایت احتجاج می‌کنند... چنانچه خواهد آمد.

است و شيعه مي گویند اسم مهدي محمد بن الحسن است! این اشکال بزرگی است!

یکی از علمای شیعه برای رفع این اشکال جواب عجیب و خنده‌داری گفته است! او می‌گوید: (پیامبر خدا ص دو نوه به نام‌های ابو محمد الحسن و ابو عبدالله الحسین داشت، و از آن جا که حجت یعنی امام منتظر از فرزندان حسین است و کینه حسین ابا عبدالله بود بنابراین پیامبر او را محمد بن عبدالله نامید و گویا او را به کنه حسین منسوب کرد تا اسم پدرش با اسم پدر پیامبر مطابق باشد و به جای جد کلمه پدر را قرار داد!!).

[87] تناقضاتی دربارهٔ حیات مهدي منتظر شیعیان:

1- مادر مهدي کیست؟

آیا مادر او کنیزی است که اسمش نرگس است، یا کنیزی است به نام صقیل، یا کنیزی است به نام ملیکه یا کنیزی است که اسمش خمط است، یا کنیزی است با نام حکیمه، و یا کنیزی است به نام ریحانه، یا اسمش سوسن است یا اینکه مادرش کنیز نیست و زنی آزاد به نام مریم است؟!

1- كشف الغمة فی معرفة الائمة الأربلی 228/3، أمالی الطوسي، ص 362، إثبات الهداة (3/594،598).

- 2 - مهدی چه زمانی به دنیا آمده است؟
 آیا هشت ماه بعد از وفات پدرش به دنیا آمد.
 یا اینکه قبل از وفات پدرش در سال (252هـ) به دنیا آمد.
 یا اینکه در سال (255هـ) متولد شد، یا اینکه در سال
 (256هـ) دیده به جهان گشوده است.
 و یا اینکه در سال (257هـ) به دنیا آمده است و یا اینکه در
 سال (258هـ) متولد شده است.
- آیا در هشتم ذی القعدة متولد شده است، یا در هشتم شعبان
 به دنیا آمده است، یا اینکه پانزدهم شعبان میلاد اوست، یا اینکه
 در پانزدهم رمضان متولد شده است؟
- 3 - چگونه در شکم مادر بود؟
 آیا در شکم مادرش بوهانند دیگر زنان یا در پهلویش هارش؟!
- 4 - چگونه مادرش او را به دنیا آورد؟
 آیا از رحم و راه طبیعی چون دیگر انسان ها متولد شد یا
 اینکه از ران مادرش بیرون آمد؟!
- 5 - چگونه پرورش یافت و بزرگ شد؟
 از ابو الحسن ر وایت کرده اند که گفت : (ما اوصیا در یک
 روز چنان رشد می کنیم که دیگر مردم در یک هفته به آن اندازه

رشد می نمایند!

و از ابی الحسن روایت است که گفت : «هر کودکی از ما وقتی یک ماه بر او بگذرد چنان می نماید که گویا یک سال بر او گذشته است!»

از ابو الحسن روایت است که گفت : (ما امامان در یک روز چنان رشد می کنیم که دیگران در یک سال رشد می کنند).
6 - مهدی کجا اقامت می کند؟

گفته اند در طیه، سپس گفته اند نه بلکه او در کره رضوی در منطقه روحاء به سر می برد، و سپس گفته اند او در ذی طوی در مکه مقیم است سپس گفته اند او در سامرا است! و چنان در این مورد سخنان مختلفی است که یکی از آنها می گوید:

(لیت شعري این استقرت بك النوی ... بل أي أرض تقلك أو ثری، أبرضوی أم بغيرها أم بذی طوی ... أم فی الیمن بوادی شمروخ أم فی الجزیرة الخضراء).

(ای کاش می دانستم کجا هستی در کدام زمینی و یا در کدام آسمان هستی، آیا در رضوی هستی یا در ذی طوی، یا در

1- نگا: الغیة، الطوسی (ص 159-160).

جایی دیگر ... یا در یمن در دره شمرخ یا در جزیره سبز^۱.

7 - آیا مهدی وقتی باز می‌گردد پیر است یا جوان؟

از مفضل روایت است که گفت : از صادق پرسیدم : ای سرورم! او در حالت پیری می‌آید یا وقتی ظهور می‌کند جوان است؟ صادق گفت: «سبحان الله، وهل يعرف ذلك، يظهر كيف شاء وبأي صورة شاء».

«سبحان الله! چه کسی می‌داند، او به هر صورتی که بخواهد ظهور می‌کند»^۲.

و در روایتی دیگر آمده است: «يظهر في صورة شاب موفق ابن اثنين وثلاثين سنة».

«او به صورت جوانی سی و دو ساله ظهور خواهد کرد»^۳.

و در روایتی دیگر آمده است: «يخرج وهو ابن إحدى وخمسين سنة».

«او به صورت مردی پنجاه و یک ساله ظهور می‌کند»^۴.

و در روایتی دیگر آمده است: «يظهر في صورة شاب موفق ابن

1- بحار الانوار (102/108).

2- حواله گذشته 7/53.

3- تاریخ ما بعد الظهور ص 360.

4- حواله گذشته ص 361.

ثلاثين سنة».

«او به صورت جوانی سی ساله ظهور خواهد کرد»^۱.

8 - مدت فرمانروائی او چقدر است؟

محمد الصدر می گوید: (در این مورد روایات زیادی آمده است، ولی مفهوم همه تا حد زیادی متناقض و متضاد است و به خاطر این بسیاری از مؤلفان دچار حیرت و سردرگمی شده‌اند)^۲. و گفته‌اند: قائم ما نوزده سال فرمانروائی خواهد کرد . و در روایتی دیگر آمده است: «او هفت سال فرمانروایی می کند ولی خداوند چنان شب و روز را برای او طولانی می نماید که یک سال او به اندازه ده سال است بنابراین سال های فرمانروائی او هفتاد سال از سال‌های شما است»^۳.

و در روایتی دیگر آمده است که قائم آل محمد سیصد و نه سال فرمانروائی خواهد کرد، چنان که اهل کهف (309) سال در غار ماندند.

9 - مدت غیبت او چقدر است؟

1- الغیبه، الطوسی ص 420.

2- تاریخ ما بعد الظهور (ص: 433).

3- حواله گذشته (ص 436).

از علی بن ابی طالب روایت کردافند که گفت: مهدی در غیبت به سر می برد و باعث حیرت مردم می شود و بنابراین گروهی از مردم در مورد غیبت او گمراه می شوند و گروهی هدایت می شوند، وقتی از او پرسیدند که زمان حیرت چقدر است؟

گفت: شش روز یا شش ماه یا شش سال است^۱.

و از ابی عبدالله روایت است که گفت: از کشته شدن النفس الزکیه تا ظهور امام قائم فقط پانزده شب طول می کشد یعنی در سال (140هـ) مهدی ظهور می کند!

و محمد الصدر در مورد این روایت می گوید: (روایت قابل اعتمادی است که مفید در ارشاد از ثعلبه بن میمون از شعیب حداد از صالح بن می بن الجمال روایت کرده است و همه این راویان مردانی بزرگ و مورد اعتماد هستند^۲).

وقتی مهدی در تاریخ که روایت گذشته تعیین می کند ظهور نکرد روایاتی دیگر از او ذکر کردند که گفت: «ای ثابت! خداوند ظهور مهدی را در سال هفتاد قرار داده بود.

وقتی حسین کشته شد خداوند بر اهل زمین خشمگین شد و

1- الکافی 1/338.

2- تاریخ ما بعد الظهور (ص 185).

ظهور او را تا سال (140) به تأخير انداخت بنابراین ما به شما گفتیم که او در سال (140هـ) ظهور خواهد کرد، و شما هم این خبر را پخش و شایعه کردید و پرده از راز برداشتید، و بعد از آن خداوند وقت ظهور او را برای ما تعیین نکرد!

سپس روایتی دیگر هست که همه روایت های گذشته را تکذیب می نماید و آن اینکه از ابی عبدالله جعفر الصادق روایت شده است که گفت: آنان که وقت ظهور مهدی را تعیین کرده اند دروغ گفته اند، ما اهل بیت وقتی برای ظهور او مشخص نمی کنیم^۲. و «ما نه مدت گذشته غیبت او را تعیین می کنیم و نه مدت غیبت او را در آینده تعیین می کنیم»^۳.

[88] شیعه از علی علیه السلام روایت می کنند که او در حالی که غمگین بود نزد یارانش آمد و گفت: چگونه رفتار می کنید وقتی در زمانه ای بسر برید که حدود در آن اجراء نمی شود و مال مردم به ناحق خورده می شود و با دوستان خدا دشمنی می شود و با دشمنان خدا دوستی می شود؟ گفتند ای امیر المؤمنین! اگر

1- اصول الکافی 368/1 والغیبة، النعمانی ص 197 والغیبة، الطوسی ص 263، وبحار الانوار . 117/52

2- اصول الکافی 368/1 والغیبة، النعمانی ص 198.

3- الغیبة، الطوسی ص 262 و بحار الانوار 103/52.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

93

آن زمان را دریافتم چه کنیم؟ گفت: همانند یاران عیسی باشید که با اره‌ها اره شدند، و به دار آویخته شدند، مردن در عبادت خداوند بهتر از زندگی با گناه و نافرمانی است^۱.

سؤال این است که چگونه این فرمان امام علی با تقیه

شیعیان جور در می‌آید؟!

[89] چه چیز ابوبکر رضی الله عنه را مجبور کرده بود تا در سفر

هجرت همراه پیامبر صل باشد؟! اگر چنان که شیعه می‌گویند او منافق بود پس چرا از پیش قومش که کافر بودند فرار می‌کند، و حال آنکه کافران در مکه صاحب قدرت و فرمانروایی بودند؟! اگر او به خاطر منفعت دنیوی اقدام به هجرت نموده بود پس بگوئید زمانی که پیامبر تنها و آواره بود هم‌هی او چه منفعتی داشت؟ و به اضافه اینکه کافران در صدد کشتن پیامبر بودند! و ممکن بود که او هم کشته شود، و کافران او را تصدیق نکنند که او هم مانند آنها کافر است.

[90] خداوند در چندین جا در قرآن کریم اصحاب را

ستوده است، او تعالی می فرماید: (وَرَحِمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُمُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِعَائِيَتِنَا يُؤْمِنُونَ

1 - هیچ الرعدة (2/639).

﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. (الأعراف: 156-157).

«و رحمتم همه چیز را فراگرفته ؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت ! همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند ؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

و می فرماید: (الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لَهُمْ النَّاسُ إِنْ النَّاسُ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ

إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ). (آل عمران: 172-173).

«آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرار الاسد» حرکت نمودند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسیل!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.»

و می فرماید: (وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٣﴾ وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ). (الأنفال: 62-63).

و می فرماید: (يَتَأْتِيَ النَّبِيَّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ). (الأنفال: 64).

«ای پیامبر! خداوند برای حمایت تو و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، کافی است.»

و خداوند می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ). (آل عمران 110).

و می فرماید: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٍ أُخْرِجَ شَطَعُهُ فَأَزَّزَهُ فَأَسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا). (الفتح: 29).

«محمد ص فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند (تا آنان را به بهشت وارد نماید)؛ نشانه (اطاعت) آنها (از خداوند) در صورتشان از اثر سجده (و عبادت) نمایان است مراد این است که اثر عبادت و صلاح و اخلاص برای خداوند متعال، بر چهره مؤمن آشکار می شود؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن

پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد، (یعنی: حق تعالی مسلمانان را بسیار نیرومند می گرداند تا مایه خشم و غیظ کافران گردند، ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی (که بهشت است) داده است. (البته این مثل، شامل صحابه رسول الله ص و ن و همه کسانی از افواج ایمان و لشکریان اسلام در گذار عصرها و نسلها می‌شود که نقش قدمشان را دنبال، و بر راه و روش ایشان رهرو باشند)».

و آیات زیاد دیگری هست که خداوند در آن اصحاب را می‌ستاید و شیعیان می‌گویند اصحاب در دوران حیات پیامبر ص مؤمن بوده‌اند، اما بعد از وفات او مرتد شده‌اند، عجیب است! چگونه همه اصحاب بعد از وفات پیامبر ص به اتفاق همه مرتد شدند؟! و چرا آنها باید از دین بر گردند و مرتد شوند؟ مگر آن که شما شیعیان بگویید که آنها با خلیفه کردن ابوبکر مرتد شدند، پس ما به شما می‌گوییم: چرا اصحاب به اتفاق همه با ابوبکر بیعت کردند؟ آیا از ابوبکر می‌ترسیدند؟ و آیا ابوبکر رضی الله عنه دارای قدرت بود و از آنها به زور بیعت گرفت؟ ابوبکر از قبیله بنی تیم قریش

بود که افراد این قبیله از افراد دیگر قبیل‌های قریش کمتر بودند و از میان قبایل قریش بنی هاشم و بنی عبدالدار و بنی مخزوم افرادشان بیشتر و مهتر بودند.

پس وقتی ابوبکر توانایی نداشت که به زور از اصحاب بیعت بگیرد، چرا اصحاب به خاطر ابوبکر جهاد و ایمان و یاری کردن و پیشگام بودنشان در اسلام را فدا می‌کنند؟!

[91] اگر چنان که شما می‌گویید اصحاب بعد از وفات

پیامبر ص همه مرتد شدند، پس چگونه با مرتدان از قبیل اصحاب مسیلمه و یاران طلیحه بن خویلد و پیروان اسود عنسی و سجاح و دیگر پیکار کردند و آنها را به اسلام باز گرداندند؟! آیا اصحاب وقتی طبق ادعای شما مرتد شده بودند نباید آنها را یاری می‌کردند، یا حداقل آنها را به حال خود وا می‌گذاشتند؟!

[92] سنت‌های تکوینی و تشریحی شهادت می‌دهند که

پیروان هر پیامبری بهترین افراد آن امت می‌باشند، اگر از پیروان هر دینی پرسیده شود که بهترین افراد امت و ملت شما چه کسانی هستند خواهند گفت: یاران پیامبران.

اگر از پیروان تورات پرسیده شود که بهترین افراد امت شما چه کسانی هستند خواهند گفت یاران موسی؛ و اگر از پیروان انجیل پرسیده شود که بهترین افراد امت شما چه کسانی هستند مگویند:

یاران عیسی؛ و همچنین اصحاب سایر پیامبران از دیگر پیروثانان بهتر و برترند چون که یاران پیامبران در دوران وحی می‌زیسته‌اند و پیامبری و پیامبران را بهتر می‌شناختند

پس چرا یاران و اصحاب پیامبر ما ص را شما شیعیان کافر می‌دانید و حال آنکه رسالت پیامبر رسالتی جاودانی و فراگیر است. و او شریعت ساده و کامل را به ارمغان آورده است . و پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته به آمدن او مژده داده‌اند، باز می‌پرسیم چگونه اصحاب او را که ایشان ص را یاری کردند، و به او ایمان آوردند ، کافر قرار می‌دهید؟! پس شما چه چیزی برای رسالت محمدی گذاشته‌اید؟

وقتی شما می‌گوئید نزدیکترین یاران پیامبر ص مرتد شده‌اند چه ارزشی برای این شریعت الهی قایل هستید؟! زیرا اگر چنان باشد که شما می‌گویید مسلمانانی که بعد از اصحاب آمده‌اند به طریقی اولی کفر خواهند ورزید ، چون شما می‌گوئید که آنانکه به خاطر خدا و پیامبرش از جان و مال خود گذشتند و با پدران و برادرانشان جنگیدند ، و بعد از وفات پیامبر ص شهرها و آبادی‌ها را با شمشیر فتح نمودند، و علم و قرآن را به همه جا رساندند، مرتد شده‌اند!

[93] می‌بینیم که پیامبر ص با اینکه در شرایط بسیار سختی

قرار می گیرد با این حال تقیه نمی کند، اما شیعه ادعا می کنند که نه دهم دین تقیه است! و می گویند که ائمه تا حدود زیادی از تقیه استفاده کرده اند؛ سؤال این است که چرا آنها از جدّ خود پیامبر ص پیروی نکردند؟!

[94] علی را می بینیم که مخالفان خود را کافر قرار نمی دهد، حتی او خوارج را که با او جنگیدند و او را کافر شمردند، کافر نمی دانند، پس چرا شیعیان از او پیروی نمی کنند؟! و چرا بهترین یاران محمد ص و بلکه همسران او را کافر قرار می دهند؟!

[95] اجماع از دیدگاه شیعیان حجت نیست و فقط زمانی می تواند حجت باشد که معصوم وجود داشته باشد^۱، باید گفت که سخنان بی معنی است زیرا طبق گفته آنها وقتی معصوم باشد نیازی به اجماع نیست.

[96] شیعیان، زیدیه را کافر قرار می دهند با اینکه زیدیه دوستداران اهل بیت هستند، پس می فهمیم که معیار نزد شیعه دشمنی با اصحاب است، نه دوستی با اهل بیت^۲ بنابراین هر

1- نگا: تهذیب الوصول ابن مطهر الحلی ص 70، المرجعية الدينية العليا، حسین معتوق ص 16.

2- نگا: رسالة تکفیر الشیعة لعموم المسلمین، الشیخ علی العماری که تفصیل زیادی آورده است.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد | 10

کسی که با اصحاب دشمن نباشد شیعه او را کافر می شمارد، هر چند او اهل بیت را دوست داشته باشد.

[97] شیعه در بسیاری از مسائل اجماع امت را به دلیل عدم وجود قول معصوم رد می کنند، سپس آنها را می بینیم که قول زنی به نام حکیمه - که خداوند به او و حالش آگاه تر است - را در مسئله مهدی منتظر می پذیرند!

[98] شیعه می گویند علی بعد از وفات پیامبر مستحق خلافت بوده است بنابین دلیل که پیامبر فرمود: «تو نسبت ب من به منزله هارون نسبت به موسی هستی»^۱ اما می بینیم که هارون جانشین موسی نشد و قبل از او وفات یافته است و جا نشین موسی یوشع بن نون بوده است!

[99] شیعیان به پیروان خود جرأت داده اند تا مرتکب هر گونه گناه بشوند، زیرا به آنها می گویند که چون شما علی را دوست دارید هر گناهی مرتکب شوید اشکال ندارد، اما قرآن آنها را تکذیب می کند چون قرآن در بیشتر آیات از ارتکاب گناه به هر بهانه ای بر حذر می دارد و تأکید می کند: (لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا تَجِدْ لَهُ مِنْ

1- البخاری و مسلم.

دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا). (النساء: 123).

«فضيلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می شود؛ و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت».

[100] بدا یکی از عقاید شیعیان است و از طرفی ادعا

می کنند که امامان غیب می دانند؟! آیا امامان از خداوند بزرگ ترند؟! و هر بهانه به تأویل این عقیده که به خدا نسبت جهل و نادانی می دهند بیاورند، می بینیم که اخبار وارده از ایشان مخالف تأویلات شان است¹.

[101] تاریخ به ما می گوید که شیعه همواره یاور دشمنان

اسلام از قبیل یهودیان و نصاری و مشرکین بوده اند. آنان با مغول ها همکاری کردند و بغداد سقوط کرد، و نصاری را کمک کردند و قدس از دست مسلمین گرفته شد آیا یک مسلمان واقعی چنین کاری می کند؟ و با آیات قرآنی که از دوستی کردن با یهود و نصاری نهی می نماید مخالفت می کند؟! و آیا علی و یا یکی از فرزندان او چنین کاری کرده اند؟!

[102] بسیاری از شیعیان به حسن بن علی توهین می کنند

1- نگا: «أصول مذهب الشيعة الإمامية الشيخ القفاري (2/1131-1151).

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

10

و او و فرزندانش را مذمت می کنند با اینکه حسن یکی از ائمه آنهاست و از اهل بیت است^۱.

[103] شیعه به فرقه و گروه‌های زیادی تقسیم می شوند، و به شدت با یکدیگر مخالف هستند و هر فرقه ای فرقه دیگری را کافر می داند، به عنوان مثال شیخ شیعیان احمد الأحسائی فرقه‌ای تأسیس کرد که بعدها به شیخیه معروف شدند، سپس شاگردش کاظم رشتی آمد و فرقه کشفیه را درست کرد ، و بعد از او شاگردش محمد کریم خان فرقه کریمخانیه را به وجود آورد، و خانمی دیگر به نام قره العین که شاگرد او بود فرقه دیگری به وجود آورد که به نام قرتیه معروف شد، و میرزا علی شیرازی فرقه بابیه را تأسیس کرد، و میرزا حسین علی ی فرقه بهائی را بنیانگذاری کرد.

همه این فرقه‌های شیعه در یک عصر و نزدیک با هم پدید آمده‌اند و خداوند راست فرموده آن جا که می فرماید: (وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ). (الأنعام: 153).

«و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد».

1- نگا: أعيان الشيعة 1/ 26 و کتاب سلیم بن قیس ص 288 و بحار الانوار 27/ 212.

[104] وقتی فتنه‌گران شورشی خانه عثمان بن عفان س را محاصره کردند علی س از او دفاع کرد و فرزندانش الحسن و الحسين و برادر زاده اش عبدالله بن جعفر^۱ را فرستاد تا از عثمان دفاع کنند، اما عثمان از ع موم خواست تا صلاح بر زمین بگذارند و از خانه هایشان بیرون نیایند. و این نشانگر آن است که علی و عثمان بر خلاف آنچه شیعه می گویند با هم دوست بوده‌اند و در میان آنها دشمنی نبوده است.

[105] به اتفاق شیعه و سنی عمر رضی الله عنه در کارهای^۲ زیادی با علی رضی الله عنه مشورت می‌کرد، اگر چنان که شما ادعا می‌کنید عمر ظالم می‌بود با اهل حق مشورت نمی‌کرد چون ظالم به دنبال حق نمی‌رود!

[106] به اتفاق مورخین ثابت است که سلمان فارسی رضی الله عنه در زمان خلافت^۳ عمر رضی الله عنه فرماندار مدائن بوده است، و عمار بن یاسر م^۴ فرماندار کوفه بوده است، شیعه می‌گویند این دو نفر از

1- نگا: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید 581/1 چاپ ایران، و تاریخ المسعودی شیعه 2/344، چاپ بیروت.

2- نگا: نهج البلاغه ص 325، 340 تحقیق صبحی الصالح.

3- سیر اعلام النبلاء الذهبی 1/547.

4- منبع سابق 1/422.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

10

یاران و شیعیان علی بوده‌اند، پس اگر از دیدگاه آنها عمر مرتد و ستمگری می بود که علیه علی شوریده بود ، آنها در زمان او بسط فرمانداری را قبول نمی کردند، و هرگز ستمگران و مرتدان را یاری نمی کردند، زیرا خداوند متعال می فرماید: (وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ). (هود: 113).

«و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد».

[107] شیعه می گویند که امامان شان معصوم هستند و مهدی آنها موجود است و بعضی از علمای مذهبشان با مهدی در ارتباط هستند و گفته اند که (30) نفر با مهدی ارتباط دارند، سؤال این است که با وجود ارتباط با مهدی چگونه شیعه در مذهب خود دچار اختلاف شده اند، اختلافی که تقریباً در هیچ فرقه و گروهی یافت نمی شود، و می توان گفت که هر مجتهد و مرجع تقلید مذهبی مخصوص دارد؟! با اینکه آنها ادعا می کنند که مهدی وجود دارد ، و او حجتی برای مردم است ! پس چرا آنها با وجود امام و قائم خود و با اینکه با او ارتباط دارند بیش از همه دچار اختلاف و چند دستگی شده اند؟! و از طرفی شما می گوئید که مجلسی حدیثی روایت کرده است که امام غایب

ديده نمى شود، و هر كس ادعا كند كه او مهدى را ديده است دروغ گفته است، و از طرفى در كتاب هاى تان مى خوانيم كه علمائى شما بارها مهدى را ديده اند.

[108] شيعيان مى گویند كه درست نيست كه دنيا از وجود كسى خالى باشد كه حجت الهى را اقامه مى نمايد، و همواره قائم به حجت در دنيا هست ، يعنى ه ميشه امام هست، و از طرفى مى گویند كه تقيه نه دهم دين است و امام كه حجت را اقامه مى كند بايد تقيه كند چون ا و پرهيزگارترين فرد است و قطعاً نه دهم دين را ترك نخواهد كرد، پس چگونه بوسيله او حجت بر خلق خدا اقامه مى گردد؟!

[109] شيعه مى گویند كه شناخت ائمه شرطى براى صحت ايمان شخص است، آنها در مورد كسانى كه پيش از كامل شدن دوازده امام مرده اند چه مى گویند؟! اگر امام قبل از كامل شدن دوازده امام مرده است درباره او چه مى گویند؟ و بعضى از ائمه شما نمى دانستند كه امام بعد از آنها چه كسى است! پس چگونه شما شناخت ائمه را شرطى براى صحت ايمان قرار داده ايد؟!

[110] صاحب نهج البلاغه روايت مى كند كه وقتى به على خبر رسيد كه انصار ادعا كرده اند كه خليفه و امام بايد از آنها تعيين شود گفت : چرا عليه آنها دليل نياورديد كه پيامبر ص

وصیت نموده که با نیکوکارشان نیکویی شود ، و از بدکار آنها گذشت شود؟ گفتند : این چه دلیلی علیه آنها می تواند باشد؟ گفت: اگر امامت به آنها تعلق می داشت پیامبر در مورد آنها سفارش نمی کرد^۱، به شیعه باید گفت که همچنین پیامبر ص درباره اهل بیت خود سفارش نموده که با آنها به نیکی رفتار کنید و فرموده است : «أذکرکم الله فی اهل بیتی ». «شما را درباره اهل بیتم سفارش می کنم».

پس اگر امامت حق ویژه ای آنها بود و دیگران در آن بهره ای نداشتند پیامبر ص در مورد آنها وصیت و سفارش نمی کرد؟! [111] اگر به شما گفته شود که رهبری مؤمن و صالح و پرهیزگار سرپرست و حاکم مردمانی است که بعضی منافق اند و بعضی مؤمن اند، و این مرد به لطف و عنایت الهی منافقان را از طرز سخنشان می شناسد، اما با وجود آن این مرد از افراد شایسته و صالح دوری می نماید، و منافقان را انتخاب کرده و پست های مهم و فرماندهی را به آنان داده و در دوران حیات خود آنها را رئیس و سرور مردم قرار داده است، بلکه خودش را با آنها نزدیک کرده و با دختر بعضی ها ازدواج کرده و بعضی داماد او

هستند و او در حالی که از آنها خوشنود و راضی بوده از جهان چشم فرو بسته است؛ نظر شما درباره این مرد چیست؟! شیعه در مورد پیامبر ص چنین عقیده و باوری دارند!

[112] الحر العاملي عالم شیعه در تفسیر : (وَلَا تُمَسِّكُوا

بِعِصْمِ الْكُوفِرِ). (الممتحنه: 10). «با زنان کافر ازدواج نکنید».

می گوید: هر کس زن کافری داشت ، اسلام را به او عرضه کند، اگر اسلام را پذیرفت زن اوست واگر نه او از آن زن بیزار است، و خداوند از نگاه داشتن آن زن نهی کرده است^۱.

پس اگر ام المؤمنین عایشه ك چنان که شیعه می گویند کافر و مرتد می بود، پیامبر باید طبق دستور کتاب خدا او را طلاق می داد؛ مگر آن که بگوییم که پیامبر ص نمی دانست که او منافق است و مرتد می شود! و شیعه فقط این را دانسته و به آن پی بردند!

[113] فرقه خطابییه از شیعه بر این باورند که بعد از امام جعفر الصادق پسرش اسماعیل امام است، علمای شیعه ه در رد عقیده آنها گفته اند که اسماعیل قبل از ابا عبدالله ؛ وفات یافت، و مرده نمی تواند جانشین زنده باشد^۲.

1- وسائل الشیعة 542/20.

2- کمال الدین و تمام النعمة ص 105.

به شیعه گفته می شود که شما برای اثبات ولایت علی از حدیث: «تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی»، استدلال می کنند، و معلوم است که هارون قبل از موسی وفات یافت، و طبق اقرار خودتان مده نمی تواند جانشین زنده باشد [114] شیعیان برای اثبات امامت امامان دوازده گانه اشان از این حدیث استدلال می کنند که پیامبر ص فرمود: دوازده خلیفه خواهند بود که همه از قریش هستند «و در روایتی دیگر آمده است «دوازده امی خواهد بود» و در روایتی دیگر آمده است: «لا یزال أمر الناس ماضیاً ما ولیهم اثنا عشر رجلاً». کار مردم ادامه خواهد یافت تا آن که دوازده نفر بر آنان فرمانروایی می کنند»¹.

اینک به شیعه باید گفت که همه روایات حدیث به صراحت می گویند که این دوازده نفر امیر و خلیف ه و فرمانروای مردم خواهند بود، و معلوم است که از ائمه شیعه فقط علی و فرزندش الحسن م به خلافت رسیده اند؛ پس حدیث چیزی دیگر می گوید، و شیعیان چیزی دیگر می گویند! و این روایت ها این خلیفه ها را نام نبرده اند و حتی اسم یکی در این روایت ها ذکر نشده است.....!

1- البخاری و مسلم.

[115] شیعیان ادعا می‌کنند که بعد از وفات پیامبر ص همه اصحاب مرتد شده اند به جز چند نفری که بر اسلام باقی مانده‌اند، به آنها می‌گوییم که مرتد به علت شبهه یا شهوتی مرتد می‌شود. و معلوم است که شبهات در صدر اسلام قوی تر بودند، پس کسانی که در دوران ضعف اسلام ایمانشان چون کوه‌ها بود؛ چگونه بعد از پیروزی و ظهور نشانه های اسلام و گسترش اسلام ضعیف خواهد شد؟!

اما درباره شهوت‌ها و امیال باید گفت: آنان که اموال و خانه و دیارشان را به خاطر خدا و پیامبرش به میل خود ترک گفتند، چگونه می‌توان گفت که آنها به خاطر دوست داشتنی ها و شهوت‌هایی که خودشان آن را ترک کرده بودند مرتد شدند؟! و باید دانست که مرتد شدن اصحاب نزد شیعه در مهمترین ارکان ایمان که امامت است به شمار می‌آید.

[116] شیعیان معتقدند که اصحاب درستکار و عادل نیستند؛ اما در کتابهای شیعه روایاتی را می بینیم که بر عدالت اصحاب دلالت می‌کنند! از آن جمله روایتی است که از پیامبر ص روایت کرده‌اند که در حجه الوداع گفت: «نَضَّرَ اللهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوْعَاها، ثُمَّ بَلَّغَهَا إِلَى مَنْ لَمْ يَسْمَعْها..». «خداوند نیکو بگرداند بنده‌ای را که سخن را شنید و آن را

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

11

حفظ کرد و سپس به کسی که آن را نشنیده رسان ...^۱.
اگر اصحاب عادل و درستکار نبودند چگونه پیامبر به آنها
اعتماد می کند تا هر یک از آنها سخن او را به کسا نی که آن را
نشنیده اند برسانند؟!

[117] به یکی از شیعیان گفته شد : آیا پیامبر ص ما را به
آن دستور نداده که همسر شایسته ای انتخاب کنیم و با افراد
خوب فامیل شویم و از آنها زن بگیریم و به آنها زن بدهیم؟
گفت: بله؛ شکی نیست!
به او گفتند : آیا تو برای خودت می پسندی که داماد کسی
بشوی که حرامزاده است؟!
گفت: پناه به خدا!

به او گفته شد : شما به دروغ ادعا می کنید که عمر بن
الخطاب رضی الله عنه پسر زنی زناکار به نام صهاک^۲ بوده است! و عالم
شما نعمت الله الجزائری با تمام وقاحت و زشتی ادعا می کند که
عمر خودش را با آب منی مردان اشباع می کرد و با آن آرام
می گرفت - والعیاذ بالله^۳ - و شما ادعا می کنید که حفصه دختر

1- الخصال ص 149-150 حدیث 182 .

2- الکشکول البحرانی 212/3؛ و کتاب لقد شیعی الحسین ص 177 .

3- الأنوار النعمانیة 63/1 .

عمر مانند پدرش منافق و پلید بوده است، بلکه کافر بوده است! آیا به نظر شما پیامبر داماد کسی می شود که حرامزاده است؟! آیا برای خودش همسری فاسد و منافق را می پسندد؟! سوگند به خدا که شما به پیامبر و اصحاب تهمت می زنید، و چیزهایی برای آنها می پسندید که برای خودتان نمی پسندید!!

[118] وقتی منافقان و مرتدان چنان در میان اصحاب زیاد بودند که شیعه ادعا می کنند، پس چگونه اسلام گسترش یافت؟! و چگونه فارس و روم سقوط کردند و بیت المقدس فتح شد؟! [119] عالم بزرگ شیعه محمد آل کاشف الغطاء در مورد علی علیه السلام می گوید: (وقتی علی دید که دو خلیفه قبل از او - یعنی ابوبکر و عمر - نهایت تلاش خود را در پخش و گسترش کلمه توحید و مجهز کردن لشکرها و گسترش دادن دامنه فتوحات مبذول داشتند، و خودکامگی ننمودند، با آنها بیعت کرده و راه صلح را در پیش گرفت)!

پس آنها کلمه توحید را گسترش دادند، و لشکرها را در راه خدا مجهز نمودند، و طبق اعتراف یکی از علمای بزرگ شیعه فتوحات زیادی به دست آنها انجام یافت؛ پس چرا شیعیان آن دو را متهم می کنند که سران کفر و نفاق و ارتداد بوده اند؟ این

چه تناقضی است؟!

[120] شیعیان برای اثبات اینکه اصحاب بعد از پیامبر ص مرتد شده‌اند از این حدیث استدلال می کنند که پیامبر فرمود : «یرد علي رجال أ عرفهم ويعرفونني، فيأدون عن الحوض، فأقول : أصحابي، أصحابي!، فيقال : إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك .» «مردانی بر من وارد می شوند که آنها را می شناسم و آنان مرا می شناسند، و آنها از حوض من بازداشته می شوند و آنگاه من می گویم: اصحاب من، اصحاب من هستند!، گفته می شود تو نمی دانی که چه چیزهایی بعد از تو پدید آورده‌اند»؟!.

به شیعه‌ها باید گفت: که این حدیث عام است و کسی را به طور خاص نام نبرده است، و عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و ابوذر و سلمان فارسی و کسان دیگری که از دیدگاه شیعه مرتد نشده‌اند در این حدیث استثنا نشده‌اند.

بلکه خود علی بن ابی طالب هم مستثنی نشده است ! پس چگونه شما حدیث را مختص بعضی قرار می دهید و بعضی را می گوئید که حدیث به آنها تعلق ندارد؟! هر کسی که با فردی از اصحاب کینه و دشمنی داشته باشد می تواند ادعا کند که این

حدیث در مورد همان فردی است که او نسبت به وی کینه دارد!
 [121] مالک اشتر یکی از یاران بزرگ علی که شیعیان او را
 بزرگ و گرامی می دارند می گوید: «أیها الناس، إن الله تبارك وتعالى
 بعث فيكم رسوله محمداً ص بشيراً ونذيراً، وأنزل عليه الكتاب فيه
 الحلال والحرام والفرائض والسنن، ثم قبضه إليه وقد أدى ما ك ان عليه،
 ثم استخلف على الناس أبا بكر فسار بسيرته واستن بسنته، واستخلف
 أبو بكر عمر فاستن بمثل تلك السنة .» «ای مردم خداوند تبارک
 و تعالی در میان شما محمد ص را به عنوان مژده دهنده و
 بیم دهنده مبعوث کرد و کتاب (قرآن) را بر او نازل فرمود که در
 آن حلال و حرام و فوائض و سنت ها بیان شده اند، سپس بعد از
 آن که پیامبر وظیفه اش را انجام داد خداوند او را به سوی
 خویش برد، و ابوبکر خلیفه پیامبر شد، و او به شیوه پیامبر رفتار
 کرد، و بعد از ابوبکر عمر به خلافت رسید و او نیز به شیوه
 ابوبکر عمر کرد»¹.

مالک اشتر ابوبکر و عمر را می ستاید اما با وجود این شیعیان
 در برابر این ستایش چ شرم هایشان را می بندند و در مجالس و
 حسینیه های خود که از طعنه زدن به ابوبکر و عمر خالی نیست!

1 - مالک بن الأشتر - خطبه و آراؤه ص 89، والفتوح ابن عثم 396.

از آن یادی نمی‌کنند! چرا؟!

[122] ابن حزم از شیعه می‌پرسد که علی بعد از شش ماه با ابوبکر بیعت کرد، یا تأخیر او در بیعت کار درستی بوده است که در این صورت بیعت کردن او نادرست بوده است، و اگر بیعت کردن او کار درستی بوده است پس او به خاطر تأخیر در انجام آن اشتباه کرده است!

[123] چرا شیعیان اعتقاد به عصمت فاطمه ك دارند ولی دو خواهر ایشان رقیه و ام کلثوم م را معصوم نمی‌دانند در حالی که این دو هم مثل فاطمه از دختران رسول خلیص هستند؟

[124] وقتی به شیعه‌ها گفته می‌شود که چرا علی علیه السلام در مورد خلافت بعد از وفات پیامبر ص به کشمکش نپرداخت- و حال آن که طبق ادعای شیعیان قلبنص الهی خلافت حق او بوده است؟ می‌گویند چون پیامبر ص او را وصیت کرده بود که بعد از او فتنه‌ای ایجاد نکند و شمشیر نکشد!

به آنها گفته می‌شود: پس چرا بر اهل جمل و صفین شمشیر کشید؟ و در این جنگها هزاران مسلمان کشته شده است؟ قبل از همه باید بر کدام ظالم شمشیر کشید ظوللم یا چهارم یا دهم.. یا..؟!

[125] شیعیان فرق زیادی بین پیامبران و ائمه قائل نیستند،

و شيخ آنها مجلسى درباره ائمه مى گويد: «ما دليلى براى متصف نبودن ائمه به نبوت نمى بينيم جز آن كه خاتم الانبياء رعايت شود، و نبوت و امامت فرقى ندارند»¹.

سوال اين است وقتى كه وظيفهها و خصوصيت هاى كه ويژه پيامبران هستند از قبيل عصمت و رساندن از سوى خدا و معجزات و غيره با وفات خاتم الانبياء محمد ص متوقف نشده اند و پيمان نيافته اند و بعد از او در دوازده نفر ديگر اين خصوصيات متجلى گشته اند پس اهميت عقیده ختم نبوت چيست؟

[126] شيعه معتقدند از ادله وجوب خلافت على عليه السلام بعد

از رسول الله ص اين است كه ايشان على عليه السلام را به عنوان جانشين خود در مدينه در غزوه تبوك انتخاب کرده است، و به او فرموده است: «مقام تو نسبت به من، مانند مقام هارون نسبت به موسى است». اگر تصور آنان درست باشد، قاعدتا بايد پيامبر ص در ديگر غزواتى كه على عليه السلام مشاركت نداشته است ايشان را جانشين خود نمايد، در حالى كه مى بينيم عثمان بن عفان رضي الله عنه و عبدالله بن أم مكتوم رضي الله عنه نيز جانشين آن حضرت شده اند، چرا شيعه اين دو را خليفه نمى دانند؟

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

11

[127] شیعیان می گویند که وجوب تعیین امام به قاعده لطف الهی^۱ بر می گردد، و عجیب این است که اما م دوازدهم آنها در کودکی پنهان شده و تا به امروز بیرون نیامده است! پس از امام شدن او چه لطفی به مسلمین رسیده است؟!

[128] شیعه مدعی است که ارسال انبیاء و نصب ائمه بنابر قاعده «لطف» است. وی می بینیم که خداوند متعال انبیاء را بوسیله معجزه یاری کرده است و مخال فین آنها را به هلاکت رسانده است. سوال این است: دلایل شما در مورد تایید ائمه توسط خداوند و غضب او بر مخالفین ائمه چیست؟

[129] شیعیان ادعا می کنند که ائمه شان معصومند^۲ اما به اتفاق همه کارهایی از ائمه سر زده که با عصمت ایشان منافی و متضاد است، به عنوان مثال:

أ - حسن بن علی م با پدرش علی علیه السلام در اینکه به جنگ

1- یعنی امامت نزد شیعه مانند نبوت است که لطفی از طرف پروردگاری باشد، و باید در هر زمانی امامی هدایتگر که جانشین پیامبر است، باشد، و از وظایف او راهنمایی و هدایت بشریت و تدبیر امور و مصلحت ایشان است.. تا آخر. نگا: «الإمامة والنص» أستاذ فیصل نور، ص 290.

2- مقصود از عصمت این است که امام از تمامی گناهان کبیره و صغیره معصوم است، و هیچگاه در فتوا دادن و در جواب آن گمراه نمی شود و به خطا نمی رود، و فراموش نمی کند، و به چیزی از امور دنیا غافل نمی شود. چنانکه در کتاب میزان الحکمة (174/1) آمده است، و نگا: «عقائد الإمامية» (ص 51)، و «بحار الأنوار» (350/25 - 351).

كسانی برود كه می خواهند انتقام خون عثمان را بگیرند مخالف بود؛ تردیدی نیست كه یکی درست می گفته و یکی بر خطا بوده است. و هر دو نزد شیعه امام معصومند!

ب - حسین بن علی در قضیه صلح با معاویه با برادرش حسن مخالف بود؛ تردیدی نیست كه یکی كارش درست بوده و دیگری بر اشتباه بوده است، و از دیدگاه شیعه هر دو امام معصومند
ج - بلکه بعضی از كتابهای شیعه از علی روایت کرده اند كه گفت: از گفتن حق به من ، یا ارائه مشورت عادلانه ابا نورزید زیرا من از خطا و اشتباه ایمن نیستم^۱.

[130] در این زمان وقتی علمای اهل سنت سرزمین

حرمین فتوا دادند كه كمك گرفتن از كافران در مقابل بعثی های مرتد در حال ضرورت جایز است شیعیان كار علمای اهل سنت را تقبیح كردند و به آنها بد و بیراه گفتند، اما عالم معروف آنها ابن مطهر الحلی در كتابش (منتهی الطلب فی تح قیق المذهب)^۲ نقل می كند كه شیعیان به جز طوسی همه بر این اجماع کرده اند كه كمك گرفتن از ذمی ها برای جنگیدن با شورشیان جایز است!!

1- الكافی 8/256 و بحار الانوار 27/253.

2- 985/2.

پس این تناقض یعنی چه؟!

[131] یکی از قواعد شیعه این است که هر کسی از اهل بیت ادعای امامت کند و چیزهای خارق العاده ای که نشانگر صدق و راستی او هستند ارائه دهد امامت او ثابت می شود، اما با آن که زید بن علی ادعای امامت کرد شیعیان امامت او را نپذیرفتند، و در مقابل امامت را برای مهدی غایب خود که ادعای امامت نکرده و آن را اظهار ننموده چون طبق عقیده آنها در کودکی غایب و پنهان شده است، ثابت کردند.

[132] وقتی این آیه نازل شد که : (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا). (النساء: 58). «خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش لپی گردانید».

پیامبر بنی شیبیه را فراخواند و کلید کعبه را به آنها داد و گفت: «خذوها یا بنی طلحة خالدة مخلدة فيكم إلى يوم القيامة، لا ينزعها منكم إلا ظالم». «ای بنی طلحه آن را بگیریید برای همیشه تا روز قیامت به دست شما خواهد بود و کسی جز ستمگری آن را از دست شما نخواهد گرفت»¹.

پیامبر ص در مورد خادم و سدنه کعبه چنین می گوید، پس

1- الطبرانی در الکبیر و در الاوسط (مجمع الزوائد 3/ 285).

چرا در مورد خلافت علی که برای همه مسلمین مهم بود و مصالح زیادی به آن وابسته است چنین چیزی نگفت؟! [133] شیعیان حدیثی ساخته اند که در آن آمده است :

«لعنت خدا بر کسی باد که در لشکر اسامه شرکت نکرد و از آن باز ماند»^۱، آنها با ساختن این حدیث می خواهند بر عمر لعنت بفرستند! اما فراموش کرده اند که آنها باید دو چیز را ثابت کنند

أ - یکی اینکه علی از شرکت در لشکر اسامه باز نمانده است، و اگر باز نمانده و شرکت کرده پس او به امامت ابوبکر اعتراف کرده است؛ چون او راضی شده که سرباز فرماندهی باشد که ابوبکر او را تعیین کرده است!

ب - یا اینکه بگویند علی در لشکر اسامه شرکت نکرده است، پس علی مشمول دروغی می شود که ساخته اند!

[134] شیعیان می گویند نسخه ای از قرآن پیش علی رضی الله عنه بود که به همان صورت که قرآن نازل شده ترتیب داده شده است! از آنها می پرسیم که علی رضی الله عنه بعد از عثمان رضی الله عنه به خلافت رسید،

1 - نگا: «المهذب» لابن البراج (13/1)، «الإيضاح» لابن شاذان (ص 454)، «وصول الأخیار» للعاملی (ص 68).

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

12

پس چرا او این قرآن کامل و دست نخورده را بیرون نیاورد؟! و قرآن حال حاضر همان قرآنی است از مرویات علی و به همان صورت که قرآن نازل شده ترتیب داده شده است.

[135] شیعیان ادعا می کنند که اهل بیت و خاندان پیامبر ص را دوست می دارند، اما کارهایی می کنند که با این ادعا منافی و متضاد است؛ زیرا آنها نسب بعضی از خاندان و اهل بیت را انکار کرده اند؛ چنان که دختران پیامبر رقیه و ام کلثوم م را از اهل بیت نمی دانند! و عباس عموی پیامبر و فرزندان را از اهل بیت بیرون کرده اند، و همچنین زبیر پسر صفیه عمه پیامبر ص را از عترت و خاندان پیامبر نمی دانند. و آنها بسیاری از فرزندان فاطمه را دوست نمی دارند، و با آنها دشمنی می نمایند، بلکه به آنها فحش و ناسزا می گویند مانند زین بن علی و فرزندش یحیی و ابراهیم و جعفر فرزندان موسی کاظم، و برادر امام حسن عسکری جعفر بن علی. و معتقدند که حسن بن حسن «مثنی» و پسرش عبدالله «المحض» و فرزندش محمد

1- شما باید یکی از دو چیز را بپذیرید:

1- یا اینکه این قرآن وجودی نداشته و شما بر علی دروغ می بندید.

2- و یا اینکه قبول کنید که علی علیه السلام حق را کتمان نمود و مسلمین را در طول مدت خلافت خود فریب داده است! و علی از چنین چیزی پاک و مبرا است.

(النفس الزكية) مرتد شده اند! و همچنين در مورد ابراهيم بن عبدالله و زكريا بن محمد باقر و محمد بن عبدالله بن حسين بن حسن و محمد بن قاسم بن حسين و يحيى بن عمر و چنين عقیده‌ای دارند. پس كجاست ادعای محبت آل بيت؟! و سخن یکی از شيعيان گواهی بر اين مطلب است که می گوید: «سایر فرزندان حسن بن علی کارهای زشتی می کردند که نمی توان کارهایشان را تقيه قرار داد»^۱.

و بزرگتر و خطرناکتر از آن اين است که:

[136] شيعيان همه اهل بيت را که در قرن اول بوده‌اند کافر قرار می دهند!! زیرا در روایت ها و منابع مورد اعتمادشان آمده است که بعد از پیامبر صل همه مردم مرتد شدند، به جز سه نفر: سلمان و ابوذر و مقداد، و بعضی می گویند فقط هفت بر اسلام باقی ماندند، اما از اين هفت نفر هيچ کس از اهل بيت نیست^۲. پس شيعه همه را مرتد و کافر قرار داده‌اند.

[137] حسن بن علی م با اينکه ياوران و لشکريانی داشت و می توانست جنگ را ادامه دهد اما با معاويه صلح کرد، و در

1- تنقيح المقال 142/3.

2- نگا: كتاب سليم بن قيس العامري ص 92 وكتاب الروضة الكافي 245/8. حياة القلوب مجلسی - فارسی 640/2.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

12

مقابل برادرش حسین علیه السلام با اینکه افرادش کم بودند و می توانست صلح کند و جنگ را رها کند علیه یزید قیام کرد . پس یکی از دو برادر کارش درست بوده و دیگری کارش اشتباه بوده است؛ زیرا اگر دست کشیدن حسن و صلح کردن او با اینکه توانایی جنگیدن را داشت به جا بوده است؛ قیام حسین بدون آن که قدرتی داشته باشد، با اینکه می توانست صلح کند اشتباه است، و اگر قیام حسین با اینکه توانایی نداشت به حق و به جا بوده است، صلح کردن حسن و دست کشیدن او از جنگ با اینکه قدرت داشت اشتباه بوده است!

و بلکه بعضی از افراد برجسته اهل بیت را به صراحت کافر قرار داده اند! مانند عباس عموی پیامبر صل که شیعه می گویند که این آیه درباره او نازل شده است که : (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا). (الإسراء: 72).

«و هر که در این دنیا کور باشد (یعنی: کوردل و فاقد بصیرت معنوی باشد به طوری که توان نگرش در حجت ها، آیات و برهانهای خداوند را نداشته باشد) پس او در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است».

و پسر عباس ، عبدالله بن عباس که دانشمند امت و مفسر قرآن بود را کافر قرار داده اند؛ در الکافی جمله ای درباره عبدالله بن عباس آمده که به کفر او اشاره می کند و می گوید که او جاهل و بی عقل بوده است^۱! و در رجال الکشی آمده است : «اللهم العن ابني فلان وأعم أبصارهما، كما عميت قلوبهما!» «بار خدایا فرزندان فلانی را لعنت کن و چشمهایشان را کور کن چنان که دل هایشان را کور کرده ای...»^۲ و شیخ و عالم شیعیان حسن الهصطفوی در توضیح این عبارت می گوید: «أنها عبدالله بن عباس و عبیدالله بن عباس هستند»^۳.

و شیعیان با دختران پیامبر غیر از فاطمه کینه و دشمنی می ورزند و چنان از آنها نفرت دارند که بعضی گفته اند که اینها دختر پیامبر نیستند^۴ پس کجاست محبت اهل بیت که شیعیان ادعای آن را می کنند!؟

[138] در زمان خلافت ابوبکر رضی الله عنه علی در جنگ با مرتدین مشارکت نمود و کنیزی از افراد اسیر شده بنی حنیف بهره او شد

1- اصول الکافی 1/247.

2- رجال الکشی ص 53 و معجم رجال الحدیث، الخوئی 12/81.

3- رجال الکشی ص 53.

4- كشف الغطاء جعفر النجفی ص 5، ودائرة المعارف الشیعیة محسن الأمين 1/27.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

12

که بعدها علی از او صاحب فرزندی به نام محمد بن الحنفیه گردید، از این چنین بر می آید که از دیدگاه علی خلافت ابوبکر درست بوده است، و اگر درست نمی بود علی مشارکت با او را در این امر نمی پسندید.

[139] در مسائل متعددی اقوال متناقض و متضادی از

جعفر الصادق نقل می شود؛ تقریباً هیچ مسئله فقهی نیست مگر آن که از امام صادق در مورد آن دو قول نقل می شود که اغلب با هم متضاد و متناقض اند؛ به عنوان مثال چاه آبی که در آن نجاستی بیافتد، یک بار امام صادق گفته است که چاه آب چون دریاست و هیچ چیز آن را پلید و نجس نمی کند، و بار دیگر گفته است که ه مه آب چاه باید کشیده شود، و بار دیگر گفته است هفت یا شش دلو آب از آن بکشند.

وقتی از یکی از علمای شیعه پرسیدند که راه بیرون رفتن از این تناقض و تضاد چیست ؟ گفت: مجتهد در میان این اقوال اجتهاد کند و یکی را ترجیح دهد، و اقوال دیگر را تقیه بشمارد! به او گفته شد اگر مجتهد دیگری اجتهاد کرد و قول دیگری غیر از آن قول را ترجیح داد در مورد اقوال دیگر چه بگوید؟ گفت : همان چیز را بگوید، یعنی بگوید که اقوال دیگر تقیه بوده اند! به او گفته شد پس همه مذهب جعفر الصادق از بین رفت !! چون

هر مسئله‌ای که به او نسبت داده می شود احتمال آن می رود که از روی تقیه آن را گفته باشد، چون علامتی نیست که بوسیله آن تقیه را از آنچه تقیه نیست تشخیص بدهیم!

[140] کتابهای معتمد و موثوق حدیث نزد شیعه «الوسائل»

الحر العاملی متوفی سنه (1104هـ) و «البحار» المجلسی متوفای

سنه (1111هـ) و «مستدرک الوسائل» الطبرسی متوفای سنه

(1320هـ) و تمامی این کتابها متأخر هستند، و اگر این احادیث را

از طریق سند و روایت جمع کرده‌اند پس شخص عاقل چگونه

این احادیث را قبول می کند در حالیکه طی (11) تا (13) قرن

نوشته نشده‌اند؟! اگر ادعا شود که این روایات در کتب متقدم

وجود داشته اند، چرا به این کتب اشاره نشده و گفته نشده که این

روایات از آن کتب نقل شده اند؟

[141] روایات و احادیث زیادی در کتابهای شیعه از اهل

بیت نقل شده که با روایاتهای اهل سنت مطابق هستند؛ در

عقیده و نپذیرفتن بدعت‌ها و دیگر چیزها، روایاتی آمده که پیش

اهل سنت هستند، اما شیعیان این روایات را به بهانه اینکه از

روی تقیه گفته شده‌اند! تاویل می کنند چون که با میل و هوای

نفس آنها مطابقت ندارند.

[142] صاحب نهج البلاغه که یکی از کتاب های معتبر شیعیان است نقل می کند که علی علیه السلام ابوبکر و عمر م را ستوده است؛ چنان که از علی نقل می کند که درباره ابوبکر گفت : او پاک در حالی که عیب اندک داشت از دنیا رفت، خیر دنیا را به دست آورد و پیش از آن به شر آن گرفتار شود از دنیا رفت، اطاعت الهی را به جا آورد و بگونه شایسته تقوای الهی را رعایت کرد¹.

شیعیان وقتی مشاهده می کنند که علی اینگونه ابوبکر را می ستاید حیران و گیج می شوند زیرا آنچه علی می گوید با عقیده ای که شیعیان درباره اصحاب دارند مخالف است زیرا عقیده شیعیان در اصحاب باید عیب جویی بشوند، بنابراین سخنان امام علی را بر تقیه حمل می کنند!! و می گویند که علی به خاطر به دست آوردن دل کسانی که به صحت خلافت شیخین معتقد بودند چنین گفت، یعنی علی می خواست یارانش را فریب دهد! پس شیعه باید بگویند که علی منافق و بزدل بوده است که بر خلاف آنچه در دلش بوده، چیزی دیگر اظهار می کرده است، در صورتی که علی شجاع بود و سخن حق را می گفت.

1 - نهج البلاغه ص 350 تحقیق صبحی الصالح.

[143] شیعیان ادعا می کنند که امامانشان معصوم هستند، ولی روایات زیادی دارند که در آن بیان شده که ائمه مانند دیگر انسانها اشتباه می کنند و به خطا می روند.... و این روایات شیعه را دچار مشکل کرده است چنان که مجلسی عالم بزرگ شیعه اعتراف می کند که: «مسئله خیلی مشکل است چون اخبار و نشانه های زیادی بر این دلالت می کند که سهو و فراموشی و خطا از آنها سر می زده است....»¹.

[144] امام یازدهم شیعیان حسن عسکری وفات یافت بدون آن که فرزندی داشته باشد، بنابراین برای آن که پایه های مذهب امامی در هم شکسته نشود و از بین نرود . فردی به نام عثمان بن سعید به دروغ گفت که امام عسکری فرزندی داشته است که در چهار سالگی پنهان شده و او جانشین پدرش می باشد.

عجیب است! شیعیان می گویند که ما سخن کسی جز فرد معصوم را قبول نمی کنیم ولی در مورد مهمترین عقیده اشان ادعای مردی را که معصوم نیست قبول می کنند!!

[145] شیعیان همیشه به مروان بن الحکم حمله می کنند و هر زشتی را به او نسبت می دهند، سپس بر خلاف این در

1- بحار الانوار 25/351.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

12

کتاب‌هایشان روایت می‌کنند که حسن و حسین م پشت سر مروان نماز می‌خواندند!^۱

و عجیب اینجاست که معاویه پسر مروان با رمله دختر علی ازدواج کرد!! چنان که نسب شناسان بیان کرده اند.^۲ و همچنین زینب بنت الحسن الهثمی با نوه مروان ولید بن عبدالملک ازدواج کرده بود^۳، و ولید با نفیسه بنت زید بن الحسن بن علی ازدواج کرده بود.^۴

[146] شیعیان - در داستان‌های زیادی که در مورد مهدی غایب خود می‌گویند - ادعا می‌کنند که وقتی مهدی به دنیا آمد: «پرنده‌گانی از آسمان بر او فرود آمدند که بالهایشان را بر سر و صورت و بدون او می‌مالیدند و سپس پرواز می‌کردند! وقتی به پدرش گفته شد که اینها چه هستند خندید و گفت : اینها فرشتگان آسمان هستند که برای تبرک جستن به این نوزاد پایین آمده‌اند، و این فرشتگان وقتی او ظهور کند یاوران او هستند!»^۵

1- بحار الانوار 10/139 والتوادر الراوندی ص 163.

2- نسبت قریش مصعب الزبیری ص 45، وجهرة النسب العرب ابن حزم ص 87.

3- نسب قریش ص 52 و وجهرة النسب العرب ص 108.

4- عمدة الطالب فی النسب آل ابی طالب ابن عتبة الشیعی ص 111 وطبقات ابن سعد 5/34.

5- روضة الواعظین ص 260.

سؤال اينجاست وقتي فرشتگان ياوران او هستند پس چرا مي ترسد و در سرداب پنهان شده است؟!

[147] شيعيان چند شرط براي امام گذاشته اند يكي اينکه از همه پسران پدرش بزرگتر باشد، و او را کسي جز امام غسل ندهد، و زره پيامبر ص بر او درست در مي آيد، و بايد از همه مردم عالم تر باشد، و جنب نشود و م حلت نگردد و اينکه او غيب مي داند اما اين شرايط آنها را در مضيق قرار مي دهد!!

زيرا مي بينيم که بعضي از ائمه از همه برادرانشان بزرگتر نبوده اند، مانند موسي کاظم و حسن عسکوي، و بعضي را امامي غسل نداده است مانند علي الرضا که پسرش محمد جواد او را غسل نداد؛ چون در آن وقت امام جواد هشت سال بيشتر سن نداشت، و همچنين موسي کاظم را پسرش علي الرضا غسل نداد زيرا در آن وقت آن جا نبود، و حسين بن علي را فرزندش زين العابدين غسل نداده است چون بر فراش مرض بود و لشکريان ابن زياد اجازه نمي دادند. و زره پيامبر با بعضي برابر در نمي آيد مثل امام جواد که به هنگام وفات پدرش هشت ساله بود و همچنين پسرش علي بن محمد جواد در حالي پدرش را از دست داد که کوچک بود. و بعضي از ائمه عالم ترين فرد نبودند؛ مانند آنان که در کودکی به امامت رسیده اند، و در مورد بعضي

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

13

در روایات شیعه تصریح شده که جنب می شده‌اند؛ و روایت کرده‌اند که پیامبر ص گفت: «برای هیچ کسی جایز نیست که در این مسجد جنب شود، به جز من و علی و فاطمه و حسن و حسین»^۱.

اما دانستن علم غیب دروغی است که نیازی به رد کردن ندارد زیرا خداوند در قرآن آن را رد کرده است، و می بینیم که برخی از آنان به ادعای شیعه مسموم شده اند و وفات کرده اند، این چه علم غیبی است که از سمی بودن غذا خبر نمی دهد؟! [148] شیعیان ادعا می کنند که باید امام با نص تعیین شده باشد؛ اگر چنین می بود فرقه‌های شیعه این همه در مورد امامت دچار اختلاف نمی شدند، هر فرقه‌ای ادعا می کند که نص درباره امام او آمده است! پس چه چیزی می تواند این فرقه را از دیگر فرقه‌ها اولی قرار دهد؟! فرقه کیسانیه ادعا می کند که بعد از علی علیه السلام امام پسرش محمد بن الحنفیه است.

[149] بعضی از شیعه به عایشه ك تهمت می‌زنند و او را به همان چیزی متهم می کنند که اهل افک او را بدان متهم کردند، به آنها گفته می شود: اگر واقعیت امر چنان است که شما به دروغ می‌گویید و تهمت می‌زنید پس چرا پیامبر ص حدّ را بر او

1- عیون أخبار الرضا 2/60.

اجرا نكرد و حال آن كه پيامبر مى گويد: «والله لو سرقت فاطمة بنت محمد لقطعت يدها»¹.

«اگر فاطمه دختر محمد دزدى كند دستش را قطع خواهم كرد»؟!

و چرا على عليه السلام بر عايشه ك حد را اجرا نكرد در حالى كه على كسى بود كه در راه خدا از ملامت هيچ ملامت كندهاى هراسى نداشت؟! و چرا وقتى حسن به خلافت رسيد حد را بر او اجرا نكرد؟!

[150] شيعيان معتقدند كه علم و دانش نزد ائمه آنها انبار شده است، و آنها كتابها و دانشى را به ارث برده اند كه به ديگران نرسيده است؛ بنابراین مى گويند: «صحيفة الجامعة» و «كتاب على» و «العبيطة» و «ديوان الشيعة» و «الجفر». نزد ائمه هستند و در اين صحى فه هاى خيالى همه چيزهاى كه مردم بدان نياز دارند هست. به آنها مى گوييم از زمان غيبت مهدى تا به امروز فايده حقيقى اين صحيفه ها چيست؟!

عجيب اين است كه اگر اين صحيفه ها -يا قسمتى از آنها- موجود بود تاريخ را تغيير مى داد، و ائمه دچار اين مصائب و

بلایا نمی شدند ، از رسیدن به ولایت و حکومت محروم نمی شدند، مقتول و مسموم از دنیا نمی رفتند و آخرین آنها در سردابی از ترس کشته شدن مخفی نمی شد!

و همچنین به آنها می گوئیم این صحیفه‌ها و منابع امروز کجا هستند؟ و امام منتظر آنها چرا این صحیفه‌ها را برای مردم بیرون نمی‌آورد؟ آیا مردم در مورد دین خود به اینها نیاز دارند؟ اگر نیاز دارند پس چرا امت از زمان غیبت امام خیالی که بیش از یازده قرن از آن می‌گذرد از منبع هدایت دور شلأفد؟ و این همه نسلهایی که گذشته‌اند به چه گناهی از این گنجینه‌ها محروم شده‌اند؟

و اگر امت به این کتاب‌ها و صحیفه‌ها نیازی ندارد؛ پس این همه ادعا برای چه؟ و چرا شیعیان از منبع حقیقی هدایتشان که کتاب خدا و سنت پیامبرش می‌باشد دور کرده می‌شوند؟! [151]

شیعیان در کتابهایشان می گویند که رفتن حسین به سوی اهل کوفه و حمایت نکردن کوفی‌ها از او و کشتن حسین سبب شد تا همه مردم مرتد شوند به جز سه نفر . پس اگر حسین آنگونه که شیعیان می‌گویند غیب می‌دانست به سوی آنها نمی‌رفت.

[152] شیعیان ادعا می‌کنند که امام دوازدهم آنها به علت ترس از کشته شدن پنهان شده است . به آنها گفته می‌شود که

چرا ائمه پيش از او كشته نشدند؟ ! با اينكه در دولت خلافت زندگي مي كردند و بزرگ بودند، پس چطور او كشته مي شود و حال آن كه بچه‌اي كوچك است؟!

[153] شيعيان ادعا مي كنند كه آنها «فقط به احاديثي اعتماد مي كنند كه صحيح هستند و از اهل بيت به آنها رسیده اند»، آنها با اين سخن مردم را فریب مي دهند؛ چون كه آنه ا هر يك از ائمه را مانند پيامبر ص مي شمارند كه از پيش خود سخن نمي گوید، و گفته امام همانند گفته خدا و پيامبرش مي باشد، بنا بر اين كمتر در كتاب هایشان گفته‌هاي پيامبر یافته مي شود زيرا آنها به آنچه از ائمه اشان آمده بسنده مي كنند. و همچنين اين درست نيست كه آنها فقط به آنچه از همه اهل بيت روايت شده اعتماد مي كنند؛ بلكه آنها فقط آنچه را از ائمه روايت شده قبول مي كنند و فرزندان حسن را به حساب نمي آورند.

[154] و نيز به شيعيان مي گوييم كه شما به گفته خودتان رواياتي را كه از طريق ائمه اهل بيت به شما رسیده قبول مي كنيد، و معلوم است كه از ائمه اهل بيت جز علي بن ابی طالب س كسي پيامبر ص را ندیده است، آيا علي س مي تواند

1 - أصل الشيعة وأصولها؛ محمد حسين آل كاشف الغطاء ص 83 .

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

13

همه سنت پیامبر ص را برای نسل های بعد از خود نقل کن د؟! چگونه چنین چیزی ممکن است و حال آن که پیامبر ص گاهی علی را در مدینه به عنوان جانشین خود می گذاشت و می رفت و گاهی او را به جایی می فرستاد چنان که خود شما این را قبول دارید؟! پس علی همیشه با پیامبر ص همراه نبوده است. و همچنین علی چگونه می تواند حالات پیامبر ص را در خانه اش و آنچه که فقط زنان پیامبران را نقل کرده اند نقل کن؟! پس علی س به تنهایی نمی تواند تمامی سنت رسول الله ص را برای شما نقل کند.

[155] همچنین به شیعه می گوئیم که ما می بینیم که علم و دانش پیامبر به بیشتر شهرها و مناطق اسلامی از طریق کسانی دیگر غیر از علی رضی الله عنه رسیده است و بیشتر کسانی که احادیث و گفته های پیامبر ص را به مردم رسانده اند از اهل بیت او نبوده اند! پیامبر ص اسعد بن زراره را به مدینه فرستاد تا مردم را به اسلام دعوت دهد، و به انصار قرآن بیاموزد و تعالیم دین را به آنها یاد دهد، و علاء بن حضرمی را برای چنین کاری به بحرین فرستاد، و معاذ و ابو موسی را به یمن فرستاد، و عتاب بن أسید را به م که فرستاد؛ پس کجاست ادعای شیعه که می گویند که از پیامبر ص جز علی و یا مردی از اهل بیتش

گفته‌ها و احادیث او را نقل نمی‌کند؟!

[156] همچنین شیعیان در کتابهایشان اعتراف می‌کنند که علم حلال و حرام و مناسک حج به آنها جز از طریق ابی جعفر باقر نرسیده است. یعنی در این مورد از علی بن چیزیزی به آنها نرسیده است و اسلاف آنها مناسک حج را به تبعیت از اصحاب انجام می‌داده‌اند! کتابهای شیعه می‌گویند: «شیعیان قبل از ابو جعفر؛ مناسک حج و حلال و حرام خود را نمی‌دانستند، تا اینکه ابو جعفر؛ آمد و مناسک حج و حلال و حرامشان را برای آنها بیان کرد و مردم دیگر به او نیاز داشتند بعد از آن قبلاً در احکام و عبادات به دیگر مردم نیازمند بودند!»

پس شیعه چگونه قبل از باقر عبادانشان را انجام می‌دادند؟!

[157] شیعیان چیزهای ضد و نقیضی می‌گویند و کسی که به گفته خودش می‌گوید مهدی منتظرشان را دیده است را عادل و راستگو می‌دانند؛ و شیخ آنها مامقانی می‌گوید: «اگر کسی به دیدن حجت - عجل الله فرجه و جعلنا من کل مکروه فداه - بعد از غیبتش مشرف شود، ما از این دلیل می‌گیریم که آن فرد در بالاترین حد عدالت و راستی قرار دارد»^۲.

1- اصول الکافی/2/20 و تفسیر العیاشی/1/252-253 والبرهان/1/386 و رجال الکشی ص425.

2- تنقیح المقال 1/211.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

13

به آنها می‌گوییم چرا شما درباره کسی که پیامبر ص را دیده است چنین حکم نمی‌کنید؟! و حال آن که پیامبر از حجت شما اولی‌تر و بزرگتر است.

[158] شیعه روایت کسی که امامی از ائمه اشان را قبول نداشته باشد رد می‌کنند و روایات اصحاب را به همین خاطر قبول نمی‌کنند، اما با پیشینیان شیعه‌اشان که امامت بعضی از ائمه را قبول نکرده‌اند اینگونه رفتار نمی‌کنند! و شیخ شیعه حرّ عاملی می‌گوید که شیعه امامیه به روایات فطحیه^۱ و روایات واقفیه^۲ و روایات ناووسیه^۳ عمل می‌کنند، و همه این سه گروه امامت بعضی از ائمه شیعه اثناعشری را قبول ندارند اما با وجود این شیعه راویان‌شان را ثقه و مورد^۴ اعتماد قرار می‌دهند اما با اصحاب پیامبر ص چنین نمی‌کنند!

[159] گروه بزرگی از علمای شیعه معتقدند که در کتابشان

1- الفطحية: پیروان عبدالله بن الأقطع بن جعفر الصادق هستند

2- الواقفية: کسانی هستند که بر موسی بن جعفر توقف کرده اند و بعد از او کسی را امام قرار نداده‌اند.

3- الناووسية: آنها پیروان مردی هستند که به او ناووس یا ابن ناووس گف ته می‌شد. و این فرقه می‌گویند که جعفر بن محمد نمرده است و مهدی اوست.

4- به عنوان مثال نگاه کنیترجال الکشی صفحهای 563-565-570-597-612-616-615.

الكافي الكليني هم روايت صحيح هست و هم ضعيف و موضوع، و از طرفي شيعه مي گویند كه اين كتاب به مهدي غائبشان عرضه شد و مهدي گفت : «اين كتاب براي شيعيان ما كافي است»، سؤال اين است كه چرا مهدي به روايات موضوع و دروغين آن اعتراض نكرد؟!

[160] همداني عالم و شيخ شيعه در مصباح الفقيه مي گوید: «طبق نظر متأخرين معيار براي حجيت اجماع اين نيست كه همه اتفاق كنند و نه لازم است كه در يك عصر همه اتفاق نمايند، بلكه دليل براي حجيت اجماع اين است كه راي معصوم را به طريق حدس زدن و تخمين كشف كنيم...»¹؛ پس آنها راي امام غائبشان كه اجماع را تايب مي كند از طريق حدس زدن مي شناسند! به اين تناقض نگاه كنيد! آنها حدس و گمان خود را محور قرار مي دهند و اجماع سلف را معتبر و معيار قرار نمي دهند؟!

[161] شيعيان اعتراف مي كنند كه يكي از برجسته ترين علمای آنها ابن بابويه قمی صاحب كتاب «من لا يحضره الفقيه» كه يكي از كتابهای چهارگانه ايست كه شيعه بر آن عمل

1- مقدمة الكافي حسين علي ص 25، روضات الجنات خوانساری 109/6 والشيعه محمد صادق الصدر ص 122.

2- مصباح الفقيه ص 436 والاجتهاد والتقليد ص 17.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

13

می‌نمایند، در مسأله‌ای ادعای اجماع می‌کند و باز ادعا می‌کند که بر خلاف آن اجماع صورت گرفته است»^۱.

چنان که یکی از علمایشان می‌گوید: «و کسی که طریقه او در ادعای اجماع این باشد چگونه می‌توان بر او اعتماد کرد و نقل او را قبول کرد»^۲.

[162] از چیزهای عجیب شیعه یکی این است که وقتی در مسأله‌ای اختلاف کنند و در آن دو قول باشد . و یک قول گوینده‌اش مشخص باشد و قولی دیگر گوینده‌اش معلوم نباشد، از دیدگاه شیعه همان قول درست است که گوینده‌اش مشخص نیست زیرا آنها گمان می‌برند که شاید گفته‌امام معصوم است! و شیخ شیعه الحر عاملی از آنها انتقاد می‌کند و با تعجب می‌گوید: «و اینکه می‌گویند باید فرد ناشناخته‌ای در آن باشد عجیب تر است، چه دلیلی بر آن دارند؟ و چگونه می‌دانند که گوینده آن امام معصوم بوده است و از کجا این گمان می‌رود»^۳.

[163] شیخ شیعه مجلسی می‌گوید: «روبرو ایستادن با قبر

1- جامع المقال فیما یتعلق بأحوال الحدیث والرجال الطریقی ص 15 .

2- حواله گذشته.

3- مقتبس الاثر 3/ 63 .

14 | أسئلة قادن شباب .. إلى الحق

لازم است گر چه برخلاف جهت قبله باشد «، یعنی وقتی به زیارت ضریح های خود می روند و دو رکعت نماز زیارت می خوانند باید رو به قبر بخوانند گرچه قبله در سمت دیگری باشد!!

عجیب است در کتاب های خودشان از مسجد قرار دادن و قبله قرار دادن قبرها نهی شده است و این از ائمه اهل بیت روایت شده است ، اما آنها می گویند ائمه این را از روی ت قیه گفته اند، چنان که در هر چیزی که بر خلاف میلشان باشد می گویند ائمه تقیه می کرده اند!

[164] شیعه همواره حدیث غدیر و گفته پیامبر را تکرار می کنند که فرمود: «أذكركم الله في أهل بيتي». «شما را در مورد اهل بیت خود سفارش می کنم» اما فراموش می کنند که اولین کسانی که با این وصیت نبوی مخالفت کرده اند خود شیعه هستند؛ زیرا با تعداد زیادی از اهل بیت دشمنی می نمایند!

[165] به شیعه گفته می شود: اگر اصحاب نصّ خلافت علی را پنهان کرده بودند فضایل او را نیز پنهان می کردند و چیزی در مورد فضائل علی روایت نمی کردند، و این بر خلاف

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

14

واقعیت است، پس معلوم می شود که اگر نص در مورد خلافت علی وجود می داشت اصحاب آن را نقل می کردند، چون که نص بر خلافت واقعه و رخداد بزرگی است و رخدادهای بزرگ باید خیلی معروف و مشهور شوند، و اگر اینگونه معروف و مشهور می بود موافق و مخالف آن را می دانستند.

[166] شیعیان روایت می کنند که حسن عسکری پدر امام منتظرشان فرمان داده که خبر امام مهدی از همه پنهان شود به جز از افراد مورد اعتماد و از طرفی برخلاف این می گویند که هر کس امام را شناسد او خدا را شناخته، و کسی دیگر غیر از خدا را می پرستد! و اگر در این حالت بمیرد بر کفر و نفاق مرده است. سپس چرا پدرش اینقدر متشدد بوده که برای شیعه چنین چیزهای سخت و دشواری انتخاب کرده است؟!

[167] شیعیان می گویند که خداوند عمر مهدیشان را به خاطر آنها صدها سال طولانی کرده چون که همه مردم و بلکه تمام جهان هستی به او نیاز دارند!

به آنها می گوئیم اگر خداوند عمر انسانی را به خاطر آن که مردم به او نیاز دارند طولانی می کرد عمر پیامبر ص را طولانی

می نمود.

[168] جعفر برادر حسن عسکری پدر امام غائب میگوید که برادرش فرزندی نداشته است شیعه سخن او را قبول نمی کنند. چون - به گفته آنها - او معصوم نیست، و سپس ادعای عثمان بن سعید را که میگوید حسن فرزندی داشته است قبول می کنند با اینکه عثمان هم معصوم نیست این تناقض چه توجیهی دارد؟! [169] یکی از عقاید معروف شیعه عقیده «الطینه» است، که خلاصه اش این است که خداوند شیعیان را از خاک مخصوصی آفریده است و سنی ها را از خاکی دیگر آفریده است! و هر دو خاک به صورت مشخصی با هم مخلوط شده اند؛ و اگر شما می بینید که شیعه ای مرتکب گناه می شود به خاطر تاثیر آن خاک مخصوص سنی هاست! و اگر سنی درستکار و امانتدار است به خاطر تاثیر خاک شیعی است، و روز قیامت گناه ان و بدی های شیعیان جمع می گردند و بر سنی ها گذاشته می شوند! و نیکی های اهل سنت جمع می شوند و به شیعه ها داده می شوند! شیعه فراموش کرده اند که این عقیده ساختگی و دروغین آنها با آنچه مذهب آنها در مورد قضا و قدر و کارهای بندگان گفته است تناقض و تضاد

دارد؛ چون به اقتضای این عقیده بنده، بر انجام کارهایش مجبور است و اختیاری ندارد؛ چون کارهایش به اقتضای خاک سر می‌زند، با اینکه مذهبشان این است که بنده خودش کارش را می‌آفریند چنان که مذهب معتزله هم همین است

[170] علمای شیعه همواره بیان می کنند که انصار ن

دوستان علی بوده اند و در جنگ صفین در لشکر علی قرار داشتند. به شیعه می‌گوییم: اگر چنین است چرا خلافت را به علی ندادند و خلافت را به ابوبکر سپردند؟! هرگز پاسخ قانع‌کننده‌ای ندارند. دیدگاه و نظر انصار و مهاجرین از نظر و دیدگاه‌های همه ما درست‌تر است؛ و این گروه مؤمن بین خلافت و بین ارتباط عاطفی با خویشاوندان پیامبرص فرق می‌گذارند.

بنابراین می‌بینیم که کتاب‌های شیعه که انصار را می‌ستایند و دوشادوش ایستادن آنها را در کنار علی در جنگ صفین تمجید می‌کنند، همین کتاب‌ها آنها را مرتد می‌نامند و می‌گویند در واقع سقیفه به عقب باز گشتند و مرتد شدند!

با ترازو و مقیاس عجیبی اصحاب رسول خدا مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند، اگر در کاری از کارها با علی باشند بهترین مردم خواهند بود، و اگر در کنار مخالفان علی باشند یا بهتر بگوییم در جهتی که علی می‌خواهند نپاشند مرتد و منفعت

طلب و منافق هستند!

اگر بگویند ما به خاطر آن به ارتداد و بازگشت به عقب آنها حکم کردیم چون که نص خلافت علی را انکار کردند، به آنها می‌گوییم آیا مگر شیعه اثنا عشری نمی‌گویند که حدیث غدیر متواتر است، و صدها صحابه آن را روایت کرده‌اند؟ پس کجا آن را انکار کردند؟

وقتی من با زبان خودم می‌گویم که پیامبر ص به علی گفت: «هر کس من مولا و دوست او هستم علی مولا و دوست اوست»، کجا نص را انکار کرده‌ام؟!

اگر بگویند که آنها معنی و مفهوم نص را انکار کردند، به شیعه گفته می‌شود: چه کسی گفته که تفسیری که شما از این حدیث ارائه می‌دهید حق و درست است؟! آیا شما از اصحاب پیامبر خدا که در آن وقت بودند و با گوشهای خودشان حدیث را شنیدند عاقل تر هستید و بهتر می‌فهمید؟! یا اینکه شما زبان عربی را از آنها بهتر می‌فهمید بنابراین چیزی از حدیث فهمیده‌ایم که آنها آن را نفهمیده‌اند؟!¹

[171] ما با دو گروه مواجه هستیم. گروهی به کتاب خدا

1- ثم ابصرت الحقيقة محمد سالم الخضر ص 291-292. ناگفته نماند که این کتاب به زبان فارسی تحت عنوان (آنگاه حقیقت را یافتیم) ترجمه شده است.

طعنه می‌زند و ادعا می‌کند که قرآن تحریف شده است، در رأس این گروه نوری طبرسی مؤلف کتاب المستدرک است که یکی از اصول هشتگانه حدیث شیعه اثنا عشری می باشد، و کتابی دیگر تالیف کرده به نام «فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الأرباب»، او در این کتاب درباره تحریف شدن قرآن می‌گوید: «و از دلایل تحریف شدن قرآن این است که در بعضی بندها و پاراگراف‌ها تا حد اعجاز فصیح و شیواست و بعضی دیگر از جملات و پاراگراف‌های آن سخیف و بی‌معنا هستند»^۱!

و سید عدنان بحرانی می‌گوید: «اخبار و روایات بی‌شماری که از حد تواتر گذشته است در این مورد آمده است، و بعد از آن که تحریف شدن قرآن و تغییر آن چیزی است که هر دو گروه آن را می‌گویند و از امور مسلم نزد اصحاب و تابعین است و بلکه فرقه اهل حق به تحریف شدن قرآن اجماع کرده اند و یکی از ضروریات مذهبشان می باشد، و روایات زیادی در این مورد آمده است، نیازی به ذکر روایات نیست»^۲. و یوسف بحرانی می‌گوید: «این روایات به صراحت و روشنی بر آنچه ما انتخاب نموده‌ایم و بر وضاحت آنچه گفتیم دلالت می‌کنند، اگر

1- فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الأرباب ص 211.

2- مشارق الشموس الدرية ص 126.

این روایات زیاد مورد عیب‌جویی قرار بگیرند پس همه روایات شریعت را می‌توان عیب‌جویی کرد، چون اصول و طرق و راویان و مشایخ و ناقلان یکی هستند، و سوگند به جانم اگر بگویم قرآن تحریف نشده و در آن تغییر نیامده است پس گمان ما نسبت به حاکمان ستمگر نیک است، و گویا می‌گوییم که آنها در امامت کبری خیانت نکرده‌اند، با اینکه خیانت آنها در امانت دیگری ظاهر است، خیانتی که ضرر آن برای دین به مراتب بیشتر است»¹.

این گروه به وضوح می‌گویند که قرآن تحریف شده است و به آن طعنه می‌زنند! و گروهی دیگر (که اصحاب پیامبر خدا هستند)؛ گناهشان که شیعه اثناعشری هرگز آن را نمی‌بخشد این است که آنها به جای علی ابوبکر را به عنوان خلیفه انتخاب کردند! گروه اول که به کتاب خدا طعنه می‌زند علمای شیعه آنها معذور قرار می‌دهند، و آخرین چیزی که در مورد آنها می‌گویند این است که: (اشتباه کرده‌اند)، (اجتهاد نموده و تاویل کرده‌اند و ما با آنها موافق نیستیم)، ای کاش می‌دانستم که از کجای مسئله محفوظ بودن کتاب خدا یا تحریف شدن آن محل اجتهاد است؟! و سخن این جنایتکار چه اجتهادی است که می‌گوید:

1 - الدرر النجفیة یوسف البحرانی؛ مؤسسة آل البيت لإحياء التراث ص 298.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

14

(در قرآن آیات سخیف و بی معنایی هست!) سوگند به خدا که چنین سخن و باوری مصیبت بسیار بزرگی است. و اینک به عنوان مثال دیدگاه یکی از علمای شیعه اثناعشری را در مورد کسانی که معتقد به تحریف قرآن هستند را ارائه می‌دهیم، سید علی میلانی - یکی از علمای بزرگ معاصر شیعیان - در کتابش «عدم تحریف القرآن» ص 34 با دفاع از نوری طبرسی می‌گوید: «میرزا نوری از محدثان بزرگ است، و ما به میرزا نوری احترام می‌گذاریم و او فردی از علمای بزرگ ماست و نمی‌توانیم کوچکترین توهینی به او بکنیم و این جایز نیست و حرام است، او محدث بزرگی از علمای ماست»¹!

پس به این تناقض بنگر!!

[172] خداوند متعال می‌فرماید: (اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ). (الأعراف: 3).

«از چیزی پیروی کنید که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده است، و جز خدا از اولیاء و سرپرستان دیگری پیروی نکنید».

در این آیه به صراحت بیان شده که جز از پیامبر از کسی

1- ثم أبصرت الحقيقة ص 294.

نباید پیروی کرد، و امامت برای آن است که امام فرمان‌های الهی که به ما رسیده را اجرا کند، نه اینکه دین جدیدی برای مردم بیاورد و به گونه دینی که پیامبر آورده و مردم آن را شناخته اند نباشد، و علی علیه السلام وقتی به این فراخوانده شد که بیا تا قرآن بین ما داوری کند، او پذیرفت و گفت که داور قرآن دادن قرآن حق و لازم است، اگر علی درست گفته پس او همان چیزی را گفته که ما به آن معتقدیم، و اگر سخن نادرستی گفته، بدانید که علی سخن نادرست نمی گوید، و اگر روی آوردن به قرآن و داور قرار دادن قرآن در حضور امام جایز نمی بود علی می گفت: چگونه می خواهید که قرآن بین من و شما داوری کند و حال آن که من امام هستم و سخنان پیامبر را به شما می رسانم؟ اگر شیعیان بگویند وقتی پیامبر ص وفات یافت باید امامی باشد که دین را به مردم برساند. می گوییم این سخن باطل و ادعای بدون دلیلی است، و آنچه اهل زمین به آن احتیاج دارند این است که سخنان پیامبر ص به آنها برسد، و آنان که در حضور پیامبر هستند و آنان که حضور ندارند و کسانی که بعد از پیامبر می آیند همه به صورت یکسان به بیان و توضیح پیامبر ص نیاز دارند چون پیامبر ص اگر سخنی نگوید و توضیحی ندهد امری

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

14

از امور دین روشن نمی شود. پس منظور از پیامبر سخن جاودان اوست که باید به همه اهل زمین رسانده شود . و همچنین اگر طبق گفته آنها همیشه و همواره باید امامی باشد، پس آنها در مورد کسانی که در گوشه و کناره جهان از امام دور هستند و آن را ندیده اند چه می گویند؛ زیرا همه مردم جهان زن، مرد، فقیر، ضعیف، مریض و کسی که مشغول کار و زندگی اش هست نمی توانند امام را ببینند، پس باید سخنان امام به آنها رسانده شود، و وقتی رساندن سخنان امام ضروری است، رساندن سخنان پیامبر اولی است و باید قبل از دیگران از او اطاعت کرد، و آنها نمی توانند به این پاسخ دهند!

[173] شیعیان روایات ثابت و صحیحی دارند که

مجموعه ای از دروغگویی را که دین شیعه براساس و پایه روایت های آنان استوار است مذمت و لعنت می کنند و هر فرد را به طور مشخص لعنت و مذمت وارد شده درباره آنها را نمی پذیرند چون اگر آن را قبول کنند جزو اهل سنت خواهند شد بنابراین برای رویارویی با این مذمت به تقیه پناه بردافند، یعنی آنها زیرکانه سخن امام را رد می کنند، و وقتی که در مذهب شیعه منکر

1- الفصل فی الملل والأهواء والنحل 4/159-160.

سخن امام کافر است پس بنابراین آنها از دین کاملاً بیرون می‌آیند! محمدرضا مظفر یکی از علما و آیات معاصرشان اعتراف کرده که بیشتر روایانشان از سوی ائمه مذمت شده‌اند، و کتابهای شیعه این را نقل کرده اند؛ و در مورد مذمت وارد شده درباره هاشم بن سالم الجوالیقی می‌گوید: «و طعنه‌های زیادی در مورد او وارد شده است، چنان که بزرگانی از یاوران اهل بیت و اصحاب مورد اعتمادشان مورد مذمت و طعنه قرار گرفته اند، و پاسخ این است که این‌ها به صورت کلی گفته شده‌اند»^۱ یعنی از روی تقیه گفته شده است، سپس می‌گوید: «و چگونه می‌توان چنان افراد بزرگی را عیب جویی کرد؟ و آیا دین حق و امر اهل بیت جز با دلایل قاطع آنها با چیزی دیگر بر پا شده است؟»^۲.

بنگرید به تعصب که با آدمی چه می‌کند! شیعیان از کسانی دفاع می‌کنند که امامان اهل بیت آنان را مذمت کردند و نصوص روایت شده از علمای اهل بیت را که متضمن طعن و تبری از این افراد است، انکار می‌نمایند، روایاتی که کتابهای شیعه آن را نقل کرده‌اند. گوئی این متعصبان با انکار آن روایات، اهل بیت ن را تکذیب و سخن آن بزهکران را تصدیق می‌کنند با این گمان که

1- الامام الصادق، محمد الحسین المظفر ص 178.

2- منبع سابق.

امامان آن مذمت‌ها را در حال تقیه فرموده‌اند. این متعصبان با این کار اقوال امامان را که مطابق دیدگاه عموم مسلمانان نیز می‌باشد، نمی‌پذیرند و پشت سر راه دشمنانشان به راه افتادند؛ سخن آنها را تأیید می‌کنند و برای رد اقوال امامان به تقیه تمسک می‌ورزند.

[174] به تواتر ثابت شده و همه می‌دانند که ابوبکر و عمر

و عثمان ن از افراد بسیار نزدیک به پیامبر و از بزرگترین همراهان و یاران او بوده اند، و پیامبر داماد ابوبکر و عمر ، و عثمان داماد پیامبر بوده است، و ایشان ص آنها را دوست می‌داشت و می‌ستود، پس آنها یا در حیات پیامبر و بعد از حیات او مسلمان کامل و واقعی بوده‌اند، و یا اینکه در حیات او یا بعد از وفاتش اسلام و ایمان آنها رنگ باخته است . اگر آنها با آن که چنان با پیامبر نزدیک بودند مسلمان واقعی نبوده‌اند پس پیامبر ص آنها را نمی‌شناخته است و یا اینکه از وضعیت آنها آگاه بوده اما با آنها سازش کرده است، و هر یک از این دو فرضیه توهین بزرگی به پیامبر ص است، چنان که گفته‌اند:

فإن كنت لا تدري فتلك مصيبة وإن كنت تدري فالمصيبة أعظم

«اگر نمی‌دانی این یک مصیبت است

و اگر می‌دانی پس مصیبت بزرگتری است».

و اگر آنها بعد از استقامت و راستی منحرف شده اند پس پیامبر در تربیت خواص امت خود و بزرگان اصحابش شکست خورده و موفق نشده است، و کسی که خداوند به او وعده داده است که دین او را بر همه ادیان غالب و چیره خواهد کرد، پس چگونه بزرگان اصحاب او مرتد بوده اند؟ این باور و دیدگاه شیعه بزرگترین توهین به پیامبر صل است. چنان که ابوزرعه رازی می گوید: «اینها می خواهند به پیامبر صل طعنه بزنند، تا دشمن بگویند که پیامبر مرد بدی بود، و یاران بدی داشته است و اگر مرد صالح و شایسته ای می بود دوستان و یارانش افراد شایسته ای می بودند».

[174] مذهب شیعه در تکفیر همه اصحاب - به جز چند نفر - باعث تکفیر علی علیه السلام هم خواهد می شوند به خاطر این که ایشان هم بنابر عقیده شیعه از امر خدا اطاعت نکردند، همچنین مستلزم این عقیده عدم تواتر شریعت اسلامی است ، بلکه شریعت اسلامی باطل است زیرا کسانی این دین را به ما نقل کرده اند که مرتد بوده اند و از این گذشته طعن در قرآن کریم هم هست زیرا قرآن کریم هم از طریق ابوبکر و عمر و عثمان ن و دیگر یاران به ما رسیده است، و در واقع با کمی تأمل متوجه

خواهید شد که هدف واقعی کسانی که طعن در اصحاب رسول خدا ص می‌زنند طعن در قرآن و دین است.

[175] شیعیان می‌گویند که امامت واجب است؛ چون امام جانشین پیامبر است که شریعت اسلامی را حفاظت می‌نماید و مسلمان‌ها را به راه درست سوق می‌دهد و احکام را از اضافه و کم شدن پاسداری می‌کند^۱، و می‌گویند که: امام باید از سوی خدا تعیین و منصوب شود، و چون جهان به او نیاز دارد باید چنین شود بنابراین تعیین و نصب امام واجب است^۲، و می‌گویند: که امامت برای آن واجب است که لطفی است از الطاف الهی چون مردم وقتی رهبر و راهنمایی داشته باشند ستمگر را از ستم کردن منع می‌کند و آنها را به انجام کارهای خیر وادار می‌نماید، و از شر آنها را باز می‌دارد، و مردم به صلاح و درستکاری نزدیکتر می‌شوند و از فساد دورتر می‌گردند، و لطف همین است^۳.

به آنها گفته می‌شود که ائمه دوازده گانه اتان غیر از علی علیه السلام به ریاست و حکومت و فرمانروایی نرسیده‌اند، و این قدرت را

1- الشیعة فی التاریخ ص 44-45.

2- منهاج الکرامه ص 72-73.

3- اعیان الشیعه 1/2 ص 6.

نداشته‌اند که ظالم را از ظلمش باز دارند و مردم را به خیر وادار نمایند و از شرّ و بدی آنها را باز دارند ! پس چگونه ادعاهای خیالی در مورد آنان که هرگز واقعیت نداشته است می‌کنید؟! و اگر فکر کنید طبق باور و عقیده خودتان آنها امام نیستند، چون لطفی که شما ادعا می‌کنید از آنها حاصل نشده است.

[176] در کتاب نهج البلاغه آمده است که علی رضی الله عنه با پروردگارش مناجات می‌کرد و این دعا را می‌گفت: «اللهم اغفر لي ما أنت أعلم به مني، فإن عدت فعد عليّ بالمغفرة، اللهم اغفر لي ما وأيت من نفسي ولم تجد له وفاء عندي، اللهم اغفر لي ما تقربت به إليك بلساني ثم ألفه قلبي، اللهم اغفر لي رمزات الأخطا وسقطات الألفاظ، وسهوات الجنان وهفوات اللسان».

«بار خدایا آنچه در مورد من که تو بدان از من آگاهتری را بیامرز، اگر باز مرتکب گناه شدم باز مرا بیامرز، بار خدا وعده‌هایی که با خودم کرده‌ام و به آن وفا نکرده‌ام مرا بیامرز، بار خدایا اگر با زبان خود به تو خودم را نزدیک کرده‌ام و دلم با آن مخالفت نموده مرا ببخش، بار خدایا نگاه‌ها و سخنان بیهود و اشتباهات مرا ببخش»¹.

1 - نهج البلاغة (شرح ابن ابی الحدید) 6 / 176.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

15

او ﷺ دعا می‌کند که خداوند گناهانش از یقین فراموشی و خطا و غیره را ببخشد، و این با عصمتی که شما ادعای کفیل منافات دارد [177] شیعیان می‌گویند که هیچ پیامبری نبوده است مگر آن که به ولایت علی ﷺ دعوت داده است! ^۱ و خداوند از پیامبران برای ولایت علی ﷺ پیمان گرفته است! ^۲ و چنان مبالغه و غلو کرده‌اند که شیخ آنها تهرانی می‌گوید: که ولایت علی بر همه چیزها عرضه شده است و هر چیزی که ولایت او را پذیرفته درست شده است، و هر چیزی آن را پذیرفته فاسد خراب گشته است! ^۳.

به شیعه گفته می‌شود که پیامبران به توحید و اخلاص عبادت برای خدا و یگانه پرستی دعوت می‌داده‌اند نه به ولایت علی آنگونه که شما ادعا می‌کنید، خداوند متعال می‌فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ). (الأنبياء: 25).

«ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر اینکه به او

1- نگا: بحار الانوار 60/11 و العالم الزلفی ص 303.

2- العالم الزلفی ص 303.

3- ودائع النبوة تهرانی ص 155.

وحی کرده ایم که معبود به حقی جز من نیست پس فقط مرا پرستش کنید».

و اگر ولایت علی چنان که شما ادعا می کنید در صحیفه های همه پیامبران نوشته شده است؛ پس چرا فقط و تنها شیعیان آن را نقل کرده اند و کسی دیگر از آن خبر ندارد؟! و چرا اهل ادیان آن را ندانسته اند؟! و بسیاری از پیروان ادیان دیگر مسلمان شده اند و این ولایت را ذکر نکرده اند، بلکه چرا در قرآن که بر دارنده همه کتابهاست ذکر نشده است؟!

[178] آیا ائمه صیغه (ازدواج موقت) کرده اند؟! و پسرانی

که از صیغه دارند چه کسانی هستند؟!

[179] شیعیان می گوید: ائمه آنچه را که شده و آنچه را که

می شود می دانند و هیچ چیزی بر آنها پنهان نمی ماند، و علی بن ابی طالب علیه السلام دروازه علم است؛ پس چگونه علی س حکم مزی را نمی داند و کسی را نزد پیامبر ص می فرستد تا احکام متعلق به مزی را به او بیاموزد؟!

[180] جنایتی که از دیدگاه شیعیان اصحاب مرتکب شده اند

این است که به گفته آنها اصحاب از ولایت علی منحرف شدند و

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

15

خلافت را به نسپردند، بنابراین از دیدگاه شیعه عادل و درستکار نیستند. سؤال این است که شیعیان چرا در مورد فرقه های دیگر شیعه مانند فطحیه و واقفه که امامت بعضی از ائمه را قبول ندارند چنین فعی گویند؟! بلکه از افراد این فرقهها دلیل می گیرند و آنها را عادل می دانند! این تناقض دلیلش چیست؟

[181] منابع شیعیان به اتفاق می گویند که ائمه تقیه می کرده اند

و تقیه یعنی اینکه امام غیر از آنچه در دل دارد چیزی دیگر را اظهار کند، و گاهی ممکن است سخنی بگوید که حق نیست و کسی که تقیه می کند معصوم نیست، چون حتماً دروغ خواهد گفت، و دروغ یک گناه است!

[182] کلینی نقل می کند که یکی از یاران امام علی علیه السلام از

امام خواست تا آنچه را که خلفای گذشته خراب و فاسد کرده اند اصلاح کند، اما علی نپذیرفت و گفت اگر این کار را بکند لشکریانش از اطراف او پراکنده خواهند شد^۱، با اینکه تهمت هایی که شیعیان به خلفای قبل از علی (ابوبکر و عمر و

1- نگا: رجال الکشی ص 27، 219، 445، 465 و رجال النجاشی ص 28، 53، 76، 86، 95،

139 و جامع الرواة الأردیلی 1/413.

2- الروضه کلینی ص 29.

عثمان (ن) می زنند شامل چیزهایی است که مخالفت با قرآن و سنت است. آیا ترک کردن این مخالفت‌ها توسط علی با عصمتی که شیعه ادعا می‌کنند همخوانی دارد؟!

[183] عمر رضی الله عنه قبل از وفاتش شورای شش نفره ای را تعیین کرد، سپس سه نفر از آنها دست کشیدند ، و سپس عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه کنار کشید و عثمان و علی م باقی ماندند، پس چرا علی از همان اوّل نگفت که درباره او به خلافت وصیت شده است؟! آیا بعد از وفات عمر رضی الله عنه از کسی می‌ترسید؟!

[184] در نهایت تعجب باید بگوییم که شیعه روایاتی را جعل کرده‌اند که متضمن اسامی امامان شیعه، بعد از رسول الله ص تا مهدی می‌باشند و با این وجود بعضی از مراجع تقلید بزرگ معاصرشان وجود چنین نصی درباره اسامی امامان را انکار می‌کنند، مثلاً الخویی می‌گوید: «روایات متواتر نقل شده از طریق سنی و شیعه، تعداد امامان را از نظر تعداد دوازده نفر معرفی کرده‌اند ولی ذکر سلسله‌وار اسامی آنها در روایات نیست»^۱.

^۱ - صراط النجاة، 2/ 452 و نگاه: الامامة والرهص، تألیف استاد فیصل نور، ص 306.

سؤالاتی که باعث هدایت جوانان .. شد

15

[185] همچنانکه معلوم است شیعه ادعا می کنند که اکثر صحابه ن بعد از وفات پیامبر ص مرتد شدند و وقتی از آنها پرسیده شود: مادامی که علی علیه السلام با نص صریح پیامبر ص جانشین وی معرفی شده بود، پس چرا بعد از وفات حضرت، ادعای خلافت و امامت نکرد؟ شیعیان در پاسخ به این سؤال دچار تناقض می شوند و ادعا می کنند که علی از ترس مرتد شدن صحابه ن سکوت نمود!! در کتاب «الکافی» از امام باقر روایت شده که: «وقتی مردم بعد از وفات پیامبر ص با ابوبکر بیعت کردند، تنها چیزیکه باعث شد علی مردم را به سوی خود نخواند این بود که مراعات حال مردم را کرد [زیرا] ترسید که مردم مرتد شوند و به بت پرستی برگردند!»^۱

[186] چنانکه گذشت شیعه گمان می کنند نصی در مورد امامت امامانشان وجود دارد ولی روایات بی شماری در کتابهایشان وجود دارد که منافی این گمان است و استاد فیصل نور در کتاب «الإمامه والنص» این روایات را جمع و صحت و سقم آنها را بیان کرده و منبع خوبی برای مراجعه محققان است

^۱ - الکافی، 8/295 و نگا: البحار، 28/255 و امالی الطوسی، ص 234.

در پایان از خداوند متعال می خواهیم که این سؤالات را برای جوانان شیعه وسیله منفعت گرداند
و آن را کلید خیری قرار داده که آنان را به دروازه حق و حقیقت راهنمایی کند
و آنها را برای طلب حق و تمسک به آن برانگیزاند و امیدوارم در این راه از سرزنش سرزنشکنندگان نهراسند
و از خواننده گرامی می خواهیم که اگر نکته‌ای ناگفته به ذهنش رسید، آن را به اینجانب گوشزد نماید تا - إن شاء الله - در چاپهای بعدی اضافه گردد

وصلی الله علی نبینا محمد و آله وصحبه وسلم

برای ارتباط با مترجم می توانید بلآدرس زیر تماس بگیرید: السعودية
الریاض - الرمز البريدي (11757) ص. پ: (150103).

www.aqedeh.com

ES@AL-ISLAM.COM

YAD631@YAHOO.COM